

درسنامه

احکام صید و ذباجه

جلال زروندی
جعفر همّت آبادی
تحت اشراف محمد زروندی رحمانی



وزارت جهاد کشاورزی
حوزه نمایندگی ولی فقیه
مدیریت مطالعات و تحقیقات

وزارت جهاد کشاورزی
حوزه نمایندگی ولی فقیه
مدیریت مطالعات و تحقیقات

نام کتاب :	درسنامه احکام صید و ذباحت
نویسندگان :	محمد رحمانی، جلال زروندی، جعفر همّت آبادی
ناشر :	حوزه نمایندگی ولی فقیه
صفحه آرا :	محمد جعفری
ویراستار :	تقی متقی
نوبت چاپ :	اول، زمستان ۱۴۰۳
شمارگان :	۲۵۰ نسخه
قیمت :	
شابک :	

فهرست مطالب

مقدمه	۹
فصل اول : تذکيه (حقيقت تذکيه، اقسام و راه‌های اثبات آن)	۱۳
درس اول: مفهوم، آثار و شیوه‌های تذکيه شرعی	۱۴
اهداف درس	۱۴
مبحث اول: مفهوم تذکيه	۱۵
مبحث دوم: آثار فقهی تذکيه	۱۵
مبحث سوم: روش‌های تذکيه شرعی	۱۹
خلاصه	۲۱
پرسش‌ها	۲۲
درس دوم: راه‌های ثبوت تذکيه	۲۳
اهداف درس	۲۳
نشانه‌های تذکيه حیوان	۲۳
نشانه اول: گرفتن از دست مسلمان	۲۴
نشانه دوم: بازار مسلمین	۲۸
نشانه سوم: سرزمین اسلامی	۲۹
خلاصه	۳۲
پرسش‌ها	۳۳
درس سوم: حیوانات غیر قابل تذکيه	۳۴
اهداف درس	۳۴

۳۴ حیوانات غیر قابل تذکیه
۳۸ موانع عارضی تذکیه
۳۸ فروع فقهی
۴۱ بیان دو مسئله
۴۲ خلاصه
۴۳ پرسش‌ها

فصل دوم : ملاکات حلیّت و حرمت حیوانات ۴۴

درس چهارم: ملاکات حلیّت حیوانات خشکی ۴۵

۴۵ اهداف درس
۴۵ معیار حیوانات حلال گوشت
۴۶ اقسام حیوانات حلال گوشت خشکی
۴۷ اقسام حیوانات حرام گوشت خشکی
۴۹ مسائل اختصاصی
۵۰ خلاصه
۵۰ پرسش‌ها

درس پنجم: معیارهای حلیّت پرندگان ۵۱

۵۱ اهداف درس
۵۲ معیارهای شناخت پرندگان حلال گوشت
۵۴ نشانه‌های پرندگان حرام
۵۶ خلاصه
۵۷ پرسش‌ها

درس ششم: معیار حلیّت آبزیان ۵۸

۵۸ اهداف درس
۵۹ معیار حلیت و حرمت ماهی‌ها
۶۰ شک در تذکیه
۶۳ حکم تخم ماهی (خاویار)
۶۴ میگو

فهرست مطالب □ ۵

۶۴ شاه میگو (لابستر)
۶۵ کوسه ماهی
۶۵ خلاصه
۶۶ پرسش‌ها
۶۷ درس هفتم: اجزای حرام
۶۷ اهداف درس
۶۸ اجزای حرام حیوانات حلال گوشت
۷۲ اجزای حرام پرندگان حلال گوشت
۷۲ اجزای حرام ماهی پولک‌دار
۷۳ خلاصه
۷۴ پرسش‌ها
۷۵ فصل سوم: احکام ذبح و نحر
۷۶ درس هشتم: شرایط ذابح
۷۶ اهداف درس
۷۶ شرایط ذابح از نظر عقیده و مذهب
۷۷ ذبح سایر فرقه‌های اسلامی
۸۵ خلاصه
۸۶ پرسش‌ها
۸۷ درس نهم: ذکر نام خدا (۱)
۸۷ اهداف درس
۸۸ موالات در ذکر نام خدا و شروع به ذبح
۸۹ یاد کردن اسما و صفات خدا
۹۰ ذکر نام خدا به غیر عربی
۹۱ ذبح با دستگاه صنعتی
۹۳ خلاصه
۹۳ پرسش‌ها

۹۴	درس دهم: ذکر نام خدا (۲)
۹۴	اهداف درس
۹۵	ترک ذکر نام خدا
۹۷	مباشرت ذابح در ذکر نام خدا
۹۸	ذکر نام خدا از سوی لال
۱۰۱	خلاصه
۱۰۲	پرسش‌ها
۱۰۳	درس یازدهم: استقبال
۱۰۳	اهداف درس
۱۰۴	قبله حیوان خوابیده
۱۰۴	قبله حیوان نشسته یا ایستاده
۱۰۵	قبله حیوان آویزان
۱۰۸	خلاصه
۱۰۹	پرسش‌ها
۱۱۰	درس دوازدهم: ابزار ذبح
۱۱۰	اهداف درس
۱۱۰	شرایط ابزار ذبح
۱۱۴	ذبح با دستگاه
۱۱۵	خلاصه
۱۱۶	پرسش‌ها
۱۱۷	درس سیزدهم: حیات
۱۱۷	اهداف درس
۱۱۸	اقوال در نشانه‌های حیات موقع ذبح
۱۲۰	فروع فقهی
۱۲۴	خلاصه
۱۲۵	پرسش‌ها

فهرست مطالب □ ۷

درس چهاردهم: قطع اوداج ۱۲۶

اهداف درس ۱۲۶

مفهوم‌شناسی اوداج اربعه ۱۲۶

اقوال در مسئله ۱۲۷

فروع فقهی ۱۲۸

مسائل اختصاصی ۱۳۴

خلاصه ۱۳۵

پرسش‌ها ۱۳۶

درس پانزدهم: مستحبات و مکروهات ذبح ۱۳۷

اهداف درس ۱۳۷

مستحبات ۱۳۷

مکروهات ۱۳۹

خلاصه ۱۴۲

پرسش‌ها ۱۴۳

درس شانزدهم: تذکيه شتر و جنين حيوانات ۱۴۴

اهداف درس ۱۴۴

شرایط نحر ۱۴۵

ذبح شتر به جای نحر و نحر سایر چارپایان ۱۴۶

روش تذکيه جنين ۱۴۸

خلاصه ۱۵۱

پرسش‌ها ۱۵۲

فصل چهارم: احکام صيد و شکار ۱۵۳

درس هفدهم: احکام صيد حيوانات آبی ۱۵۴

اهداف درس ۱۵۴

ماهی مرده در آب ۱۵۶

برگرداندن ماهی صيد شده داخل آب ۱۵۸

حکم خوردن ماهی زنده ۱۵۹

۱۶۴ خلاصه
۱۶۵ پرسش‌ها
۱۶۶ درس هجدهم: احکام شکار با اسلحه
۱۶۶ اهداف درس
۱۶۷ صید حیوانات وحشی
۱۶۸ شرایط شکار با سلاح
۱۷۴ فروع فقهی
۱۷۶ دو قسمت شدن شکار
۱۷۸ خلاصه
۱۷۹ پرسش‌ها
۱۸۰ درس نوزدهم: احکام شکار با سگ شکاری
۱۸۰ اهداف درس
۱۸۱ شکار با سگ شکاری تربیت شده
۱۸۱ شرایط شکار با سگ شکاری
۱۸۸ تطهیر محل گاز گرفتن سگ
۱۹۰ خلاصه
۱۹۱ پرسش‌ها
۱۹۲ پیوست‌ها
۱۹۹ کتابنامه

مقدمه

دین اسلام آیینی همساز با فطرت انسانی است و فقه آن از سرچشمه زلال وحی جوشیده و در دامن پاک اهل بیت (ع) رشد کرده و با زحمات طاقت‌فرسای فقها به بار نشست است. غنا، ژرف‌نگری، هماهنگی با فطرت و جامعیت نسبت به نیازهای مادی و معنوی انسان از ویژگی‌های فقه اسلام است. این فقه برای انسان، از پیش از تولد تا پایان حیات و پس از مرگ نیز برنامه دارد. سید محمدکاظم یزدی، صاحب عروة‌الوثقی، برای زن و مردی که قصد ازدواج و فرزندآوری دارند، بیش از صد حکم فقهی اعم از الزامی و ترخیصی در باب نکاح بیان کرده است.

بی‌گمان مقوله تأمین غذا، سلامت، حلیت و پاکی آن، بویژه گوشت از دغدغه‌های اساسی انسان معاصر است به گونه‌ای که بسیاری از فعالیت‌های فکری و فیزیکی انسان‌ها بر این محور می‌چرخد. شعار عقل سالم در بدن سالم و بدن سالم در گرو تغذیه سالم است، تأییدی است بر این مدعا.

جایگاه تغذیه

رسالت اسلام و معارف ناب آن رهنمون انسان به حیات طیبه است. با مراجعه به آیات و روایات در این راستا اصول مختلفی اعم از الزامی و ترخیصی استفاده می‌شود که اهم آن‌ها در باب غذا عبارتند از:

اصل حرمت اسراف

آیات و روایات زیادی دلالت دارند که اسراف و تبذیر، حرام قطعی و از گناهان کبیره محسوب می‌شوند.

اسراف مصادیق مختلفی دارد. شاید بتوان گفت ضایع کردن و دور ریختن هر چیزی که قابل استفاده است، حتی ریختن باقی مانده آب لیوان یا دور انداختن هسته خرما - در صورتی که قابل استفاده باشد - نیز مصداق اسراف است. این اصل نه تنها در خوردنی‌ها، نوشیدنی‌ها و پوشیدنی‌ها بلکه در تمام شئون زندگی جاری است.

اصل تبعیت احکام از مصالح و مفاسد

فقه‌های امامیه بر این باورند که هر حکمی از احکام شرعی، دائرمدار مصلحت و مفسده است؛ به گونه‌ای که اگر مصلحت انجام آن زیاد باشد، حکم الزامی و خوب، اگر مفسده ارتکاب آن زیاد باشد، حکم الزامی حرمت و در غیر این دو صورت حکم ترخیصی استحباب، کراهت یا اباحت شرعی جعل می‌شود.

با توجه به این اصل، یادآور می‌شود که هر یک از احکام مرتبط به تذکیه شرعی اعم از الزامی و ترخیصی ریشه در مفاسد و مصالح واقعی دارد، گرچه عقل بشر توان درک آنها را نداشته باشد. شاهد بر این مدعا آنکه برخی از محققان غیر مسلمان نیز بر اساس آزمایشات گوناگون و پیشرفته اثبات کرده‌اند که گوشت حاصل از «ذبح اسلامی» حیوان نسبت به انواع دیگر کشتارها از جهات مختلف با جسم انسان سازگارتر است، از این رو استقبال غیرمسلمانان نیز نسبت به ذبح اسلامی و غذای حلال در جهان رو به افزایش است.

اصل تأثیر لقمه حرام

تأثیر لقمه حرام از امور مسلمی است که آیات و روایات زیادی بر آن دلالت دارند، تا آنجا که بعضی از فرهیختگان جهان اسلام بر این باورند که عذاب قیامت، تجسم اعمال و کارهای حرامی است که انسان در دنیا مرتکب شده است.

پر واضح است که مخالفت با دستورات الزامی الهی گناه و مجازات اخروی را در پی دارد. افزون بر آن، سرپیچی از دستورات الهی آثار وضعی نیز دارد، چنان که مثلاً کشیدن سیگار آثار وضعی بر جسم دارد، با این تفاوت که بسیاری از آثار وضعی لقمه حرام جبران‌ناپذیر است. در روایات به برخی از آثار وضعی گناهان اشاره شده است، از جمله: قساوت قلب، عدم قبولی عبادات، حسرت عظیم در قیامت، غفلت از خدا، نسل فاسد، عدم استجابت دعا و لعن فرشتگان.

با توجه به این اصل مترقی، مسئولین مرتبط با تذکیه شرعی از جمله ناظران محترم ذبح نه تنها نسبت به تعالی معنوی انسان‌ها خدمت می‌کنند، بلکه نسبت به سلامتی جسم انسان‌ها هم اثرگذارند. این امر موجب می‌شود تا جایگاه تشکیلات مرتبط با تذکیه و ذبح شرعی دو چندان باشد.

اصل اعتدال

از دیر باز نسبت به استفاده از گوشت آرای مختلفی ابراز شده است، از جمله:

الف) نگاه افراطی، که هرگونه گوشتی را از هر حیوانی و به هر شکلی که تهیه شود قابل استفاده می‌دانند. از باب نمونه در کشورهایمانند چین و کامبوج صف‌های مختلف برای هر نوع گوشتی مشاهده می‌شود.

ب) نگاه تفریطی، که استفاده هر نوع گوشتی را روا نمی‌دانند. این گروه که تحت عنوان خام‌خواران تعریف می‌شوند در سراسر دنیا دیده می‌شوند.

ج) نگاه اعتدالی و به دور از افراط و تفریط. این نظریه اسلام است که بهره‌مندی از گوشت و فراورده‌های آن را تحت شرایط و با رعایت احکام خاص، از جمله قابلیت تذکیه، مجاز دانسته و ترک آن را مذموم می‌داند. آیات و روایات فراوانی بر این اصل دلالت دارند.

* * *

۱ - این نوشته مشتمل بر فتاوای مراجع عظام تقلید در قید حیات و نیز حضرت امام خمینی و آیت الله خویی (ره) است.

۲ - افزون بر توضیح المسائل مراجع، منابع دیگری از جمله استفتائات، وبگاه مراجع و سایر کتب فتوایی نیز مورد مراجعه بوده است.

۳ - تلاش شده تا تمام فتاوای مراجع عظام تقلید در رابطه با تذکیه شرعی در این کتاب گزارش شود؛ اما متأسفانه بعضی از مراجع در برخی از مسائل مورد ابتلا فتوا ندارند.

۴ - مطالب به گونه‌ای دسته‌بندی شده، تا ضمن رعایت دقت و امانت، فهم مطلب آسان باشد.

۵ - اثر حاضر چون جنبه آموزشی داشته و مستند بودن فتاوی در آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، برای هر فتوایی منابع متعددی معرفی شده است.

۶ - در پایان از مساعی همه دست‌اندرکارانی که در تهیه و تدوین، آماده‌سازی و چاپ و نشر این اثر علمی آموزشی نقش داشته‌اند، بویژه حجج اسلام آقایان جعفر همت‌آبادی، جلال زروندی و تقی متقی کمال تشکر را دارم.

محمد زروندی رحمانی

فصل اول:

تذکيه

(حقيقت تذکيه، اقسام و راههای اثبات آن)

درس اول:

مفهوم، آثار و شیوه‌های تذکيه شرعی

اهداف درس

- از خواننده گرامی انتظار می‌رود، پس از فراگیری این درس:
- ۱ - با مفهوم تذکيه در لغت و اصطلاح فقهی آشنا شود.
 - ۲ - آثار شرعی تذکيه حیوانات را بداند.
 - ۳ - از شیوه های شرعی تذکيه انواع حیوانات آگاه شود.
 - ۴ - با انواع حیوانات قابل تذکيه آشنا گردد.

مقدمه

«يا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلالاً طَيِّباً؛^۱ ای مردم! از آنچه در زمین است حلال و پاکیزه را بخورید.»

گوشت حیوانات بخش مهمی از غذای انسان است که محوری ترین شرط حلیت و پاکی آن، تذکيه حیوان است.

۱- سوره بقره، آیه ۱۶۸.

مبحث اول: مفهوم تذکيه

الف) تعريف لغوی

«تذکيه» در لغت به معانی مختلف آمده است، از جمله:

۱ - ذبح؛^۱

۲ - سلب حرارت طبیعی از بدن حیوان.^۲

ب) تعريف اصطلاحی

در اصطلاح فقهی، تذکيه، پاک یا حلال شدن حیوان با کشتن آن به شیوه و شرایط

معین در شریعت است.^۳

مبحث دوم: آثار فقهی تذکيه

اثر تذکيه با توجه به نوع حیوان متفاوت است:

الف) حیوان حلال گوشت

۱ - دارای خون جهنده

آثار تذکيه آن عبارتند از:

۱-۱) از مردار و نجس شدن جلوگیری می‌کند.

۱-۲) خوردن گوشت و فراورده‌های غذایی آن بعد از ذبح حلال می‌شود، و از

۱- همان، ص ۳۱۲.

۲- «اخراج الحرارة الغریزیه» راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ص ۳۳۰.

۳- هاشمی شاهرودی، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ج ۲، ص ۴۲۶؛ وحید

خراسانی، توضیح المسائل، ص ۶۲۰؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۲۱،

۱۳۳۶م.

حرمت و مردار شدن جلوگیری می کند. (همه مراجع)^۱

۳-۱) صحت نماز در دو صورت:

اول: خواندن نماز با لباس تهیه شده از اجزای بدن حیوان مذکّی؛ زیرا طبق فتوای همه مراجع عظام یکی از شرایط لباس نمازگزار آن است که از اجزای مردار که در زمان حیات دارای روح بوده، نباشد.^۲

دوم: طبق نظر برخی مراجع عظام، بنابر احتیاط واجب^۳ باید چیزی از مردار

۱- امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۶۳، باب القول فی الذباحت، م ۲۳؛ خویی، توضیح المسائل، ص ۴۶۴، م ۲۵۹۲؛ منهاج الصالحین (خویی)، ج ۲، ص ۳۴۱، م ۱۶۶۹؛ رساله توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۷۳۸، م ۲۵۸۳؛ خامنه ای، رساله نماز و روزه، ص ۲۳، م ۸۱. خامنه ای، آموزش مصوّر احکام طبق فتاوی آیت الله خامنه ای، ص ۹۰؛ وحید خراسانی، توضیح المسائل، ص ۵۳۵، م ۲۶۴۷؛ منهاج الصالحین (وحید خراسانی)، ج ۳، ص ۱۱۸، م ۱۶۶۹؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۸۵، م ۸۶۸؛ توضیح المسائل جامع (سیستانی)، ج ۲، ص ۵۲۲، م ۱۲۳۷؛ مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۲۳، م ۲۲۱۲؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۴۲، م ۲۵۹۲؛ مظاهری، رساله توضیح المسائل، ص ۳۳۴، م ۲۱۲۹؛ سبحانی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۸۵، م ۲۲۴۳؛ نوری همدانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۸۱، م ۲۵۷۸

۲- ترتب این اثر برگرفته از شرط سوم لباس نماز گزار است که باید از اجزاء مردار که دارای روح است، نباشد. امام خمینی، توضیح المسائل، ص ۱۵۰، م ۸۲۱؛ خامنه ای، کتاب آموزش مصوّر، ج ۱، م ۲۱۷؛ خویی، رساله توضیح المسائل، ص ۱۴۶، م ۸۲۹؛ وحید خراسانی، توضیح المسائل، ص ۱۶۸، م ۸۲۷؛ سیستانی، رساله توضیح المسائل، ص ۱۵۸، م ۸۰۸؛ مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۱۴۶، م ۷۵۰؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۱۷۶، م ۸۲۹؛ سبحانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۲۶، م ۶۸۸؛ مظاهری، رساله توضیح المسائل، ص ۱۱۳، م ۶۶۳؛ نوری همدانی، رساله توضیح المسائل، ص ۱۰۶، م ۸۲۲؛ جوادی آملی، رساله توضیح المسائل، ص ۶۵، م ۱۴۴

۳- امام خمینی، توضیح المسائل، ص ۱۵۰، م ۸۲۲؛ خامنه ای، رساله نماز و روزه، ص ۲۳، م ۸۲. خویی، رساله توضیح المسائل، ص ۱۴۶، م ۸۳۰؛ وحید خراسانی، رساله توضیح المسائل، ص ۱۶۸، م ۸۲۸؛ مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۱۴۶، م ۷۵۱؛ سیستانی، رساله توضیح المسائل، ص ۱۵۸، م ۸۰۹؛ جوادی آملی، رساله توضیح المسائل، ص ۶۶، م ۱۴۵؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۱۷۶، م ۸۳۰؛ سبحانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۲۶، م ۶۸۹

فصل اول: تذکيه (حقيقت تذکيه، اقسام و راه‌های اثبات آن) □ ۱۷

مانند گوشت و پوست آن که روح داشته، همراه نماز گزار نباشد،^۱ ولی اجزای حیوان مذکّی اشکال ندارد.

۲ - فاقد خون جهنده

با توجه به این که مردار این‌گونه حیوانات در هر صورت پاک است اثر تذکيه این نوع حیوان در دو امر است:

۱-۲) خوردن گوشت و فراورده‌های غذایی آن بعد از ذبح حلال می شود. (همه مراجع)^۲

۲-۲) در مورد صحت و بطلان نماز با لباس تهیه شده از اجزای بدن حیوان غیر مذکّی که خون جهنده ندارد، آرا مختلف است:

قول اول: بنابر احتیاط واجب با آن نماز نخواند.^۳ (آیات عظام امام خمینی، خامنه

۱- برخی مراجع در این مسئله فتوا داده اند که: نماز گزار باید چیزی از مردار مانند گوشت و پوست آن که روح داشته، همراه نداشته، مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۱۴۶، م ۷۵۱ و سبحانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۲۶، م ۶۸۹) در مقابل فتوای برخی هم براین است که: « هرگاه چیزی از مردار نجس مانند گوشت و پوست آن که روح داشته همراه نماز گزار باشد، نمازش صحیح است.» (سیستانی، ۱۳۹۳ ه.ش.، توضیح المسائل، ص ۱۵۸، م ۸۰۹)

۲- سید روح الله خمینی، توضیح المسائل، ص ۵۴۳، م ۲۴۵۸؛ توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۲۲، م ۱۲۳۷؛ هاشمی شاهرودی، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ج ۲، ص ۴۲۶؛ خویی، توضیح المسائل، ص ۳۲۶، م ۲۵۹۵؛ وحید خراسانی، توضیح المسائل، ص ۵۴۷، م ۲۶۵۰؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۸۵، م ۸۶۸؛ رساله توضیح المسائل (سیستانی)، ص ۵۰۳، م ۲۵۵۱؛ رساله توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۷۴۰، م ۲۵۸۶؛ مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۲۴، م ۲۲۱۶؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۴۱، م ۲۵۹۵؛ مظاهری، رساله توضیح المسائل، ص ۳۳۴، م ۲۱۳۷؛ سبحانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۸۷، م ۲۲۴۵؛ نوری همدانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۸۱، م ۲۵۸۱

۳- با توجه به اینکه لباس نماز گزار باید از اجزای مردار که دارای روح است، نباشد. امام خمینی، توضیح المسائل، ص ۱۵۰، م ۸۲۱؛ خامنه‌ای، رساله نماز و روزه، ص ۲۳، م ۸۱. خویی، رساله



ای، خوبی، وحید خراسانی، مکارم شیرازی، شبیری زنجانی، نوری همدانی)
قول دوم: بنابر احتیاط مستحب با آن نماز بخواند.^۱ (آیات عظام سیستانی و
 جوادی آملی)

ب) حیوان حرام گوشت تذکیه پذیر

- ۱- دارای خون جهنده: اثر تذکیه، پاکی بدن آن است.^۲
- ۲- فاقد خون جهنده: تذکیه اثری ندارد^۳ زیرا در هر صورت خوردن گوشت این حیوانات حلال نیست و مردار آنها پاک است و نماز خواندن با لباس تهیه شده از اجزاء حیوان حرام گوشت باطل است. (همه مراجع)^۴

توضیح المسائل، ص ۱۴۶، م ۸۲۹؛ وحید خراسانی، توضیح المسائل، ص ۱۶۸، م ۸۲۷؛ مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۱۴۶، م ۷۵۰؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۱۷۶، م ۸۲۹؛ سبحانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۲۶، م ۶۸۸؛ نوری همدانی، رساله توضیح المسائل، ص ۱۰۶، م ۸۲۲.

۱- سیستانی، رساله توضیح المسائل، ص ۱۵۸، م ۸۰۸؛ جوادی آملی، رساله توضیح المسائل، ص ۶۵، م ۱۴۴.

۲- امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۶۴، باب القول فی الذباحت، م ۲۴؛ رساله توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۷۴۱، م ۲۵۸۸؛ ناصر مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۲۴، م ۲۲۱۷؛ وحید خراسانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۳۶، م ۲۶۵۲؛ سیستانی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۹۸، م ۲۶۰۶؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۴۲، م ۲۵۹۷؛ مظاهری، رساله توضیح المسائل، ص ۳۳۵، م ۲۱۳۶.

۳- امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۶۴، کتاب صید و ذباحت، باب القول فی الذباحت، م ۲۳؛ رساله توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۷۴۰، م ۲۵۸۷؛ خوبی، توضیح المسائل، ص ۴۶۵، م ۲۵۹۶؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۲۲-۵۲۳، م ۱۲۳۹؛ رساله توضیح المسائل (سیستانی)، ص ۴۹۷، م ۲۶۰۴؛ منهاج الصالحین (سیستانی)، ج ۳، ص ۲۸۵، م ۸۶۸؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۴۱، م ۲۵۹۵؛ مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۲۴، م ۲۲۱۶؛ وحید خراسانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۳۶، م ۲۶۵۱؛ نوری همدانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۸۱، م ۲۵۸۲.

۴- امام خمینی، توضیح المسائل، ص ۱۵۰، م ۸۲۴؛ خامنه ای، رساله نماز و روزه، ص ۲۳، م ۸۴؛ خامنه ای، کتاب آموزش مصور، ج ۱، ص ۲۱۷؛ خوبی، رساله توضیح المسائل، ص ۱۴۶،



مبحث سوم: روش‌های تذکيه شرعی

تذکيه شرعی به شیوه‌های مختلف - با توجه به نوع حیوان - انجام می‌گیرد که به انواع آن اشاره می‌شود:

- ۱- تذکيه با ذبح: تمام حیوانات حلال گوشت اهلی و وحشی - به جز شتر، ماهی، میگو و ملخ - به این روش، قابل تذکيه هستند.^۱ (همه مراجع)
- ۲- تذکيه با نحر: در میان حیوانات تنها شتر به این شیوه تذکيه می‌شود.^۲ (همه مراجع)

م ۸۳۲؛ وحید خراسانی، توضیح المسائل، ص ۱۶۹، م ۸۳۰؛ سیستانی، رساله توضیح المسائل، ص ۱۵۸، م ۸۱۱؛ مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۱۴۶، م ۷۵۳؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۱۷۶، م ۸۳۲؛ سبحانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۲۷، م ۶۹۱؛ مظاهری، رساله توضیح المسائل، ص ۱۱۴، م ۶۶۶؛ نوری همدانی، رساله توضیح المسائل، ص ۱۰۶، م ۸۲۵؛ جوادی آملی، رساله توضیح المسائل، ص ۶۶، م ۱۴۸.

۱- امام خمینی، توضیح المسائل، ص ۷۳۸، م ۲۵۸۳؛ خوبی، توضیح المسائل، ص ۴۶۴، م ۲۵۹۲؛ توضیح المسائل مراجع، ص ۵۶۸، م ۲۵۸۳؛ خامنه‌ای، آموزش مصور احکام طبق فتاوی آیت الله خامنه‌ای، ص ۹۰؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۲۱، م ۱۲۳۷؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۵۳۵، م ۲۶۴۷؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۴۱، م ۲۵۹۲؛ مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۲۳، م ۲۲۱۲؛ نوری همدانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۸۱، م ۲۵۷۸؛ سبحانی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۸۵، م ۲۲۴۳؛ مظاهری، رساله توضیح المسائل، ص ۳۳۴، م ۲۱۲۹.

۲- امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۶۰، باب القول فی الذباجه، م ۱۶؛ خوبی، توضیح المسائل، ص ۴۶۷، م ۲۶۰۴؛ منهاج الصالحین (خوبی)، ج ۲، ص ۳۳۹، م ۱۶۶۰؛ رساله توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۷۵۱، م ۲۵۹۵؛ خامنه‌ای، آموزش مصور احکام طبق فتاوی آیت الله خامنه‌ای، ص ۹۰؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۳۶، م ۱۲۷۵؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۴۴، م ۲۶۰۴؛ مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۲۶، م ۲۲۲۷؛ وحید خراسانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۳۹، م ۲۶۵۹؛ نوری همدانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۸۲، م ۲۵۹۰؛ سبحانی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۸۷، م ۲۲۵۰؛ مظاهری، رساله توضیح المسائل، ص ۳۴۰، م ۲۱۵۶.

- ۳ - تذکيه با صيد و شکار: اين نوع تذکيه مخصوص حيوانات وحشی است و به دو روش صورت می‌گیرد:
- اول: گرفتن و به دام انداختن حيوان به صورت زنده با هر وسیله ممکن. تذکيه ماهی پولک‌دار و میگو و ملخ تنها با اين شیوه صورت می‌پذیرد.
- دوم: کشتن حيوان وحشی با ابزار صيد و شکار. حيوانات وحشی تذکيه پذیر - غير ماهی، میگو و ملخ - با اين شیوه، با رعایت شرایط معین قابل تذکيه می‌باشند.^۲
- ابزار صيد کارآمد در تذکيه شرعی: الف) اسلحه؛ ب) سگ شکاری.^۳
- ۴ - تذکيه تبعی: اين نوع تذکيه مربوط به جنين حيوانات تذکيه‌پذير است.^۴
- احکام آن در درس هجدهم (تذکيه شتر و جنين) خواهد آمد.

۱- امام خمینی، توضیح المسائل، ص ۵۴۲، م ۲۴۵۶؛ خویی، توضیح المسائل، ص ۴۶۴، م ۲۵۹۳؛ رساله توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۷۳۹، م ۲۵۸۴؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۴۱، م ۱۲۹۳؛ مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۲۳، م ۲۲۱۳؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۴۲، م ۲۵۹۳؛ وحید خراسانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۳۵، م ۲۶۴۷؛ نوری همدانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۸۱، م ۲۵۷۹؛ سبحانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۸۷، م ۲۲۴۴.

۲- هاشمی شاهرودی، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ج ۱، ص ۱۳۶.

۳- همان.

۴- سایت leader.ir، دفتر مقام معظم رهبری، پرسش شماره ۶۱۳۵۰؛ امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۶۲، باب القول فی الذباحت، م ۲؛ خویی، توضیح المسائل، ص ۴۷۱، م ۲۶۱۷؛ رساله توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۷۶۱، م ۲۶۰۸؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۳۷، م ۱۲۷۹؛ منهاج الصالحین (سیستانی)، ج ۳، ص ۲۸۲-۲۸۳، م ۸۶۱؛ مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۲۴، م ۲۲۱۹؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۸۸-۳۸۷، م ۱۶۶۴؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۴۱، م ۲۶۱۷؛ سبحانی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۹۰، م ۲۲۶۰؛ نوری همدانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۸۱، م ۲۵۸۵.

حيوانات قابل تذکيه

تمام حيوانات حلال گوشت قابل تذکيه‌اند، ولی در مورد حيوانات حرام گوشت، اختلاف نظر وجود دارد که تفصيل آن در درس سوم خواهد آمد.

خلاصه

مفهوم تذکيه

- ۱- در لغت: ذبح و سلب حرارت طبيعي از بدن حيوان.
- ۲- در اصطلاح: پاک يا حلال شدن حيوان با کشتن آن به روش خاص و شرايط معين در شريعت.

آثار تذکيه

حيوان حلال گوشت

الف) دارای خون جهنده:

- ۱ - پاکي بدن
 - ۲ - حلال شدن
 - ۳ - صحت نماز با لباس تهيه شده از اجزای حيوان مذکي
- ب) فاقد خون جهنده:

- ۱ - حلال شدن
- ۲ - صحت نماز با لباس تهيه شده از اجزای حيوان مذکي

۱- امام خميني، تحرير الوسيله، ج ۲، ص ۱۶۳-۱۶۴، باب القول في الذباجه، م ۲۳ و ۲۴؛ خويي، منهاج الصالحين، ج ۲، ص ۳۴۱، م ۱۶۶۹؛ وحيد خراساني، رساله توضيح المسائل، ص ۵۳۶، م ۲۶۵۱؛ منهاج الصالحين (وحيد خراساني)، ج ۳، ص ۳۸۲، م ۱۶۶۹؛ سيستاني، توضيح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۲۲-۵۲۳، م ۱۲۳۹ و ۱۲۴۰؛ رساله توضيح المسائل (سيستاني)، ص ۵۶۳، م ۲۵۹۵؛ مکارم شيرازي، رساله توضيح المسائل، ص ۴۲۴، م ۲۲۱۶؛ نوري همداني، رساله توضيح المسائل، ص ۲۸۱، م ۲۵۸۲؛ شبيري زنجاني، رساله توضيح المسائل، ص ۵۴۲، م ۲۵۹۲؛ مظاهري، رساله توضيح المسائل، ص ۳۳۴، م ۲۱۲۹؛ سبحاني، رساله توضيح المسائل، ص ۴۸۵، م ۲۲۴۳.

حیوان حرام گوشت تذکیه پذیر

دارای خون جهنده: پاکی بدن.

فاقد خون جهنده: تذکیه اثری ندارد.

شیوه‌های تذکیه

۱ - تذکیه با ذبح: تمام حیوانات تذکیه‌پذیر به جز ماهی، میگو، شتر و

ملخ با این شیوه قابل تذکیه هستند.

۲ - تذکیه با نحر: اختصاص به شتر دارد.

۳ - تذکیه تبعی: مخصوص جنین (بچه داخل شکم حیوان) است.

۴ - تذکیه با صید و شکار: اختصاص به حیوانات وحشی تذکیه‌پذیر

دارد و به دو شیوه قابل انجام است:

الف) گرفتن حیوان به طور زنده با دست یا هر وسیله ممکن دیگر. تذکیه به این

شیوه به ماهیان پولک دار، میگو و ملخ اختصاص دارد.

ب) کشتن حیوان با ابزار مشروع برای شکار. این تذکیه به سایر حیوانات وحشی

اختصاص دارد.

پرسش‌ها

۱ - مفهوم تذکیه در لغت و اصطلاح فقهی چیست؟

۲- آثار شرعی مترتب بر تذکیه انواع حیوانات کدام است؟

۳ - شیوه‌های تذکیه حیوانات را توضیح دهید.

۴ - کدام گروه از حیوانات، قابل تذکیه می باشند؟ توضیح دهید.

درس دوم

راه‌های ثبوت تذکيه

اهداف درس

از خواننده گرامی انتظار می‌رود، پس از فراگیری این درس:

۱ - نشانه‌های اثبات تذکيه حیوانات را بداند.

۲ - از احکام شرعی فراورده‌های دام و طیور وارداتی از سرزمین‌های کفر آگاه

شود.

مقدمه

طلب رزق حلال، مورد تأکید دین اسلام است. حضرت امام صادق (ع) فرمود: «طلب روزی حلال را فرو مگذار، که روزی حلال تو را در دینداری کمک می‌کند». برای تهیه گوشت حلال به عنوان بخش مهمی از غذای انسان، دانستن احکام تذکيه مهم است و بخش قابل توجهی از این احکام به مبحث راه‌های اثبات تذکيه مربوط می‌شود.

نشانه‌های تذکيه حیوانات

در متون فقهی چند مورد، نشانه تذکيه حیوان دانسته شده است:

۱- «لَا تَدْعُ طَلَبَ الرِّزْقِ مِنْ حِلِّهِ، فَإِنَّهُ أُعُونُ لَكَ عَلَى دِينِكَ.» (الأمالی (للطوسی)، ص ۱۹۳)

نشانهٔ اول: گرفتن از دست مسلمان

اختلافی بین فقها در مورد اماره بودن ید مسلمان بر تذکيه نيست؛ حتی بر آن ادعای اجماع نیز شده است.^۱ برخی این را هم اضافه کرده‌اند که گرفتن گوشت و فراورده‌های حیوانی از دست مسلمان مشروط به این است که شخص مسلمان تصرفی مناسب با تذکيه در آن کرده باشد، مانند اینکه گوشت و فراورده را برای خوردن بفروشد یا آن را برای خوردن مقابل مهمان قرار دهد یا چرم طبیعی را برای لباس، فرش و زیرانداز عرضه نماید.^۲ (آیات عظام امام خمینی، خامنه‌ای، خوبی، وحید خراسانی، سیستانی)

فروع فقهی

چند فرع فقهی درباره نشانهٔ اول قابل طرح است:

۱ - حکم گرفتن از دست مسلمان غیر شیعه

اگر گوشت و فراوردهٔ حیوانی از دست مسلمان غیر شیعه گرفته شود که در بعضی شرایط تذکيه با شیعه هم عقیده نیست:

قول اول: در صورتی که گیرنده، یقین ندارد که مسلمان غیر شیعه، شرایط شرعی تذکيه در مذهب شیعه را رعایت کرده یا نه، بلکه احتمال بدهد حیوان بر وفق مذهب او تذکيه شده، حلال است.^۳ (آیات عظام امام خمینی و سیستانی)

آیت الله سیستانی این را هم اضافه کرده که رعایت نکردن شرایط تذکيه مطابق

۱- نجفی (صاحب جواهر)، جواهر الکلام، ج ۶، ص ۳۴۶.

۲- امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۶۴، باب القول فی الذباحت، م ۲۶؛ سیدعلی خامنه‌ای، سایت leader.ir، دفتر مقام معظم رهبری، پرسش شماره ۳۶۸۵؛ موضوع صید و ذباحت؛ خوبی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۴۲؛ م ۱۶۷۲؛ سیستانی، المسائل المنتخبه، ص ۱۲۵، م ۲۳۲ و منهاج الصالحین (سیستانی)، ج ۱، ص ۱۳۷، م ۳۹۷؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۸۹، م ۱۶۷۲.

۳- امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۶۴، باب القول فی الذباحت، م ۲۷؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۲۵، م ۱۲۴۵؛ منهاج الصالحین (سیستانی)، ج ۳، ص ۲۸۷، م ۸۷۴.

فصل اول: تذکيه (حقيقت تذکيه، اقسام و راه‌های اثبات آن) □ ۲۵

مذهب اماميه اگر از روی ندانستن مسئله يا عقیده اشتباه غيرمضرّ به تذکيه حيوان باشد با آن معامله مذکّی می شود.^۱

قول دوم: مسلمانی که یدش اماره بر تذکيه است فرقی ندارد شيعه يا سنی باشد.^۲ (آيات عظام خامنه ای، خویی، وحید خراسانی، مکارم شیرازی و نوری همدانی)

۲ - حکم گرفتن از دست کافر

گرفتن گوشت و فراورده حیوانی از دست کافر به دو صورت امکان پذیر است:

الف) گرفتن با واسطه از کافر

منظور از واسطه آنکه مسلمانی گوشت و فراورده حیوانی را از دست کافر گرفته و به مسلمان ديگر برساند. این مسئله چند صورت دارد:

صورت اول: شخص مسلمان موقع گرفتن گوشت از کافر، رسیدگی کرده که حيوان طبق دستور شرع، تذکيه شده است؛ در این صورت استفاده حلال است.^۳ (همه مراجع)

صورت دوم: می دانيم شخص مسلمان رسیدگی نکرده که حيوان طبق دستور

۱- سيستاني، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۲۵، م ۱۲۴۵ و منهاج الصالحين (سيستاني)، ج ۳، ص ۲۸۷، م ۸۷۴.

۲- سايت leader.ir، دفتر مقام معظم رهبری، پرسش شماره ۴۴۰۲۹؛ خویی، منهاج الصالحين، ج ۲، ص ۳۴۲، م ۱۶۷۴؛ استفتائات (خویی)، ص ۳۲۱، سؤال ۱۰۵۸؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحين، ج ۳، ص ۳۹۰، م ۱۶۷۴؛ مکارم شیرازی، استفتائات، ج ۲، ص ۴۱۰، سؤال ۱۱۹۲؛ نوری همدانی، هزار و یک مسئله (استفتاءات)، ج ۱، ص ۲۰۸، سؤال ۸۳۴.

۳- امام خمینی، توضیح المسائل، ص ۱۹، م ۹۵؛ خویی، منهاج الصالحين، ج ۲، ص ۳۴۲، م ۱۶۷۲؛ رساله توضیح المسائل (خویی)، ص ۱۸، م ۹۶؛ سيستاني، رساله توضیح المسائل، ص ۲۱، م ۹۲؛ المسائل المنتخبه (سيستاني)، ص ۱۲۵، م ۲۳۳؛ مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۶، م ۹۵؛ وحید خراسانی، ص ۳۱، م ۱۰۰؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۶، م ۹۵؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحين، ج ۳، ص ۳۹۰، م ۱۶۷۲؛ وحید خراسانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۲، م ۹۶؛ نوری همدانی، رساله توضیح المسائل، ص ۳۴، م ۹۵؛ مظاهری، رساله توضیح المسائل، ص ۲۷، م ۸۱.

شرع، تذکيه شده يا نه، در اين صورت فتواي فقها از سه لحاظ به شرح ذيل است:

۱- از لحاظ حلیت: خوردن آن گوشت حرام است.^۱ (همه مراجع)

۲- از لحاظ پاک بودن:

قول اول: حکم به عدم تذکيه و نجس بودن آن می شود.^۲ (آیات عظام امام

خمینی، خویی، وحید خراسانی، شبیری زنجانی و نوری همدانی)

قول دوم: حکم به پاکی آن می شود.^۳ (آیات عظام خامنه ای، سیستانی، مکارم

شیرازی، سبحانی و مظاهری)

۳- از لحاظ نماز خواندن:

قول اول: نماز در لباس چرمی گرفته شده از دست آن مسلمان جایز است.^۴

(آیت الله سیستانی)

۱- امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۲۱، باب القول فی النجاسات، م ۴؛ توضیح المسائل (امام خمینی)، ص ۱۹، م ۹۵؛ رساله توضیح المسائل مراجع، ج ۱، ص ۸۷، م ۹۵؛ خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۴۲، م ۱۶۷۲؛ سیستانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۱، م ۹۲ و المسائل المنتخبه (سیستانی)، ص ۱۲۵، م ۲۳۳؛ مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۳۱، م ۱۰۰؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۶، م ۹۵؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۹۰، م ۱۶۷۲؛ رساله توضیح المسائل (وحید خراسانی)، ص ۲۲، م ۹۶؛ نوری همدانی، رساله توضیح المسائل، ص ۳۴، م ۹۵؛ مظاهری، رساله توضیح المسائل، ص ۲۷، م ۸۱.

۲- امام خمینی، توضیح المسائل، ص ۳۱، م ۹۲؛ رساله توضیح المسائل مراجع، ج ۱، ص ۸۷، م ۹۵؛ خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۴۲، م ۱۶۷۲؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۶، م ۹۵؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۹۰، م ۱۶۷۲؛ رساله توضیح المسائل (وحید خراسانی)، ص ۲۲، م ۹۶؛ نوری همدانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۴، م ۹۵.

۳- خامنه ای، اجوبه الاستفتائات، ص ۵۳، سؤال ۲۷۶؛ خویی، رساله توضیح المسائل، ص ۱۸، م ۹۶؛ سیستانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۱، م ۹۲ و المسائل المنتخبه (سیستانی)، ص ۱۲۵، م ۲۳۳؛ مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۳۱، م ۱۰۰؛ سبحانی، رساله توضیح المسائل، ص ۱۲۶، م ۸۰؛ مظاهری، رساله توضیح المسائل، ص ۲۷، م ۸۱.

۴- سیستانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۱، م ۹۲ و المسائل المنتخبه (سیستانی)، ص ۱۲۵، م ۲۳۳.

قول دوّم: نمی‌توان با آن نماز خواند.^۱ (آیات عظام امام خمینی، خامنه‌ای، خوبی، وحید خراسانی، شبیری زنجانی، نوری همدانی، مکارم شیرازی، سبحانی و مظاهری)

ب) گرفتن مستقیم از دست کافر

۱- از لحاظ حلال بودن:

قول اوّل: تا وقتی تذکيه شرعی آن ثابت نشود، خوردنش جایز نیست.^۲ (آیات عظام امام خمینی، خامنه‌ای، خوبی، وحید خراسانی، سیستانی و سبحانی)
قول دوّم: اگر از بازار مسلمانان تهیه شده باشد حلال است، گرچه از دست کافر گرفته شده باشد.^۳ (آیت الله شبیری زنجانی)

۲- از لحاظ پاک بودن: آنچه از اجزای حلال حیوان حلال گوشت از دست کافر گرفته می‌شود در صورتی که احتمال تذکيه حیوان داده شود، پاک است.^۴ (آیات

۱- این قول مبتنی بر دو میناست: الف) کسانی که حکم به نجس بودن لباس چرم گرفته شده از دست کافر می‌کنند، به تبع نماز خواندن در آن چرم به دلیل نجس بودنش باطل است. (امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۱۲۱، باب القول فی النجاسات، م ۴؛ امام خمینی، توضیح المسائل، ص ۳۱، م ۹۲؛ رساله توضیح المسائل مراجع، ج ۱، ص ۷۱، م ۹۵؛ خوبی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۴۲، م ۱۶۷۲؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۶، م ۹۵؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۹۰، م ۱۶۷۲؛ رساله توضیح المسائل (وحید خراسانی)، ص ۲۲، م ۹۶؛ نوری همدانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۴، م ۹۵. ب) در مقابل، برخی حکم به پاکی نموده‌اند، ولی نماز خواندن با آن لباس چرم را باطل می‌دانند. (خامنه‌ای، اجوبه الاستفتائات (فارسی)، ص ۸۷، سؤال ۴۲۹؛ مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۳۱، م ۱۰۰؛ سبحانی، رساله توضیح المسائل، ص ۱۲۶، م ۸۰؛ مظاهری، رساله توضیح المسائل، ص ۲۷، م ۸۱)

۲- امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۱۶۴، باب القول فی الذباحت، م ۲۶؛ خامنه‌ای، اجوبه الاستفتائات، ص ۶۰، سؤال ۲۷۵؛ سایت leader.ir، دفتر مقام معظم رهبری، پرسش شماره ۶۶۲۳۱، موضوع صید و ذباحت؛ خوبی، منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۱۰۸، م ۳۹۸؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۱۱۸، م ۳۹۸؛ سبحانی، رساله توضیح المسائل، ص ۱۲۶، م ۸۰؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۱۳۷، م ۳۹۸.

۳- شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۶، م ۹۵.

۴- امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۱۲۱، باب القول فی النجاسات، م ۵؛ خامنه‌ای، اجوبه

عظام امام خمینی، خامنه‌ای، خویی، وحید خراسانی، سیستانی، مکارم شیرازی، سبحانی)

۳- از لحاظ نماز خواندن:

قول اول: تا وقتی که تذکیر حیوان احراز نشود نماز خواندن با آن لباس چرمی صحیح نمی باشد.^۱ (آیات عظام امام خمینی، خویی، وحید خراسانی، مکارم شیرازی و سبحانی)

قول دوم: نماز خواندن با چرم آن حیوان بعید نیست که صحیح باشد.^۲ (آیت الله سیستانی)

نشانه دوم: بازار مسلمین

آنچه از گوشت و فراورده‌های حیوانی در بازار مسلمین فروخته می‌شود، پاک و حلال است و تحقیق و تفحص در مورد آن لازم نیست^۳؛ مگر اینکه معلوم باشد شخص

الاستفتائات، ص ۶۰، س ۲۷۵؛ خویی، منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۱۰۸، ۳۹۸؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۱۱۸، ۳۹۸؛ سیدعلی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۱۳۷، ۳۹۸؛ مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۳۱، م ۱۰۰؛ سبحانی، رساله توضیح المسائل، ص ۱۲۶، م ۸۰.

۱- امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۲۱، باب القول فی النجاسات، م ۵؛ خویی، منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۱۰۸، ۳۹۸؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۱۱۸، ۳۹۸؛ مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۳۱، م ۱۰۰؛ سبحانی، رساله توضیح المسائل، ص ۱۲۶، م ۸۰.

۲- سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۱۳۷، ۳۹۸.

۳- امام خمینی، توضیح المسائل، ص ۱۹، م ۹۵؛ سایت leader.ir، دفتر مقام معظم رهبری، پرسش شماره ۶۶۲۳۱؛ خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۴۲، م ۱۶۷۲؛ رساله توضیح المسائل (خویی)، ص ۱۸، م ۹۶؛ سیستانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۱، م ۹۲؛ المسائل المنتخبه (سیستانی)، ص ۱۲۵، م ۲۳۳؛ مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۳۱، م ۱۰۰؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۶، م ۹۵؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۹۰، م ۱۶۷۲؛ رساله توضیح المسائل (وحید خراسانی)، ص ۲۲، م ۹۶؛ نوری همدانی، رساله توضیح المسائل، ص ۳۴، م ۹۵؛ مظاهری، رساله توضیح المسائل، ص ۲۷، م ۸۱.

فصل اول: تذکيه (حقيقت تذکيه، اقسام و راه‌های اثبات آن) □ ۲۹

فروشنده مسلمان نيست، در اين صورت طبق احکام گرفتن از دست کافر عمل می‌شود که بيان شد.

معیار در صدق بازار مسلمانان

معیار در اینکه بلد یا زمین (بازار) منسوب به مسلمین باشد، این است که ساکنین و آن‌ها غالباً مسلمان بوده و لو اینکه تحت سلطه کفار باشند^۱؛ کما اینکه همین معیار در بلد کفار است، و اگر نسبت به اسلام و کفر غلبه‌ای در میان نباشد، یا جمعیت مسلمان و کافر مساوی باشد، حکم بلد کفار را دارد.^۲

نشانه سؤم: سرزمین اسلامی

فراورده‌های حیوانی تولید شده در سرزمین‌های اسلامی، چنانچه احتمال داده شود که متصدی تولید آنها بعد از احراز تذکيه حیوانات، اقدام به تولید محصولات نموده، محکوم به پاکی و حلیت است.^۳

حکم گوشت‌های وارداتی از بلاد غیر اسلامی

فتوای فقها از دو لحاظ به شرح ذیل است:

الف) از لحاظ حلال بودن:

قول اول: تا تذکيه شرعی ثابت نشود، حرام است.^۴ (آیات عظام خامنه‌ای،

۱- سيستاني، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۲۷، م ۱۲۴۷ و منهاج الصالحين (سيستاني)، ج ۳، ص ۲۸۷، م ۸۷۵.

۲- سيستاني، منهاج الصالحين، ج ۳، ص ۲۸۷، م ۸۷۵.

۳- خویی، منهاج الصالحين، ج ۲، ص ۲۴۲، م ۱۶۷۵؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحين، ج ۲، ص ۱۱۸، م ۳۹۷؛ سيستاني، منهاج الصالحين، ج ۱، ص ۱۳۷، م ۳۹۷ و ج ۳، ص ۲۸۷، م ۸۷۱.

۴- خامنه‌ای، أجوبة الاستفتاءات، ص ۶۰، س ۲۷۵؛ سيستاني، منهاج الصالحين، ج ۳، ص ۲۸۸، م ۸۷۶؛ نوری همدانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۸۳، م ۲۵۹۵.

سیستانی، نوری همدانی)

قول دوم: چنانچه از بازار مسلمین و از دست مسلمانان خریداری شود و احتمال بدهید که خریدار تحقیق کرده، حلال است.^۱ (آیت الله مکارم شیرازی)

(ب) از لحاظ پاکی:

قول اول: اگر احتمال داده شود که وارد کننده مسلمان احراز تذکیه حیوان را کرده پاک است.^۲ (امام خمینی)

قول دوم: چنانچه احتمال برود که در پاکی و نجسی آن تحقیق شده، پاک و گرنه نجس است.^۳ (آیت الله شبیری زنجانی)

قول سوم: اگر یقین به عدم تذکیه نباشد، پاک است.^۴ (آیات عظام خامنه‌ای و سیستانی)

قول چهارم: اگر ذبح آنها ثابت شود، پاک است.^۵ (آیت الله نوری همدانی)

قول پنجم: چنانچه از بازار مسلمین و از دست مسلمانان خریداری شود و احتمال بدهید که خریدار تحقیق کرده، پاک است.^۶ (آیت الله مکارم شیرازی)

فرع فقهی: موارد قرعه

اگر بین هزار مرغ، یقین به عدم ذبح شرعی چند تا از آنها داشته باشیم یا در میان چند گوسفند سربریده، یقین داریم یکی ذبح شرعی نشده است، آیا مورد غیرمذکی با قرعه قابل جدا کردن می‌باشد یا خیر؟ در مورد این مسئله تفاوت نظر وجود دارد؛ **قول اول:** با قرعه نمی‌شود مورد غیر مذکی را تعیین کرد. (آیات عظام خامنه‌ای،

۱- مکارم شیرازی، استفتاءات، ج ۱، ص ۳۲، س ۵۳.

۲- امام خمینی، استفتائات، ج ۱، ص ۹۸، س ۲۵۳.

۳- شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۵، م ۹۵.

۴- خامنه‌ای، أجوبة الاستفتاءات، ص ۶۰، س ۲۷۵؛ و توضیح المسائل مراجع، ج ۱، ص ۱۴۱؛

سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۸۸، م ۸۷۶.

۵- نوری همدانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۸۳، م ۲۵۹۵.

۶- مکارم شیرازی، استفتاءات، ج ۱، ص ۳۲، س ۵۳.

سيستاني، سبحاني) ^۱

آيت الله سيستاني اين را هم اضافه کرده: چنانچه اطراف شبيهه زياد بوده که احتمال ميته بودن هر کدام خيلي ضعيف باشد و عرفاً اطمينان به خلاف آن حاصل شود، اجتناب از همه آنها لازم نيست.

قول دوّم: اگر درصد مرغ های ذبح نشده کم باشد، اجتناب لازم نيست و احتياط مستحب قرعه است. ^۲ (آيت الله شبيري زنجاني)

قول سوّم: مي توان قرعه زد و آن يکي که قرعه به نامش مي افتد را به غير مسلمان بفروشد و بقيه را مصرف کند. ^۳ (آيت الله مکارم شيرازي)

مسائل اختصاصی

مسئله اول: اگر مسلماني گوشت يا پيه يا پوستي را از کافر يا از بازار کفار تهيه نمايد و نداند که از حيوان خون جهنده دار است يا از غير آن، مثل ماهي و مانند آن، اگر چه ذبح شرعي شدن آن را احراز نکند، محکوم به طهارت است، ولي نماز در آن جايز نيست. ^۴ (امام خميني)

مسئله دوم: اگر چيزي از کفار يا از بازار آنها تهيه شود و معلوم نباشد که از اجزاء حيوان است يا از غير حيوان، مادامي که برخورد آن با نجاست سرايت کننده، معلوم نباشد، محکوم به طهارت است، حتى نماز هم در آن صحيح است. از اين قبيل است پلاستیک و شمعي که اين زمان ها از بلاد کفار آورده مي شود براي کسي که از حقيقت آنها اطلاع ندارد (پاک مي باشند). ^۵ (امام خميني)

۱- سبحاني، استفتاءات، ج ۱، ص ۳۷۳، سؤال ۱۱۶۱؛ مرکز پاسخگويي ملى حوزه علميه قم، استفتائات (از دفتر مرجع عاقد حضرت آيت الله العظمى سبحاني)، شماره ۸۲۶۷.

۲- مرکز پاسخگويي ملى حوزه علميه قم، استفتائات (از دفتر مرجع عاقد حضرت آيت الله العظمى شبيري زنجاني)، شماره ۹۷۴۱/۳

۳- مرکز پاسخگويي ملى حوزه علميه قم، استفتائات (از دفتر مرجع عاقد حضرت آيت الله العظمى مکارم شيرازي)، شماره ۱۹۳۵۲۳

۴ امام خميني، تحرير الوسيله، ج ۱، ص ۲۰۷، باب القول في انجاسات، م ۵

۵- همان، م ۶

مسئله سوم: اگر چند گوسفند را ذبح کنند و گوشت‌ها را مخلوط نموده و سپس متوجه شوند که یکی از گوسفندان ذبح شرعی نشده است، در این صورت:

قول اول: اگر غیر مذکّی مشخص است، آن را جدا کرده بقیه را با آب تطهیر کنند، و اگر مشخص نیست از همگی اجتناب کنند یا به مصرفی برسانند که در آن، پاک بودن شرط نیست.^۱ (آیت الله سبحانی)

قول دوم: می‌توان قرعه زد و آن یکی که قرعه به نامش می‌افتد را به غیر مسلمان بفروشد و بقیه را مصرف کند.^۲ (آیت الله مکارم شیرازی)

خلاصه

راه های اثبات تذکّیه شرعی

- ۱- گرفتن از دست مسلمان: به شرط آنکه شخص مسلمان از کافر نگرفته باشد، و اگر گوشت و فراورده حیوانی را از کافر گرفته درباره تذکّیه شرعی حیوان و احراز آن تحقیق کرده باشد.
- ۲- بازار مسلمین: گوشت و فراورده های حیوانی که از بازار مسلمین تهیه می‌شود پاک و حلال است و تحقیق لازم ندارد.
- ۳- سرزمین اسلامی: گوشت و فراورده‌های حیوانی وارداتی از سرزمین‌های اسلامی پاک و حلال است؛ ولی فراورده‌های حیوانی وارد شده از بلاد کفر تا تذکّیه حیوان ثابت نشود، حلال نیست.

گوشت و فراورده‌های حیوانی وارداتی از بلاد کفر

- ۱- از لحاظ حلال بودن: تا تذکّیه آنها ثابت نشود، حرام است. (خامنه‌ای، سیستانی، نوری همدانی)؛ مگر آنکه از بازار مسلمین و از دست مسلمانان خریداری

۱- سبحانی، استفتاءات، ج ۱، ص ۳۷۳، سؤال ۱۱۶۱

۲- پایگاه اطلاع رسانی دفتر مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی
(<https://www.makarem.ir/index.aspx?lid=0>)

فصل اول: تذکيه (حقيقت تذکيه، اقسام و راه‌های اثبات آن) □ ۳۳

شود و احتمال بدهيد که خريدار تحقيق کرده است. (مکارم شیرازی)

۲ - از لحاظ پاکی: الف) اگر احتمال داده شود که وارد کننده مسلمان احراز تذکيه حیوان را کرده. (امام خميني) یا تحقيق کرده، پاک است. (شبيري زنجانی)

ب) اگر يقين به عدم تذکيه نباشد، پاک است. (خامنه‌ای و سيستانی)

ج) اگر ذبح آنها ثابت شود، پاک است. (نوری همدانی)

د) اگر از بازار مسلمين و از دست مسلمانان خريداري شود و احتمال بدهيد که خريدار تحقيق کرده، پاک است. (مکارم شیرازی)

پرسش‌ها

- ۱ - راه‌های ثابت شدن تذکيه حیوانات چیست؟
- ۲ - فتاوی فقها در زمينه گرفتن فراورده‌های حیوانی از دست مسلمان یا کافر چیست؟
- ۳ - واردات فراورده‌های حیوانی از بلاد مسلمانان چه حکمی دارد؟
- ۴ - حکم شرعی واردات فراورده‌های حیوانی از بلاد کفار چیست؟
- ۵ - حکم مخلوط شدن حیوان غيرمذکی با چند حیوان مذکی چیست؟

درس سوم

حیوانات غیر قابل تذکیه

اهداف درس

- از خواننده گرامی انتظار می‌رود، پس از فراگیری این درس:
- ۱ - با حیواناتی که ذاتاً قابل تذکیه نیستند، آشنا گردد.
 - ۲ - حکم تذکیه حیوان موطوئه را بداند.
 - ۳ - از حکم تذکیه حیوان نجاست‌خوار آگاه شود.

مقدمه

روشن شد که هدف از تذکیه شرعی، پیدایش دو اثر حلیت و پاکی در حیوان حلال گوشت و پاکی بدن حیوان حرام گوشت، بعد از ذبح یا صید و شکار آنهاست؛ ولی برخی حیوانات از این قاعده مستثنا شده اند و این آثار با ذبح یا صید و شکار آنها به وجود نمی‌آید که مسائل این دسته از حیوانات به شرح ذیل می‌باشد.

حیوانات غیر قابل تذکیه

۱ - نجس‌العین

حیوانات نجس‌العین مانند سگ و خوک خشکی، با سربردن و شکار کردن پاک نمی‌شوند.^۱ (همه مراجع)

۱- امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۶۳، کتاب صید و ذباحت، باب القول فی الذباحت، م ۲۳؛

۲ - حيوانات ساکن در زیر زمین

در مورد حيوانات کوچکی که داخل زمین زندگی می‌کنند و خون جهنده دارند، مانند موش، سوسمار و راسو اختلاف است:

قول اول: قابل تذکيه نیستند.^۱ (آیات عظام امام خمینی و سيستاني)

البته امام خمینی در مورد راسو و سوسمار می‌نویسد: پاک شدن آنها با تذکيه خالی از وجه نیست.^۲

قول دوم: پاک شدن بدن شان محل اشکال است.^۳ (آیات عظام وحید خراسانی،

شبیری زنجانی و نوری همدانی)

قول سوم: اگر جلد (پوست) قابل انتفاع داشته باشند، بعد از تذکيه، گوشت و

پوست آنها پاک است.^۴ (آیت الله خویی)

البته آیت الله خویی در توضیح المسائل این چنین می‌فرماید: «حيواناتی که

مانند سوسمار در داخل زمین زندگی می‌کنند، اگر خون جهنده داشته باشند و به خودی خود بمیرند، نجسند، ولی اگر سر آنها را ببرند یا با اسلحه شکار نمایند،

توضیح المسائل (امام خمینی)، ص ۴۶۴، ۲۵۸۸؛ رساله توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۷۴۱، ۲۵۸۸؛ خویی، توضیح المسائل، ص ۴۶۵، ۲۵۹۷؛ منهاج الصالحین (خویی)، ج ۲، ص ۳۴۱، ۱۶۶۹؛ سيستاني، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۲۲-۵۲۳، م ۱۲۳۹؛ مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۲۴، ۲۲۱۷؛ نوری همدانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۸۱، ۲۵۸۳؛ وحید خراسانی، رساله توضیح المسائل، ج ۲، ص ۵۳۶، ۲۶۵۲؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۴۲، ۲۵۹۷؛ سبحانی، رساله توضیح المسائل، ص ۳۳۵، ۲۱۳۶.

۱- امام خمینی، توضیح المسائل، ص ۵۴۳، ۲۴۶۰؛ تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۵۳، ۲۳؛ سيستاني، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۲۲-۵۲۳، م ۱۲۳۹.

۲- امام خمینی، توضیح المسائل، ص ۵۴۳، ۲۴۶۰؛ تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۵۳، ۲۳.

۳- وحید خراسانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۳۶، ۲۶۵۳؛ منهاج الصالحین (وحید خراسانی)، ج ۳، ص ۳۸۳، ۱۶۶۹؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۴۲، ۲۵۹۸؛ نوری همدانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۸۱، ۲۵۸۴.

۴- خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۴۱، ۱۶۶۹.

پاک‌اند.»^۱

قول چهارم: اگر سر آنها را ببرند یا شکار کنند، پاک هستند.^۲ (آیت الله مکارم شیرازی)

۳ - حشرات^۳

در مورد حشرات اختلاف است:

قول اول: حشرات (غیر ملخ) قابل تذکیه نیستند.^۴ (آیت الله سیستانی)

قول دوم: وقوع تذکیه بر حشرات (غیر ملخ) محل اشکال است.^۵ (آیت الله وحید خراسانی)

قول سوم: حشراتی که پوست قابل انتفاع دارند برای لباس یا فرش و مانند اینها، تذکیه پذیرند.^۶ (آیت الله خویی)

۴ - حیوانات مسخ شده

در مورد حیوانات مسخ شده مانند فیل و میمون و خرس، اختلاف است:

۱- خویی، توضیح المسائل، ص ۴۶۵، م ۲۵۹۸.
۲- مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۲۴، م ۲۲۱۸.
۳- عنوان حشرات بر جانوران ریزی همچون پشه و مگس و نیز آنان که درون زمین لانه دارند، مانند مار، عقرب و موش اطلاق می‌شود. خوردن حشرات غیر از ملخ قادر بر پرواز— حرام است. در اینکه حشرات دارای خون جهنده و پوست قابل استفاده، تذکیه پذیرند یا نه، اختلاف است. مشهور قول دوم است. بنابر قول اول، پوست آنها با تذکیه، پاک می‌شود. (هاشمی شاهرودی، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ج ۳، ص ۳۰۵)
۴- سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۲۲-۵۲۳، م ۱۲۳۹؛ منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۸۵، م ۸۶۹.
۵- وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۸۳، م ۱۶۶۹.
۶- خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۴۱، م ۱۶۶۹.

فصل اول: تذکيه (حقيقت تذکيه، اقسام و راه‌های اثبات آن) □ ۳۷

قول اول: قابل تذکيه نيستند.^۱ (آيات عظام امام خميني و سيستاني)
قول دوم: اگر سر آنها را ببرند يا آنها را شکار نمايند پاک شدن بدن شان اشکال دارد و احتياط واجب، اجتناب از آنهاست.^۲ (آيات عظام شبيري زنجاني و نوري همداني)
قول سوم: اگر سر آنها را ببرند يا آنها را شکار کنند، پاک است.^۳ (آيات عظام خويي، وحيد خراساني و مکارم شيرازي)

۵ - حيوان حرام گوشت فاقد خون جهنده

اين دسته حيوانات در هر صورت مردارشان پاک و خوردن گوشت آنها حرام است،^۴ همچنين نماز خواندن با لباس تهيه شده از اجزای بدن آنها باطل است،^۵ از اين رو

-
- ۱- امام خميني، تحرير الوسيله، ج ۲، ص ۱۶۳، كتاب صيد و ذباحه، باب القول في الذباحه، م ۲۳؛ سيستاني، توضيح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۲۳، م ۱۲۴۰.
 - ۲- شبيري زنجاني، رساله توضيح المسائل، ص ۵۴۲، م ۲۹۹۸؛ نوري همداني، رساله توضيح المسائل، ص ۲۸۱، م ۲۵۸۴.
 - ۳- خويي، توضيح المسائل، ص ۴۶۵، م ۲۵۹۸؛ وحيد خراساني، رساله توضيح المسائل، ص ۵۳۶، م ۲۶۵۳؛ مکارم شيرازي، رساله توضيح المسائل، ص ۴۲۴، م ۲۲۱۸.
 - ۴- امام خميني، تحرير الوسيله، ج ۲، ص ۱۶۳، كتاب صيد و ذباحه، باب القول في الذباحه، م ۲۳؛ رساله توضيح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۷۴۰، م ۲۵۸۷؛ خويي، توضيح المسائل، ص ۴۶۵، م ۲۵۹۶؛ سيستاني، توضيح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۲۲-۵۲۳، م ۱۲۳۹؛ منهاج الصالحين (سيستاني)، ج ۳، ص ۲۸۵، م ۸۶۸؛ شبيري زنجاني، رساله توضيح المسائل، ص ۵۴۱، م ۲۵۹۵؛ مکارم شيرازي، رساله توضيح المسائل، ص ۴۲۴، م ۲۲۱۶؛ وحيد خراساني، رساله توضيح المسائل، ص ۵۳۶، م ۲۶۵۱؛ نوري همداني، رساله توضيح المسائل، ص ۲۸۱، م ۲۵۸۲.
 - ۵- امام خميني، توضيح المسائل، ص ۱۵۰، م ۸۲۴؛ خامنه اي، كتاب آموزش مصور، ج ۱، ص ۲۱۷؛ خويي، رساله توضيح المسائل، ص ۱۴۶، م ۸۳۲؛ وحيد خراساني، توضيح المسائل، ص ۱۶۹، م ۸۳۰؛ سيستاني، رساله توضيح المسائل، ص ۱۵۸، م ۸۱۱؛ مکارم شيرازي، رساله توضيح المسائل، ص ۱۴۶، م ۷۵۳؛ شبيري زنجاني، رساله توضيح المسائل، ص ۱۷۶، م ۸۳۲؛ سبحاني، رساله توضيح المسائل، ص ۲۲۷، م ۶۹۱؛ مظاهري، رساله توضيح المسائل، ص ۱۱۴، م ۶۶۶؛ نوري همداني، رساله توضيح المسائل، ص ۱۰۶، م ۸۲۵؛ جوادى آملی، رساله توضيح المسائل، ص ۶۶، م ۱۴۸.

تذکيه در مورد آنها اثری ندارد.

موانع عارضی تذکيه

۱ - حیوان موطوئه

اقوال در این مسئله به شرح ذیل است:

قول اول: حیوان حلال گوشت و چهارپایی که انسان با آن نزدیکی کرده، حرام می شود و با تذکيه و ذبح شرعی، حلال نمی گردد.^۱ (آیات عظام امام خمینی، خوبی، وحید خراسانی، سیستانی، مکارم شیراز، سبحانی، نوری همدانی و مظاهری)

قول دوم: خوردن گوشت اسب و قاطر و الاغ مکروه است و اگر کسی با آنها نزدیکی نماید، حرام نمی شوند، ولی باید آنها را از شهر بیرون ببرند و در جای دیگری که وضعیت این حیوان را نمی دانند، بفروشند. اما اگر با حیوان حلال گوشتی که خوردن گوشت و آشامیدن شیر آنها مرسوم است مانند گاو و گوسفند و شتر نزدیکی کنند، حرام می شوند.^۲ (آیت الله شبیری زنجانی)

فروع فقهی

فرع اول: حکم آشامیدن شیر حیوان موطوئه

در این مسئله اختلاف است:

۱- امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۶۰، کتاب صید و ذباحت، باب القول فی الذباحت، م ۲۲؛ خوبی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۸۹، م ۱۶۸۶، وحید خراسانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۳۵، م ۲۶۴۷؛ منهاج الصالحین (وحید خراسانی) ج ۳، ص ۳۸۸، م ۱۶۸۶؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۷۵، م ۱۳۷۹؛ مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۳۴، م ۲۲۶۳؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۷۴، م ۲۶۴۰؛ استفتانات (شبیری زنجانی)، ج ۱، ص ۶۱، سؤال ۱۸۴؛ نوری همدانی رساله توضیح مسائل، ص ۲۸۸، م ۲۶۳۰؛ سبحانی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۹۴، م ۲۲۷۶؛ مظاهری، رساله توضیح المسائل، ص ۳۳۶، م ۲۱۴۵.

۲- شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۵۲، م ۲۶۴۰.

فصل اول: تذکيه (حقيقت تذکيه، اقسام و راه‌های اثبات آن) □ ۳۹

قول اول: آشامیدن شیر آن حرام است.^۱ (آیات عظام امام خمینی، خوبی، وحید خراسانی، مکارم شیرازی، شبیری زنجانی، نوری همدانی، سبحانی و مظاهری)

قول دوم: بنابر احتیاط واجب، باید از آشامیدن شیر حیوان موطوئه اجتناب شود.^۲ (آیت الله سیستانی)

فرع دوم: حکم بچه حیوان موطوئه

در این مسئله اختلاف است:

قول اول: گوشت بچه آن حرام است.^۳ (آیات عظام خوبی، وحید خراسانی، مکارم شیرازی، شبیری زنجانی، سبحانی، نوری همدانی)

قول دوم: بنابر احتیاط واجب، باید از نسل پدید آمده از آن اجتناب شود.^۴ (آیت الله سیستانی)

قول سوم: بنا بر اقوی گوشت نسل حیوان ماده و بنا بر احتیاط در نسل حیوان نر، حرام می‌باشد.^۵ (امام خمینی)

۱- امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۷۱، کتاب الاطعمه و الاشربه، باب القول فی الحيوان، م ۲۲؛ خوبی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۸۹، م ۱۶۸۶؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۸۸، م ۱۶۸۶؛ رساله توضیح المسائل (وحید خراسانی)، ص ۵۴۸، م ۲۶۹۵؛ مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۳۴، م ۲۲۶۳؛ استفتائات (شبیری زنجانی)، ج ۱، ص ۶۱، پرسش ۱۸۶؛ نوری همدانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۸۸، م ۲۶۳۰؛ سبحانی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۹۴، م ۲۲۷۶؛ مظاهری، رساله توضیح المسائل، ص ۳۳۶، م ۲۱۴۵.

۲- سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۷۵، م ۱۳۷۹.

۳- خوبی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۸۹، م ۱۶۸۶؛ رساله توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۷۳۸، م ۲۵۸۳؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۸۸، م ۱۶۸۶؛ رساله توضیح المسائل (وحید خراسانی)، ص ۵۴۸، م ۲۶۹۵؛ مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۲۳، م ۲۲۱۲؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۵۲، م ۲۶۴۰؛ استفتاءات (شبیری زنجانی)، ج ۱، ص ۶۱، پرس ۱۸۵؛ سبحانی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۸۵، م ۲۲۴۳؛ نوری همدانی رساله توضیح المسائل، ص ۲۸۸، م ۲۶۳۰.

۴- سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۷۵، م ۱۳۷۹.

۵- امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۷۱، کتاب الاطعمه و الاشربه، باب القول فی الحيوان، م ۲۲.

فرع سوّم: حکم موارد مشتبه

اگر انسان با حیوانی مثل گوسفند که معمولاً برای گوشتش مورد استفاده قرار می‌گیرد، نزدیکی کند و آن حیوان در بین حیوانات دیگر مشتبه شود، طوری که معلوم نباشد با کدام یک از آنها نزدیکی شده؛ در این مورد باید به قید قرعه، یکی از آنها خارج شود.^۱ (آیات عظام امام خمینی، خویی، وحید خراسانی، سیستانی، مکارم شیراز و شبیری زنجانی)

روش قرعه زدن

روش اول: همه گوسفندان شماره گذاری شوند و یک شماره به قید قرعه انتخاب شود.^۲

روش دوم: در روایت وارد شده است که گوسفندان را به دو قسمت تقسیم و یک قسمت را با قرعه جدا کند و باز آن را به دو قسمت تقسیم و به همین ترتیب عمل کند تا یک گوسفند باقی بماند.^۳

۲- عادت کردن به خوردن عذره انسان

حیوان حلال گوشتی که به خوردن نجاست انسان (مدفوع) عادت کرده، حرام می‌شود و اگر به دستوری که در شرع معین شده آن را استبرا نکرده باشند با تذکيه و ذبح

۱- امام خمینی، نجاه العباد، ص ۳۳۷؛ خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۴۵، م ۱۶۸۶، استفتائات (خویی)، ص ۳۲۸، سؤال ۱۰۷۳؛ رساله توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۷۳۸، م ۲۵۸۳؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۸۹، م ۱۶۸۶؛ مکارم شیرازی، استفتائات، ج ۱، ص ۲۸۸، سؤال ۱۰۰۲؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۷۷، م ۱۳۸۳؛ منهاج الصالحین (سیستانی)، ج ۳، ص ۲۹۷، م ۸۹۷؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۵۲، م ۲۶۴۰.

۲- خویی، استفتائات، ص ۳۲۸، سؤال ۱۰۷۳؛ مکارم شیرازی، استفتائات، ج ۱، ص ۲۸۸، سؤال ۱۰۰۲.

۳- همان.

شرعی حلال نمی‌شود.^۱ (همه مراجع)

۳- خوردن شیر خوک

اگر بره یا بزغاله یا گوساله به قدری از شیر خوک بمکد تا قوی شود و گوشتش برود و استخوانش محکم گردد، گوشت او و گوشت نسل او و شیر هر دو حرام می‌شود و اگر به دستوری که در شرع معین شده، استبرا نشده باشد با تذکيه و ذبح شرعی حلال نمی‌شود.^۲ (آیات عظام امام خمینی، خویی، وحید خراسانی، سیستانی و شبیری زنجانی)

بیان دو مسئله

اول: خوردن گوشت حیوان شرابخور

خوردنش جایز است^۳ ولی اجتناب از آن بهتر است^۴ و اگر شراب بنوشد تا مست شود باید قسمت هایی از گوشت حیوان که با شراب برخورد کرده، شسته شود و بنابر

۱- امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۷۰، کتاب الاطعمه و الاشربه، باب القول فی الحيوان، ۱۵م؛ نجاه العباد (امام خمینی)، ص ۳۳۷؛ خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۴۵، م ۱۶۸۳؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۷۳۸، م ۲۵۸۳؛ مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۲۳، م ۲۲۱۲؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۲۲، م ۱۲۳۷؛ وحید خراسانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۳۵، م ۲۶۴۷؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۵۲، م ۲۶۴۰؛ سبحانی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۸۵، م ۲۲۴۳؛ نوری همدانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۸۱، م ۲۵۷۸؛ مظاهری، رساله توضیح المسائل، ص ۳۳۶، م ۲۱۴۶.

۲- امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۷۲، کتاب الاطعمه و الاشربه، باب القول فی الحيوان، ۲۴م؛ خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۴۵، م ۱۶۸۴؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۸۸، م ۱۶۸۴؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۹۷، م ۸۹۷؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۵۳، م ۲۶۴۱.

۳- خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۴۵، م ۱۶۸۷؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ص ۳۹۴، م ۱۶۸۷؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۹۷، م ۸۹۸؛ مکارم شیرازی، استفتائات جدید، ج ۲، ص ۴۲۰، سؤال ۱۲۴۰.

۴- مکارم شیرازی، استفتائات جدید، ج ۲، ص ۴۲۰، سؤال ۱۲۴۰.

احتیاط از خوردن آنچه در شکمش است اعم از روده، قلب، جگر، و غیره خوداری شود.^۱ (آیات عظام خوبی، وحید خراسانی و سیستانی)

دوم: خوردن گوشت حیوان تغذیه شده از شیر سگ
اگر حیوان حلال گوشتی مانند گوسفند از سگ شیر بخورد، حرام نمی شود، ولی بهتر است از آن اجتناب شود.^۲

خلاصه

حیوانات غیر قابل تذکيه

۱ - تذکيه مطلقاً اثر ندارد

حیوانات نجس العین.

حیوانات حرام گوشتی که خون جهنده ندارند.

۲ - حیوانات کوچک ساکن داخل زمین و دارای خون جهنده

۱ - قابل تذکيه نیستند.

۲ - پاک شدن بدن شان محل اشکال است.

۳ - اگر سر آنها را ببرند پاک نمی شوند، مگر راسو و سوسمار که پاک

شدن آنها با تذکيه خالی از وجه نیست.

۴ - اگر سر آنها را ببرند یا شکار کنند، پاک است.

۱- خوبی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۴۵، م ۱۶۸۷؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ص ۳۹۴، م ۱۶۸۷؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۹۷، م ۸۹۸.

۲- امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۷۲، کتاب الاطعمه و الاشریه، باب القول فی الحيوان، م ۲۴؛ خوبی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۴۵، م ۱۶۸۴؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۸۸، م ۱۶۸۴؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۹۷، م ۸۹۷؛ مکارم شیرازی، استفتائات جدید، ج ۲، ص ۴۲۰، سؤال ۱۲۳۹.

عوامل عارضی حرمت حیوان

- ۱ - وطنی حیوان چهارپای حلال گوشت توسط انسان.
- ۲ - عادت کردن حیوان حلال گوشت به خوردن مدفوع انسان .
- ۳ - بره، بزغاله، گوساله ای که از شیر خوک به قدری بمکد تا گوشتش بروید و استخوانش محکم گردد.

پرسش‌ها

- ۱ - حیوانات غیر قابل تذکيه کدامند؟
- ۲ - حکم تذکيه حیوان حلال گوشت موطوئه چیست؟
- ۳ - حکم تذکيه حیوان نجاست خوار چیست؟
- ۴ - حکم حیوانی که از شیر خوک خورده، چیست؟
- ۵ - حکم حیوان شراب خوار چیست؟

فصل دوّم:

ملاکات حلّیت و حرمت حیوانات

درس چهارم

ملاکات حلیت حیوانات خشکی

اهداف درس

- از خواننده گرامی انتظار می رود، پس از فراگیری این درس:
- ۱ - اسامی برخی از انواع حیوانات حلال گوشت اهلی و وحشی را بداند.
 ۲. از نشانه های حیوانات حلال گوشت در خشکی آگاهی یابد.
 ۳. با علامات حیوانات حرام گوشت در خشکی آشنا شود.

مقدمه

«أَحَلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَامَ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ؛» چهارپایان بر شما حلال گشته اند، مگر آنچه برای تان گفته خواهد شد.

مستفاد از ظاهر آیه شریفه آن است که حیوانات به دو دسته حرام گوشت و حلال گوشت تقسیم می شوند که در ادامه به موارد و ملاکات آنها اشاره می شود.

معیار حیوانات حلال گوشت

در آیات و روایات حیوانات حلال گوشت معرفی شده اند و ضابطه خاصی در این زمینه بیان نشده است؛ ولی معمولاً حیوانات گوشت خوار، خوردن شان حرام و اغلب

حیوانات گیاه خوار، خوردنشان حلال است.^۱

اقسام حیوانات حلال گوشت خشکی

حیوانات یا اهلی اند یا وحشی.^۲ حیوانات حلال گوشتی که در خشکی زندگی می کنند به شرح زیر است:

الف) اهلی

در میان این قسم از حیوانات:

۱ - جمیع اصناف گوسفند، گاو و شتر مباح است.^۳ (همه مراجع)

ب) اصناف اسب، قاطر و الاغ مکروه است.^۴ (همه مراجع)

ب) وحشی

در میان حیوانات وحشی خشکی:

۱ - انواع آهو و انواع غزال و گوزن و قوچ کوهی و گورخر حلال می باشد.^۵

۱- مکارم شیرازی، استفتانات، ج ۳، ص ۳۰۱، ص ۷۹۶.

۲- تفاوت حیوان اهلی با وحشی از دو لحاظ قابل ملاحظه است: نخست از لحاظ مفهومی که اهلی بودن، وصف برای حیوان رام شده و الفت گرفته با آدمیان است. در مقابل، حیوان وحشی این حالت را ندارد. (دهخدا، لغت نامه، ج ۳، ص ۳۶۶۹)

۳- امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۱۶۷، کتاب الاطعمه و الاشربه، باب القول فی الحيوان، م ۵؛ خوبی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۴۴، م ۱۶۸۲، ۱۶۸۱؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۶۱، م ۱۳۴۵؛ منهاج الصالحین (سیستانی)، ج ۳، ص ۲۹۲، م ۸۸۱؛ وحید خراسانی، توضیح المسائل، ص ۵۴۸، م ۲۶۹۵؛ منهاج الصالحین (وحید خراسانی)، ج ۳، ص ۳۹۳، م ۱۶۸۱ و ۱۶۸۲؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۵۲، م ۲۶۴۰؛ مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۳۳، م ۲۲۵۶؛ سبحانی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۹۳، م ۲۲۶۹؛ نوری همدانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۸۸، م ۲۶۲۹؛ مظاهری، رساله توضیح المسائل، ص ۳۳۴، م ۲۱۳۱.

۴- همان.

۵- امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۱۶۷، کتاب الاطعمه و الاشربه، باب القول فی الحيوان، م ۵؛ خوبی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۴۴، م ۱۶۸۱؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۶۱، م ۱۳۴۶؛ منهاج الصالحین (سیستانی)، ج ۳، ص ۲۹۲، م ۸۸۱؛ مکارم شیرازی، رساله

فصل دوم: ملاکات حلیت و حرمت حیوانات □ ۴۷

۲ - ملخی که بال در آورده چنانچه با دست یا به وسیله دیگری زنده بگیرند، بعد از جان دادن، خوردن آن حلال است.^۱

اقسام حیوانات حرام گوشت خشکی

سه گونه از حیوانات وحشی در زمره حیوانات حرام گوشت به شمار می‌رود:

الف) درندگان^۲

منظور، حیواناتی است که شکار گردند و گوشت خوار و دارای ناخن و دندان‌های تیزی هستند که به وسیله آنها توانایی دریدن بدن حیوانات دیگر را دارند؛ مانند شیر و پلنگ و از این قبیل حیوانات.^۳

ب) حیوانات مسخ شده

برخی مراجع عظام تصریح کرده اند که حیوانات مسخ شده حرام گوشت هستند.^۴

توضیح المسائل، ص ۴۳۳، م ۲۲۵۶؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۹۳، م ۱۶۸۱؛ سبحانی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۹۳، م ۲۲۶۹.

۱- امام خمینی، توضیح المسائل، ص ۵۵۳، م ۲۴۹۲؛ نجاه العباد (امام خمینی)، ص ۳۳۴؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۵۹۳، م ۲۶۲۲؛ خوبی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۳۴، م ۱۶۳۲؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۵۲، م ۱۳۲۹؛ وحید خراسانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۴۵، م ۲۶۸۶؛ منهاج الصالحین (وحید خراسانی)، ج ۳، ص ۳۸۱، م ۱۶۳۲؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۷۲، م ۲۶۳۱؛ المسائل الشرعیة (شبیری زنجانی)، ص ۶۰۶، م ۲۲۳۱؛ نوری همدانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۸۶، م ۲۶۲۰؛ مظاهری، رساله توضیح المسائل، ص ۳۴۵، م ۲۱۷۷.

۲- امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۶۷، کتاب الاطعمه و الاشربه، باب القول فی الحيوان، م ۵؛ نجاه العباد (امام خمینی)، ص ۳۳۶؛ خوبی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۴۵، م ۱۶۸۵؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۶۱، م ۱۳۴۷؛ منهاج الصالحین (سیستانی)، ج ۳، ص ۲۹۲، م ۸۸۱؛ مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۳۳، م ۲۲۵۶؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۹۳، م ۱۶۸۵؛ سبحانی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۹۳، م ۲۲۶۹.

۳- امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۵۶.

۴- امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۶۷، کتاب الاطعمه و الاشربه، باب القول فی الحيوان،



(آیات عظام امام خمینی، مکارم شیرازی و مظاهری)

شایان ذکر است که موارد مسخ شده در انواع مختلف حیوانات وجود دارد؛ از

جمله:

۱ - فیل، خرس، خوک، خرگوش و تمساح در میان حیوانات خشکی.

۲ - طاووس^۱، خفاش و زنبور در میان پرندگان.

۳ - جوجه تیغی و سوسمار در میان حیوانات ساکن در زیر زمین.

۴ - ماهی جری و دموص^۲ در میان آبزیان.^۳

ج) حشرات^۴

در مورد حشرات اختلاف است:

قول اول: خوردن حشرات، غیر از ملخی که قادر به پرواز است، حرام می باشد.^۵

(آیات عظام امام خمینی، خویی، وحید خراسانی، مکارم شیرازی، سبحانی، مظاهری)

۵م؛ مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۳۳، م ۲۲۵۶؛ مظاهری، رساله توضیح المسائل، ص ۳۳۴، م ۲۱۳۲.

۱- آیت الله سیستانی، طاووس را حلال گوشت می داند. (سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۶۵، م ۱۳۵۴)

۲- جانوری است آبی به رنگ سیاه و با سر و تنه‌ای گرد و دمی باریک که معمولاً پس از فرورفتن آب، در برکه‌ها دیده می‌شود. برخی آن را بچه وزغ دانسته‌اند. (هاشمی شاهرودی، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ج ۳، ص ۶۲۷)

۳- همان، ص ۷۶.

۴- «عنوان حشرات بر جانوران ریزی چون پشه و مگس و نیز جانورانی که درون زمین لانه دارند، مانند مار، عقرب و موش اطلاق می‌شود.» همان، ص ۳۰۵.

۵- امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۶۷، کتاب الاطعمه و الاشربه، باب القول فی الحيوان، م ۵؛ خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۴۵، م ۱۶۸۵؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۹۳، م ۱۶۸۱؛ مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۳۳، م ۲۲۵۶؛ سبحانی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۹۳، م ۲۲۶۹؛ حسین مظاهری، رساله توضیح المسائل، ص ۳۳۴، م ۲۱۳۲.

قول دوم: تفصیل:

- ۱ - خوردن مورچه، موریانه، سوسک، شپش (قمل)، کرم، کیک (کک)، بید، عقرب، عنکبوت، و مانند آنها حرام است.
- ۲ - خوردن حشراتی که پرواز می کنند؛ مثل زنبور، پشه، پروانه و سنجاقک بنابر احتیاط واجب حرام می باشد.
- ۳ - کرم‌های کوچک داخل میوه‌ها و مانند آنها در صورتی که همراه میوه خورده شود، اشکالی ندارد؛ مگر آنکه برطرف کردن آن آسان باشد که در این صورت بنابر احتیاط واجب، از خوردنش اجتناب شود.^۱ (آیت الله سیستانی)

مسائل اختصاصی

- مسئله اول:** اگر یقین به تذکیه حیوان باشد، در صورتی که فرد نسبت به حلال یا حرام گوشت بودن آن شک کند و شبهه موضوعیه باشد، حکم حیوان حلال گوشت را دارد؛ مثل اینکه میزبان مسلمان غذای گوشتی در اختیار مهمان قرار دهد و مهمان نداند گوشت طبخ شده متعلق به چه حیوانی است.^۲ (آیت الله سیستانی)
- مسئله دوم:** حیوانی که از حیوان حلال گوشت و حرام گوشت متولد شود؛ اگر شبیه یکی از آن دو باشد، حکم همان را دارد و اگر مشابه هیچ حیوان حلال گوشتی نباشد، گوشت آن حرام است.^۳ (آیت الله سبحانی)

۱- سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۶۷، م ۱۳۵۹ - ۱۳۶۱.

۲- همان، ص ۵۷۱، م ۱۳۷۱.

۳- سبحانی، استفتائات، ج ۲، ص ۵۲۳، سؤال ۱۵۹۵.

خلاصه

حلال گوشت

مباح:

اهلی: جميع اقسام گوسفند، گاو و شتر.
وحشی: انواع آهو، غزال، گوزن، قوچ کوهی و گورخر.
مکروه: اسب، قاطر و الاغ اهلی.

حرام گوشت

- ۱ - درندگان گوشت خوار توانا بر دریدن بدن حیوانات دیگر.
- ۲ - مسخ شدگان (غیر از طاووس به فتوای آیت الله سیستانی).
- ۳ - حشرات (غیر از ملخ).

پرسش‌ها

- ۱ - کدام نوع از حیوانات اهلی، حلال گوشت هستند؟
- ۲ - کدام یک از حیوانات اهلی مکروه می باشند؟
- ۳ - حیوانات حلال گوشت وحشی کدامند؟
- ۴ - انواع حیوانات حرام گوشت را بیان کنید.
- ۵ - حکم خوردن گوشت حیوان تذکیه شده مشکوک الحلیه چیست؟

درس پنجم

معیارهای حلیت پرندگان

اهداف درس

- از خواننده گرامی انتظار می رود پس از فراگیری این درس:
۱. اسامی برخی انواع پرندگان حلال گوشت و حرام گوشت آشنا گردد.
 ۲. با معیارهای پرندگان حلال گوشت آشنا شود.
 ۳. معیارهای پرندگان حرام گوشت را بداند.

مقدمه

در بعضی از روایات، پرندگان به دو قسم حلال و حرام تقسیم شده‌اند؛ مانند روایت صحیحۀ زراره از امام باقر (ع) که فرمود: «هر پرنده‌ای که در حال پرواز بیشتر بال می‌زند و کمتر بال‌هایش را صاف نگه می‌دارد، از گوشت آن تناول کنید و هر کدام که بالش را در حال پرواز صاف نگه می‌دارد از گوشت آن تناول نکنید.»^۱

۱- «عَلَىٰ بَنِ إِبْرَاهِيمَ عَنِ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ عَلِيِّ الزَّيَّاتِ عَنِ زُرَّارَةَ أَنَّهُ قَالَ وَاللَّهِ مَا رَأَيْتُ مِثْلَ أَبِي جَعْفَرٍ عَ قَطُّ وَ ذَلِكَ أَنِّي سَأَلْتُهُ فَقُلْتُ أَصْلَحَكَ اللَّهُ مَا يُؤْكَلُ مِنَ الطَّيْرِ فَقَالَ كُلُّ مَا دَفَّ وَ لَا تَأْكُلُ مَا صَفَّ» کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۲۴۸.

معیارهای شناخت پرندگان حلال گوشت

در متون فقهی، پرندگان حلال گوشت و حرام گوشت به دو طریق معرفی شده‌اند:

اول: به اسم برخی پرندگان به عنوان پرنده حلال گوشت یا حرام گوشت تصریح شده است.

دوم: شناخت از طریق علائم و نشانه های ذکر شده.

اسامی شماری از پرندگان حلال گوشت

- ۱ - تمام اقسام کبوتر.^۱
- ۲ - دُرّاج (پرنده‌ای شبیه کبک)، مرغ سنگ خوار، تیهو، مرغابی، هوبره و درنا.
- ۳ - همه اقسام مرغ خانگی.^۲
- ۴ - همه اقسام گنجشک که از جمله آنهاست بلبل سار و چکاوک.^۳
- ۵ - شماری از پرندگان که حرام نیستند، ولی به مکروه بودن آنها تصریح شده است، از جمله: هدهد (شانه به سر)، خطاف (پرستو)، جغد، کبوتر صوام که پرنده‌ای است خاکی رنگ و دارای گردن دراز است که اکثراً در درخت خرما بیتوته می کند و شقراق.^۴

۱- امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۱۶۷، کتاب الاطعمه و الاشریه، باب القول فی الحيوان، م ۶؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۶۳ — ۵۶۴، م ۱۳۵۴؛ وحید خراسانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۴۷ م ۲۶۸۸؛ سبحانی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۹۳، م ۲۲۷۰

۲- امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۱۶۷، کتاب الاطعمه و الاشریه، باب القول فی الحيوان، م ۶؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۶۳ — ۵۶۴، م ۱۳۵۴؛ وحید خراسانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۴۷، م ۲۶۸۸

۳- امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۱۶۷، کتاب الاطعمه و الاشریه، باب القول فی الحيوان، م ۶؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۶۳ — ۵۶۴، م ۱۳۵۴؛ وحید خراسانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۴۷، م ۲۶۸۸.

۴- امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۱۶۸، کتاب الاطعمه و الاشریه، باب القول فی الحيوان، م ۶؛ خوبی، منهج الصالحین، ج ۲، ص ۳۴۶، م ۱۶۹۰؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۶۵، م ۱۳۵۴.

اسامی تعدادی از پرندگان حرام گوشت

خفاش و هر صاحب پنجه، چه قوی باشد که با آن پرندگان را صید کرده و بدرّد مانند باز و قوش و عقاب و شاهین و قرقی یا ضعیف باشد که بر آن قدرت نداشته باشد، مانند لاشخور و کرکس.^۱

حکم گوشت کلاغ

قول اول: خوردن همه انواع کلاغ حرام است.^۲ (آیات عظام خویی، وحید خراسانی و شبیری زنجانی)

قول دوم: احوط پرهیز و اجتناب از همه اقسام کلاغ است.^۳ (امام خمینی)

حکم گوشت طاووس

قول اول: حرام است. (آیات عظام امام خمینی، خویی، وحید خراسانی، مکارم شیرازی و شبیری زنجانی)^۴

قول دوم: حلال گوشت است.^۵ (آیت الله سیستانی)

۱- امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۶۸، کتاب الاطعمه و الاشربه، باب القول فی الحيوان، م ۶.

۲- خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۴۶، م ۱۶۸۹؛ وحید خراسانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۴۷، م ۲۶۸۸؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۵۱، م ۲۶۳۳.

۳- امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۶۸، کتاب الاطعمه و الاشربه، باب القول فی الحيوان، م ۷.

۴- امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۶۸، کتاب الاطعمه و الاشربه، باب القول فی الحيوان، م ۶؛ خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۴۶، م ۱۶۸۹؛ وحید خراسانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۴۷، م ۲۶۸۸؛ مکارم شیرازی، استفتانات، ج ۱، ص ۲۸۶، س ۹۹۹؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۵۱، م ۲۶۳۳.

۵- سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۶۵، م ۱۳۵۴.

نشانه‌های پرندگان حرام

قاعده در مورد پرندگانی که مستقیماً به اسم آنها به عنوان پرنده حلال گوشت یا حرام گوشت اشاره نشده، رجوع به علامت‌هایی است که در متون فقهی بیان شده است. این علائم به دو قسم اند که برخی مشترک بین پرندگان و دیگر حیوانات است؛ مانند عنوان «مسوخ» که یکی از علایم حرمت حیوانات خشکی، دریایی، پرندگان محسوب می‌شود. شماری هم به پرندگان اختصاص دارد که در ادامه به بیان آنها پرداخته می‌شود.

الف) داشتن چنگال

هر پرنده ای که دارای مِخْلَب^۱ باشد، حرام گوشت است؛ خواه دارای چنگال قوی برای شکار باشد، مانند عقاب و باز، یا چنگال ضعیف داشته باشد، همچون کرکس.^۲

ب) صاف نگه داشتن بال موقع پرواز

از جمله علائم شناخت پرندگان حلال و حرام، دفّ و صفّ است. منظور از دفّ، حرکت دادن مداوم بال در حال پرواز و صفّ به معنی صاف نگه داشتن بال، موقع پرواز است. پرندگان از لحاظ حالت پرواز سه گونه اند:

۱- زمان صاف نگه داشتن بال بیشتر از زمان بال زدن است

این نوع پرندگان به لحاظ حکم شرعی حرام گوشت هستند.^۳ گرچه که یکی از

۱- ناخن و چنگالی که با آن اشیاء را پاره و به دشمن حمله کند.

۲- امام خمینی، توضیح المسائل، ص ۵۵۴؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۶۲، م ۱۳۵۱؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۵۱، م ۲۶۳۳؛ مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۳۳، م ۲۲۵۷؛ نوری همدانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۸۷، م ۲۶۲۲؛ سبحانی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۹۳، م ۲۲۷۰؛ مظاهری، رساله توضیح المسائل، ص ۳۳۴، م ۲۱۳۲.

۳- امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۶۸، کتاب الاطعمه و الاشریه، باب القول فی الحیوان، م ۸؛ خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۴۶، م ۱۶۸۸؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲،



نشانه های سه گانه (چینه دان، سنگدان و خار پشت پا) را داشته باشند.^۱

۲- زمان بال زدن بیشتر از زمان صاف نگه داشتن بال است

این قسم از پرندگان حلال گوشت هستند.^۲

۳- میزان بال زدن با زمان صاف نگه داشتن بال ها مساوی است

در این فرض اختلاف است:

قول اول: احتیاط و رجوع به علایم دیگر؛ یعنی داشتن چینه دان، سنگدان و خار پشت پا است و در صورتی که هیچ یک از این علایم سه گانه (چینه دان، سنگدان و خار پشت پا) را نداشته باشد، اقرب حلال بودن پرنده است.^۳ (آیات عظام امام خمینی و شبیری زنجانی)

قول دوم: چنانچه یکی از سه نشانه (چینه دان، سنگدان و خار پشت پا) را داشته باشد، اظهر حلال بودن آن است و گرنه حرام گوشت است.^۴ (آیت الله خویی)

قول سوم: چنانچه یکی از سه نشانه را داشته باشد حلال گوشت است و اگر هیچ یک از سه نشانه را نداشته باشد، بنابر احتیاط واجب حرام گوشت محسوب می

ص ۵۶۶، م ۱۳۵۵؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۵۱، م ۲۶۳۳؛ مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۳۳، م ۲۲۵۷؛ وحید خراسانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۴۷، م ۲۶۸۸؛ سبحانی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۹۳، م ۲۲۷۰؛ مظاهری، رساله توضیح المسائل، ص ۳۳۴، م ۲۱۳۳.

۱- خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۴۶، م ۱۶۸۸.

۲- امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۶۸، کتاب الاطعمه و الاشربه، باب القول فی الحيوان، م ۸؛ خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۴۶، م ۱۶۸۸؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۶۶، م ۱۳۵۵؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۷۳، م ۲۶۳۳؛ مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۳۳، م ۲۲۵۷؛ وحید خراسانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۴۷، م ۲۶۸۸؛ سبحانی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۹۳، م ۲۲۷۰؛ مظاهری، رساله توضیح المسائل، ص ۳۳۴، م ۲۱۳۳.

۳- امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۶۹، کتاب الاطعمه و الاشربه، باب القول فی الحيوان، م ۸؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۴۹، م ۲۶۳۳.

۴- خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۴۶، م ۱۶۸۸.

شود.^۱ (آیت الله سیستانی)

ج) نداشتن سنگدان، چینه دان و خار پشت پا

در تبیین این علایم فقها بیانات مختلفی دارند:

قول اول: پرنده‌ای که سنگدان یا چینه‌دان یا انگشت جدایی مانند شست انسان دارد، حلال و پرنده‌ای که اینها را ندارد، حرام است.^۲ (آیات عظام مکارم شیرازی و مظاهری)

قول دوم: هر پرنده‌ای که چینه‌دان و سنگدان و خار پشت پا ندارد، حرام است؛ مگر آن که معلوم باشد که زمان بال زدنش بیشتر از زمان صاف نگه‌داشتن آن است که در این صورت حلال است.^۳ (آیت الله خویی)

قول سوم: اگر چنگال دار بودن پرنده و کیفیت پروازش معلوم نباشد، چنانچه چینه‌دان یا سنگدان یا خارپشت پا داشته باشد، حلال و گر نه حرام می‌باشد.^۴ (آیات عظام سیستانی و شبیری زنجانی)

خلاصه

روش شناخت پرندگان حلال و حرام

- ۱ - تصریح به اسم آنها به عنوان پرنده حلال یا حرام .
- ۲ - رجوع به علامات.

۱- سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۶۶، م ۱۳۵۵.

۲- مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۳۳، م ۲۲۵۷؛ مظاهری، رساله توضیح المسائل، ص ۳۳۴، م ۲۱۳۳.

۳- خویی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۷۵، م ۲۶۳۳.

۴- سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۶۶، م ۱۳۵۵؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۴۹، م ۲۶۳۳.

اسامی برخی پرندگان حلال یا حرام گوشت

حلال گوشت:

مباح: تمام انواع کبوتر، تمام انواع گنجشک، انواع مرغابی، هوبره و درنا. مکروه: هدهد، خطاف، جغد، کبوتر صوام و شقراق.

حرام گوشت: خفاش، طاووس، چنگال داران شکارگر و گوشت خوار مانند باز،

قوش، عقاب، شاهین، قرقی، لاشخور، کرکس و همه انواع کلاغ.

علائم پرندگان حرام

- ۱ - داشتن چنگال.
- ۲ - موقع پرواز زمان صاف نگه داشتن بال بیشتر از زمان بال زدن باشد.
- ۳ - نداشتن چینه دان، سنگدان و خار پشت پا.

پرسش‌ها

- ۱ - نشانه‌های پرندگان حلال گوشت و حرام گوشت کدامند؟
- ۲ - اسامی برخی پرندگان حلال گوشت و حرام گوشت را بیان کنید.
- ۳ - پرندگانی که خوردن‌شان مکروه است، کدامند؟
- ۴ - خوردن گوشت طاووس و کلاغ چه حکمی دارد؟

درس ششم

معیار حلیت آبزبان

اهداف درس

از خواننده گرامی انتظار می رود، پس از فراگیری این درس:

- ۱ - با معیار حلیت آبزبان آشنا شود.
- ۲ - حکم شک در فلس داشتن ماهی را بداند.
- ۳ - حکم صورت‌های مختلف شک در تذکیه ماهی را یاد بگیرد.
- ۴ - حکم لابستر و کوسه ماهی را بیاموزد.

مقدمه

در فقه امامیه، محدودیت‌های بسیاری در خوردن آبزبان وجود دارد؛ چه آنکه جز ماهی فلس‌دار و میگو همگی حرامند و بر این قول ادعای اجماع شده است. دلیل عمده این نظر، روایاتی است که در آنها از بود و نبود فلس به عنوان معیار حلیت و حرمت سخن رفته است، از جمله صحیحه محمد ابن مسلم که امام باقر (ع) فرمود: آن ماهی که قشر (پولک) دارد را بخور و آن ماهی که قشر ندارد را نخور.^۱

۱. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَمُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ وَأَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ جَمِيعاً عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ، قَالَ: قَرَأْتُ



معیار حلیت و حرمت ماهی‌ها

از ماهی‌ها فقط ماهی‌ای که ذاتاً دارای پولک باشد، حلال است. و آنکه ذاتاً دارای پولک نیست، حرام می‌باشد.^۱ (همه مراجع)

حکم پولک‌های میکروسکوپی

قول اول: پولک باید با چشم عادی دیده شود. پولک‌های میکروسکوپی که با چشم معمولی و غیرمسلح قابل مشاهده نیست و مردم به آن فلس نمی‌گویند، فایده‌ای ندارد.^۲ (آیات عظام سیستانی، مکارم شیرازی، نوری همدانی، سبحانی)

قول دوم: برای حلیت ماهی حتی فلس‌های ذره بینی و مانند آن که به حسب ظاهر دیده نمی‌شود، محکم باشد یا سست، کافی بوده و حلال است.^۳ (آیت الله مظاهری)

أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ شَيْئاً مِنْ كِتَابِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَإِذَا فِيهِ: «أَنَّهَا كَمَنْ عَنِ الْجَرِيِّ، وَالزَّمِيرِ، وَالْمَارْمَاهِي، وَالطَّافِي، وَالطَّحَالِ». قَالَ: قُلْتُ: يَرْحَمُكَ اللَّهُ، إِنَّا نُؤْتِي بِالسَّمَكِ لَيْسَ لَهُ قِشْرٌ. فَقَالَ: «كُلُّ مَا لَهُ قِشْرٌ مِنَ السَّمَكِ، وَمَا لَيْسَ لَهُ قِشْرٌ فَلَا تَأْكُلْهُ». (كليني، ابوجعفر محمد بن يعقوب، الكافي، ج ۱۲، ص ۱۳۴ و ۱۳۵)

۱. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۵۵، کتاب الأَطْعَمَةُ وَالأَشْرَبَةُ، م ۲؛ سیستانی، منهج الصالحین، ج ۳، ص ۲۹۱، م ۸۷۸؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۵۳-۵۵۴، م ۱۳۳۰؛ خویی، منهج الصالحین، ج ۲، ص ۳۴۴، م ۱۶۷۸؛ وحید خراسانی، منهج الصالحین، ج ۳، ص ۳۸۷، م ۱۶۷۸؛ وحید خراسانی، توضیح المسائل، ص ۵۱۱، م ۲۶۷۹؛ توضیح المسائل (محمشی—امام خمینی)، ج ۲، ص ۷۶۷، م ۲۶۱۵؛ شبیری زنجانی، توضیح المسائل، ص ۵۴۹، م ۲۶۲۴؛ سبحانی، توضیح المسائل، ص ۴۹۱، م ۲۲۶۳؛ نوری همدانی، توضیح المسائل، ص ۲۸۶، م ۲۶۱۳؛ مظاهری، توضیح المسائل، ص ۳۹۳، م ۲۱۷۴؛ مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۳۱، م ۲۲۴۸.
۲. مکارم شیرازی، استفتاءات جدید، ج ۲، ص ۴۱۵، س ۱۲۲۱؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۵۳ و ۵۵۴، م ۱۳۳۰؛ نوری همدانی، استفتاءات، ج ۲، س ۸۴۶؛ سبحانی، استفتاءات، ج ۲، ص ۵۱۲، س ۱۶۲۲.
۳. مظاهری، توضیح المسائل، ص ۳۹۳، م ۲۱۷۷.

شک در پولک داشتن ماهی

اگر پولک داشتن یا نداشتن ماهی ای مشکوک باشد، در این مورد حکم فقها چنین است.

قول اول: بر حرمت گذاشته می‌شود.^۱ (آیت الله سیستانی؛ مگر آنکه دو مرد عادل شهادت دهند ماهی دارای پولک‌هایی است که با چشم معمولی قابل دیدن می‌باشد و شهادت آنها مستند به حسّ باشد، مثلاً بگویند: «با چشم معمولی پولک‌ها را دیده‌ایم.» (در این صورت پولک داشتن ماهی ثابت می‌شود).^۲ (آیات عظام خویی، وحید خراسانی، سیستانی)

قول دوم: محکوم به حلیت است.^۳ (آیات عظام امام خمینی، خامنه‌ای، مظاهری)

شک در تذکیه

اگر در تذکیه آبزیان شک داشته باشیم، در مرحله اول به نشانه‌های تذکیه حیوانات که در درس اول اشاره شد، مراجعه می‌شود. اگر روشن نشد، در مرحله دوم حکم فقها در صور مختلف چنین است:

صورت اول - دست مسلمان

اگر ماهی در دست مسلمان باشد، حلال است و حکم به تذکیه آن می‌شود تا این که

۱. خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۴۴، م ۱۶۷۸؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۸۷، م ۱۶۷۸؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۹۱، م ۸۷۸؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۵۶، م ۱۳۳۲.

۲. سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۵۶، م ۱۳۳۲.

۳. امام خمینی، استفتاءات، ج ۲، ص ۵۰۲، س ۲۱؛ سایت leader.ir دفتر مقام معظم رهبری، پرسش شماره ۴۰۵۷۴، موضوع: خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها؛ مظاهری، توضیح المسائل، ص ۳۹۳، م ۲۱۷۵.

خلاف آن معلوم شود.^۱ (آیات عظام امام خمینی، خویی، وحید خراسانی، سیستانی، شبیری زنجانی، سبحانی، نوری همدانی، مکارم شیرازی)

صورت دوم - دست کافر

اگر ماهی مرده‌ای را از دست کافر بگیرد، تا زمانی که نداند کافر از آب، یا در خارج از آب زنده گرفته است، خوردن آن حلال نمی‌باشد. (آیت الله سیستانی، نوری همدانی؛ چه شک در اصل تذکیه باشد یا شک در پولک دار بودن، مگر احراز حلیت شود یا اماره ای بر حلیت وجود داشته باشد).^۲ (آیات عظام امام خمینی، خویی، وحید خراسانی، سیستانی، نوری همدانی، مکارم شیرازی، سبحانی)

صورت سوم

ماهی مرده‌ای که معلوم نیست آن را زنده از آب گرفته‌اند یا مرده، چنانچه از ممالک غیر اسلامی آورده باشند حرام است، نیز اگر انسان بداند که ماهی از ممالک غیر اسلامی بدون تحقیق وارد بازار مسلمانان یا سرزمین اسلامی شده، حرام می‌باشد.^۳

۱. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، القول فی الصيد، ص ۱۴۳ — ۱۴۴، م ۲۵؛ منهاج الصالحین، خویی، ج ۲، ص ۳۳۳، م ۱۶۲۳؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۷۹، م ۱۶۲۳. سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۷۲، م ۸۲۵؛ سبحانی، توضیح المسائل، ص ۴۹۳، م ۲۲۶۶؛ توضیح المسائل (محشی — امام خمینی)، ج ۲، ص ۷۶۸، م ۲۶۱۸؛ شبیری زنجانی، توضیح المسائل، ص ۵۵۰، م ۲۶۲۷؛ نوری همدانی، توضیح المسائل، ص ۲۸۶، م ۲۶۱۶؛ مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۳۲، م ۲۲۵۱.

۲. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، القول فی الصيد، ص ۱۴۴، م ۲۵؛ امام خمینی، استفتاءات؛ ج ۲، ص ۴۹۴ و ۴۹۹ و ۵۰۱، س ۱ و ۱۵ و ۲۰؛ خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۳۳، م ۱۶۲۳؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۷۹، م ۱۶۲۳؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۷۲، م ۸۲۵؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۵۹، م ۱۳۳۷ و ۱۳۳۸؛ توضیح المسائل (محشی — امام خمینی)، ج ۲، ص ۵۹۱، م ۲۶۱۸؛ نوری همدانی، توضیح المسائل، ص ۲۸۶، م ۲۶۱۶؛ مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۳۲، م ۲۲۵۱؛ سبحانی، توضیح المسائل، ص ۴۹۳، م ۲۲۶۶.

۳. شبیری زنجانی، توضیح المسائل، ص ۵۵۰، م ۲۶۲۷.

(آیت الله شبیری زنجانی)

صورت چهارم

کنسرو ماهی که از بلاد کفر می‌آورند، حلال و خوردن آن مانعی ندارد.^۱ (آیت الله مظاهری)

مسائل اختصاصی^۲

مسئله اول: اگر تذکیه شرعی ثابت شود، و شبهه موضوعی در حلیت و حرمت باشد، حکم ماهی حلال گوشت را دارد؛ به عنوان مثال، اگر میزبانی که مسلمان است و خوردن ماهی بدون پولک را حرام می‌داند، ماهی طبخ شده‌ای را برای خوردن در اختیار مهمان قرار دهد و مهمان نداند آن ماهی پولک دارد یا نه، بنا می‌گذارد که ماهی مذکور پولک دارد.^۳ (آیت الله سیستانی)

مسئله دوم: اگر مسلمانی که ماهی بدون پولک را حلال می‌داند (مانند بعضی از فرقه‌های غیر شیعه) یا به عقیده وی ماهی‌ای که شبه پولک دارد (پولک‌هایش میکروسکوپی است و با چشم معمولی دیده نمی‌شود) حلال می‌باشد، ماهی‌ای را در اختیار انسان قرار دهد، حکم به تذکیه شرعی و حلال بودن آن ماهی محل اشکال است و مراعات مقتضای احتیاط ترک نشود. اما اگر در این موارد ماهی را حرام می‌داند یا عقیده وی در این مورد برای انسان نامعلوم باشد، در این صورت حکم به تذکیه و حلال بودن آن ماهی می‌شود.^۴ (آیت الله سیستانی)

مسئله سوم: اگر عرضه کننده ماهی، ماهی بدون پولک یا دارای شبه پولک را حرام می‌داند یا عقیده وی در این مورد نامعلوم است، ماهی‌ای که پولک‌دار بودن

۱. مظاهری، توضیح المسائل، ص ۳۹۳، م ۲۱۷۵.

۲. این فروع در توضیح المسائل حضرت آیت الله سیستانی آمده است و در فتوای بقیه مراجع یافت نشد.

۳. سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۵۷، م ۱۳۳۴.

۴. سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۵۸، م ۱۳۳۵.

آن مشکوک است را از مسلمان دیگری تهیه کرده که او چنین ماهیانی را حلال می‌داند، چنانچه انسان احتمال عقلایی دهد که وی در این مورد فحص و تحقیق کرده، حکم به تذکیه و حلال بودن آن ماهی می‌شود؛ اما اگر محرز باشد که عرضه کننده مذکور در زمینه پولک‌دار بودن آن ماهی فحص و تحقیق نکرده، حکم به تذکیه شرعی و حلال بودن آن ماهی محل اشکال است و مراعات مقتضای احتیاط ترک نشود.^۱ (آیت الله سیستانی)

حکم تخم ماهی (خواریار)

تخم حیوانات دریایی حلال، حلال و تخم حیوانات دریایی حرام، حرام است.^۲ (آیات عظام امام خمینی، خویی، وحید خراسانی، سیستانی)

شک در حلیت تخم ماهی

قول اول: در حال مشتبه بودن، در صورتی که نرم باشد، احتیاط در نخوردن آن است، ولی اگر حلال گوشت یا حرام گوشت یا نرم و خشن بودن آن مورد تردید باشد، خوردن آن حلال است.^۳ (حضرت امام خمینی)

قول دوم: اگر شک کند در اینکه تخم از ماهی حلال گوشت یا حرام گوشت است، خوردنش حرام است.^۴ (آیات عظام خویی، سیستانی)

قول سوم: در امور مشتبه، احتیاط واجب بر حرمت است.^۵ (آیت الله وحید خراسانی)

۱. همان، م ۱۳۳۶.

۲. امام خمینی، تحریر الوسیله، کتاب الأطعمه و الأشربة، ج ۲، ص ۱۵۶، م ۴؛ خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۴۴، م ۱۶۸۰؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین ج ۳، ص ۳۹۲، م ۱۶۸۰؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۹۲، م ۸۸۰.

۳. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب الأطعمه و الأشربة، ص ۱۵۶، م ۴.

۴. خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۴۴، م ۱۶۸۰؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۹۲، م ۸۸۰.

۵. وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۹۲، م ۱۶۸۰.

میگو

اربیان (میگو) که در زبان اهل این زمان رویان نامیده می‌شود از جنس ماهی فلس‌دار می‌باشد و خوردن آن جایز است.^۱ (آیات عظام امام خمینی، سیستانی، سبحانی، خامنه‌ای، مکارم شیرازی، وحید خراسانی)

شاه میگو (لابستر)^۲

قول اول: حکم در اینجا تابع صدق موضوع در نظر عرف است، اگر به آن، خرچنگ (سرطان) گفته شود، حرام است و اگر رویان (میگو) بر آن صدق کند، حلال است. برای تشخیص این موضوع می‌توانید به صیادان مراجعه کنید.^۳ (آیت الله مکارم شیرازی)

قول دوم: در فرض اطمینان مکلف به میگو بودن لابستر، خوردن آن اشکال ندارد.^۴ (آیت الله خامنه‌ای)

قول سوم: «شاه میگو» که در زبان عربی «أمّ الروبیان» و به انگلیسی «Lobster» نامیده می‌شود، عرفاً از خانواده خرچنگ‌هاست و خوردن آن حرام می‌باشد. بنابراین، خوردن انواع مختلف خرچنگ پهن (گرد)، خرچنگ دراز دریایی

۱. تحریرالوسیله، امام خمینی، ج ۲، القول فی الحيوان، ص: ۱۵۵ و ۱۵۶، م ۳. سبحانی، استفتانات، جلد شماره: ۲- صفحه شماره: ۵۱۴، سؤال ۱۶۳۱. سایت leader.ir، دفتر مقام معظم رهبری، پرسش شماره ۴۰۵۷۴، موضوع: خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها. مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص: ۴۳۲، م ۲۲۵۵. سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۵۳ و ۵۵۴، مسئله ۱۳۳۰. وحید خراسانی، منتخب الاحکام، خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها، ص ۲۳۰.

۲. قابل توجه است که طبق تحقیق مرکز موضوع شناسی احکام فقهی، شاه میگو (لابستر) نوعی خرچنگ است، و میگوی بزرگ غیر از لابستر است.

۳. مکارم شیرازی، استفتاءات جدید، ج ۱، ص: ۲۸۱، س ۹۸۴ و ۹۸۶.

۴. خامنه‌ای، سایت leader.ir، دفتر مقام معظم رهبری، پرسش شماره ۴۰۵۷۴، موضوع: خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها.

فصل دوم: ملاکات حلیت و حرمت حیوانات □ ۶۵

(شاه میگوی آب شور) و خرچنگ دراز آب شیرین (شاه میگوی آب شیرین) حرام می‌باشد.^۱ (آیت الله سیستانی)

کوسه ماهی

به نظر متخصصان دانش ماهی شناسی، کوسه ماهی هم مانند ماهیان دیگر دارای فلس و قشر (به نام فلس میخی یا دندانهای) است که با دست کشیدن روی پوست آنها محسوس است و از نوع ماهی‌های غضروفی است.^۲

قول اول: اگر در نظر عرف، کوسه ماهی فلس دارد، حلال است و تفاوتی میان ماهی‌ها نیست.^۳ (آیت الله مکارم)

قول دوم: تمام اقسام میگو و ماهی‌های فلس‌دار حلال است، و در موارد شبهه در فلس‌دار بودن بعضی اقسام ماهی، نظر متخصصین مورد اعتماد معتبر است و بر طبق آن عمل نمایند.^۴ (آیت الله خامنه‌ای)

قول سوم: فلسی که در حلال بودن ماهی شرط است در مورد کوسه موجود نیست، بنابراین حرام می‌باشد.^۵ (آیات عظام سیستانی، سبحانی)

خلاصه

حیوانات حلال گوشت آبی

۱ - ماهی که ذاتاً دارای پولک است.

۲ - میگو.

۱. سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، مسئله ۱۳۳۰.
۲. تحقیق موضوع شناسی احکام فقهی.
۳. مکارم شیرازی، استفتاءات جدید، ج ۱، ص: ۲۸۲، س ۹۸۷.
۴. خامنه‌ای، سایت leader.ir، دفتر مقام معظم رهبری.
۵. سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، م ۱۳۳۰؛ سبحانی، استفتاءات، ج ۳، ص ۵۱۱، س ۱۵۷۵.

شک در ماهی

- ۱ - از جهت پولک‌دار بودن: اصل عدم پولک داشتن جاری و بنابر حرمت گذاشته می شود.
- ۲ - از جهت تذکيه: به نشانه های تذکيه (گرفتن از دست مسلمان، بازار مسلمين و وارد کردن از سرزمين های اسلامی) رجوع می شود.

چند مسئله

- ۱ - تخم حیوانات دریایی حلال، حلال، و تخم حیوانات دریایی حرام، حرام است.
- ۲ - لابستر (شاه میگو) در نظر عرف، اگر میگو باشد، خوردن آن حلال است، و اگر از خانواده خرچنگ‌ها باشد، خوردن آن حرام است.
- ۳ - کوسه ماهی اگر در نظر عرف پولک داشته باشد، حلال است، و گرنه حرام‌گوشت می باشد.

پرسش‌ها

- ۱ - ملاک حلیت و حرمت آبزیان را توضیح دهید.
- ۲ - حکم پولک‌های میکروسکوپی را بیان فرمایید.
- ۳ - حکم شک در پولک داشتن ماهی را بیان فرمایید.
- ۴ - حکم شک در تذکيه ماهی را توضیح دهید.
- ۵ - فتاوی فقها در مورد لابستر و کوسه ماهی را بیان فرمایید.

درس هفتم

اجزای حرام

اهداف درس

- از خواننده گرامی انتظار می رود، پس از فراگیری این درس:
۱. با اجزای حرام حیوانات حلال گوشت آشنا گردد.
 ۲. از اجزای مکروه حیوانات حلال گوشت آگاه شود.
 ۳. اجزای حرام پرندگان حلال گوشت و ماهیان پولک‌دار را بداند.

مقدمه

بدن حیوانات حلال گوشت از اجزای مختلفی شکل یافته که در این میان خوردن برخی از اجزای بدن آنها حرام است.^۱ در مورد تعداد اجزای حرام، برخی مراجع عظام

۱- «منظور از اجزای حرام، آن جزء از بدن حیوانات حلال گوشت است که خوردن آنها به صورت مستقیم یا در ضمن فرآورده‌های گوشتی با منع شرعی مواجه است، هر چند ممکن است در سایر مصارف غیر خوراکی مانند استفاده در فرآورده های آرایشی و بهداشتی و . . . منعی نداشته باشد.» (امام خمینی، توضیح المسائل، ص ۵۵۴)

چهارده مورد ذکر کرده اند^۱ و برخی به پانزده مورد که به آنها اشاره می شود.^۲

اجزای حرام حیوانات حلال گوشت

۱- خون: مایعی سرخ رنگ، جاری در قلب و رگهاست.^۳

فروع فقهی

فرع اول: خونی که از بدن حیوانات دارای خون جهنده^۴ بیرون می آید، نجس و خوردن آن حرام است؛ اگرچه حیوان حلال گوشت باشد.^۵

فرع دوم: اگر حیوان حلال گوشت را به دستوری که در شرع معین شده، بکشند و خون آن به مقدار معمول بیرون آید، در این صورت خون باقی مانده در بدن حیوان، پاک است.^۶

-
- ۱- خویی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۷۵، م ۲۶۳۵؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۵۱، م ۱۳۶۳؛ وحید خراسانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۴۷، م ۲۶۹۰؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۷۳، م ۲۶۳۵؛ مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۳۹، م ۲۲۵۹؛ سبحانی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۹۳، م ۲۲۷۲؛ مظاهری، رساله توضیح المسائل، ص ۳۳۵، م ۲۱۴۱.
 - ۲- امام خمینی، توضیح المسائل، ص ۵۵۴، م ۲۴۹۶؛ توضیح المسائل مراجع (محشی)، ج ۲، ۵۹۶؛ نوری همدانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۸۷، م ۲۶۲۴.
 - ۳- هاشمی شاهرودی، سیدمحمود، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ج ۳، ص ۵۳۳.
 - ۴- یعنی اگر رگ آنها را ببرند خون از آن جستن می کند. (امام خمینی، توضیح المسائل، ص ۳۱).
 - ۵- امام خمینی، توضیح المسائل، ص ۳۱، م ۹۳؛ خامنه‌ای سید علی، رساله آموزشی، ج ۱، ص ۳۴؛ خویی، رساله توضیح المسائل، ص ۱۸، م ۹۷؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۱، ص ۶۶، م ۱۰۸؛ وحید خراسانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۳، م ۹۸؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۸، م ۹۸؛ مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۳۴، م ۱۰۳؛ سبحانی، رساله توضیح المسائل، ص ۱۲۷، م ۸۲؛ نوری همدانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۵، م ۹۶؛ مظاهری، رساله توضیح المسائل، ص ۲۷، م ۸۲.
 - ۶- امام خمینی، توضیح المسائل، ص ۳۱، م ۹۳؛ خامنه‌ای سید علی، رساله آموزشی، ج ۱، ص ۳۴؛



فرع سوّم: خونی که پس از ذبح بر اثر اینکه سر حیوان در جای بلندی بوده، به بدن حیوان برگردد، نجس است.^۱

فرع چهارم: حکم خونی که به علت نفس کشیدن حیوان، به بدنش برگردد. در این مسئله اختلاف است:

قول اول: آن خون نجس است.^۲ (آیات عظام امام خمینی، خویی، سیستانی، وحید خراسانی، شبیری زنجانی، سبحانی، نوری همدانی، مظاهری)

قول دوم: احتیاط واجب آن است که از آن خون اجتناب شود.^۳ (آیت الله مکارم شیرازی)

۲ - فضله: مراجع عظام، حرمت خوردن فضله حیوان حلال گوشت را به دو عنوان بیان کرده اند:

(الف) برخی فضله را در زیر مجموعه اجزای حرام ذکر کرده اند و به این عنوان

خویی، رساله توضیح المسائل، ص ۱۸، م ۹۸؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۱، ص ۶۶، م ۱۰۹؛ وحید خراسانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۳، م ۹۷؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۶، م ۹۷؛ مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۳۴، م ۱۰۲؛ سبحانی، رساله توضیح المسائل، ص ۱۲۷، م ۸۲؛ نوری همدانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۵، م ۹۷؛ مظاهری، رساله توضیح المسائل، ص ۲۷، م ۸۳.

۱- امام خمینی، توضیح المسائل، ص ۳۱، م ۹۳؛ خویی، رساله توضیح المسائل، ص ۱۸، م ۹۸؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۱، ص ۶۶، م ۱۰۹؛ وحید خراسانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۳، م ۹۷؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۶، م ۹۷؛ سبحانی، رساله توضیح المسائل، ص ۱۲۷، م ۸۲؛ نوری همدانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۵، م ۹۷؛ مظاهری، رساله توضیح المسائل، ص ۲۷، م ۸۳.

۲- امام خمینی، توضیح المسائل، ص ۳۱، م ۹۳؛ خویی، رساله توضیح المسائل، ص ۱۸، م ۹۸؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۱، ص ۶۶، م ۱۰۹؛ وحید خراسانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۳، م ۹۷؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۶، م ۹۷؛ سبحانی، رساله توضیح المسائل، ص ۱۲۷، م ۸۲؛ نوری همدانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۵، م ۹۷؛ مظاهری، رساله توضیح المسائل، ص ۲۷، م ۸۳.

۳- مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۳۴، م ۱۰۲.

به حرمت آن فتوا داده‌اند.^۱ (آیات عظام امام خمینی،^۲ خوبی، سیستانی، وحید خراسانی، نوری همدانی، مظاهری)

ب) فضله از اشیای خبیث و پلید و مورد تنفر طبع انسان به شمار می رود؛ از این رو خوردن آن حرام است، هر چند که پاک باشد.^۳ (آیات عظام مکارم شیرازی و سبحانی)

۳- سپرز (طحال): گوشت سیاه و پهنی است که در شکم انسان -کنار معده و بالای کلیه چپ- قرار گرفته و در غیر انسان در سمت چپ چسبیده به پهلو است.^۴

۴- نری: (اندام تناسلی حیوان مذکر)

۵- فرج: (اندام تناسلی حیوان مؤنث)

۶- بیضه: که آن را «دنبلان» می گویند.

۷- زهره‌دان: (کیسه صفراء)

۸- بول دان: (مثانه)

۹- نخاع: (مغز حرام) که در میان ستون فقرات است.

۱۰- عُدد: غده‌های کوچک در بدن حیوان که آن را «گره گوشت» یا «دُشول»

می نامند.

۱- امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۱۷۲، کتاب الاطعمه و الاشربه، باب القول فی الحيوان، م ۲۷؛ خوبی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۷۵، م ۲۶۳۵؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۹۷، م ۹۰۰؛ سیستانی رساله توضیح المسائل، ص ۵۰۸، م ۲۶۴۳؛ وحید خراسانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۴۷، م ۹۰۰؛ نوری همدانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۸۷، م ۲۶۲۴؛ مظاهری، رساله توضیح المسائل، ص ۳۳۵، م ۲۱۴۱.

۲- «امام خمینی این را اضافه کرده که فضله کرم‌ها که به درون میوه‌ها و خربزه‌ها و مانند آنها چسبیده، ظاهراً حرام نمی باشد.» سید روح الله خمینی، تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۱۶۲.

۳- مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۴۰، م ۲۲۶۰؛ سبحانی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۹۴، م ۲۲۷۳.

۴- تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱۵، ص ۴۳۰.

۱۱ - مشیمه: (بچه دان). امام خمینی و آیت الله نوری همدانی^۱ این را هم اضافه کرده‌اند که بنابر احتیاط واجب از چیزی که با بچه دان است (جفت) و با آن بیرون می آید، اجتناب شود.

۱۲ - زردپی: دو بافت رشته‌ای متراکم و زردرنگ که از گردن آغاز شده و در دو طرف ستون فقرات ادامه دارد، آن را «پی گردن» و «علباوان» نیز می نامند. از نظر حکم شرعی در مورد آن اختلاف است:

قول اول: فتوای مشهور فقها حرمت آن است.^۲

قول دوم: بنابر احتیاط واجب از آن اجتناب شود.^۳ (آیات عظام وحید خراسانی، سیستانی)

۱۳ - نخود مغز: حبه‌ای در وسط مغز و به اندازه نخود است که تا حدودی به رنگ خاکستری متمایل و رنگش با رنگ مخ که در جمجمه قرار دارد مخالف است. از آن به «خرزه الدماغ» و «غده هیپوفیز» نیز تعبیر شده است.

۱۴- ذات‌الأشجاع: و آن چیزی که در میان سم حیوانات است. از نظر حکم شرعی در مورد آن اختلاف است:

قول اول: مشهور فتوا به حرمت آن فتوا داده‌اند.

قول دوم: به احتیاط واجب از این جزء اجتناب شود.^۴ (آیت الله وحید خراسانی)

۱- امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۱۷۲، کتاب الاطعمه و الاشربه، باب القول فی الحيوان، م ۲۷؛ نجاه العباد (امام خمینی)، ص ۳۳۸؛ نوری همدانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۸۷، م ۲۶۲۴.

۲- امام خمینی، توضیح المسائل، ص ۴۷۳، م ۲۶۲۶؛ خویی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۷۵، م ۲۶۳۵؛ مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۳۹، م ۲۲۵۹؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۵۱، م ۲۶۳۵؛ سبحانی تبریزی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۹۴، م ۲۲۷۲؛ نوری همدانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۸۷، م ۲۶۲۴؛ مظاهری، رساله توضیح المسائل، ص ۳۳۵، م ۲۱۴۱.

۳- وحید خراسانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۴۸، م ۲۶۹۰؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۶۸، م ۱۳۶۳.

۴- وحید خراسانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۴۸، م ۲۶۹۰.

۱۵. حدقه چشم: عدسی چشم که دیدن به وسیله آن صورت می گیرد، نه همه جسم چشم.

اجزای حرام پرندگان حلال گوشت

در این مسئله اقوالی است:

قول اول: احتیاط واجب آن است که از هر آنچه از اجزاء حرام مذکور، در پرندگان حلال گوشت پیدا شود، اجتناب شود.^۱ (آیات عظام امام خمینی، خویی، سیستانی، وحید خراسانی)

قول دوم: در حیوانات و پرندگان کوچک مانند گنجشک، چنانچه بعضی از اجزای حرام مذکور، قابل تشخیص یا جدا کردن نیست، خوردن آن اشکالی ندارد.^۲ (آیات عظام مکارم شیرازی و سبحانی)

اجزای حرام ماهی پولک دار

در مورد اجزای حرام ماهی حلال اختلاف است:

قول اول: خوردن فضله و خون آن به صورت جداگانه حرام است؛ ولی اگر خون و فضله داخل بدن به همراه ماهی خورده شود، اشکال ندارد.^۳ (امام خمینی)

قول دوم: بنابر احتیاط واجب از خوردن خون و فضله ماهی حلال اجتناب شود؛ مگر آنکه خون و فضله داخل بدن به همراه ماهی خورده شود که در این صورت

۱- امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۷۳، کتاب الاطعمه و الاشریه، باب القول فی الحيوان، م ۲۹؛ نجات العباد (امام خمینی)؛ ص ۳۳۹؛ خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۴۴۷، م ۱۶۹۲؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۶۹، م ۱۳۶۳؛ وحید خراسانی، توضیح المسائل، ص ۵۴۸، م ۲۶۹۰؛ منهاج الصالحین (وحید خراسانی)، ج ۳، ص ۳۹۰، م ۱۶۹۲.

۲- مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۳۴، م ۲۲۵۹؛ سبحانی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۹۴.

۳- امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۶۲، ۱۶۱.

اجتناب از آن لازم نیست.^۱ (آیات عظام سیستانی و خامنه‌ای)

مسئله اختصاصی

خوردن غذای مشتمل بر اجزای حرام مثل نخاع و دُشول، جایز نیست^۲؛ مگر آنکه در هنگام طبخ غذا، ذرات آن در غذا حلّ شود طوری که به جهت کمی مقدار آن عرفاً از بین رفته و مستهلک محسوب شود.^۳ (آیت الله سیستانی)

اجزای مکروه حیوان حلال گوشت

خوردن کلیه‌ها (دوقلوه)، دریچه‌های قلب و رگ‌ها مخصوصاً شاهرگ‌ها مکروه است و احتیاط مستحب آن است که از خوردن پوست و استخوان حیوانات حلال گوشت اجتناب شود، به استثنای پوست سر حیوان و پوست مرغ و سایر پرندگان و همچنین استخوان‌های پرندگان کوچک مانند گنجشک.^۴

خلاصه

اجزای حیوان

حرام: خون، فضلّه، طحال، نری، فرج، بیضه، زهره‌دان، نخاع، غدد، مشیمه، زردپی، نخود مغز، پی، ذات الاشجاع و حدقه چشم.
مکروه: دو قلوه (کلیه‌ها)، دریچه‌های قلب و رگ‌ها.

۱- سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۵۸، سایت leader.ir، دفتر مقام معظم رهبری، پرسش شماره ۳۶۷۲، موضوع: خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها .

۲- البته این در صورتی است که اجزای حرام داخل غذا را جدا نکنند و همراه غذا اجزای حرام هم خورده شود.

۳- سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۶۹، م ۱۳۶۴.

۴- امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۷۳، کتاب الاطعمه و الاشربه، باب القول فی الحيوان، م ۳۰؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۶۹ و ۵۷۰، م ۱۳۶۶ .

فروع فقهی

۱ - هر آنچه از اجزای حرام که در حیوانات حلال گوشت وجود دارد، چنانچه در پرنده‌ها پیدا شود، اجتناب شود. (امام خمینی، خویی، سیستانی، وحید خراسانی) غیر از پرندگان کوچک مانند گنجشک در صورتی که بعضی از این امور قابل تشخیص یا جدا کردن نباشد.

۲ - اجزای حرام ماهی حلال گوشت عبارت است از فضله و خونابه داخل بدن آن در صورتی که جداگانه خورده شود.

۳ - خوردن غذای مخلوط به اجزای حرام جایز نیست مگر آنقدر کم باشد که موقع طبخ غذا در آن مستهلک شود.

پرسش‌ها

۱. اجزای حرام حیوانات حلال گوشت کدامند؟
۲. اجزای مکروه حیوانات حلال گوشت را نام ببرید.
۳. اجزای حرام در پرندگان کدام است؟
۴. اجزای حرام ماهی‌های پولک‌دار کدامند؟

فصل سوّم:

احكام ذبح و نحر

درس هشتم

شرایط ذابح

اهداف درس

- از خواننده گرامی انتظار می رود، پس از فراگیری این درس:
- ۱ - با توجه به شرایطی که در فقه برای ذابح ذکر شده، شرایط ذابح را از نظر عقیده و مذهب بداند.
 - ۲ - شرط جنسیت در مورد ذابح را توضیح دهد.
 - ۳ - با شرط بودن بلوغ و عقل ذابح در ذبح آشنا شود.

مقدمه

از آنجا که حلیت غذاهای گوشتی در اسلام اهمیت فراوانی دارد، لذا در روایات متعددی معصومان - صلوات الله علیهم اجمعین - به تبیین شرایط ذابح پرداخته اند که در ادامه با این شرایط آشنا می شوید.

شرایط ذابح از نظر عقیده و مذهب

اول - اسلام

قول اول: کسی که سر حیوان را می برد، باید مسلمان یا در حکم مسلمان،

مانند کسی که متولد از مسلمان است، باشد.^۱ (آیات عظام امام خمینی، خوبی، خامنه‌ای، وحید خراسانی، شبیری زنجانی، سیستانی، سبحانی، نوری همدانی)

قول دوم: کسی که سر حیوان را می برد باید مسلمان باشد، بنابراین، کافر غیر کتابی و افرادی که در حکم کافر هستند، اگر سر حیوان را ببرند، حیوان حلال و پاک نمی شود؛ بلکه کافر کتابی مثل مسیحی یا یهودی نیز چنانچه سر حیوان را ببرد، آن حیوان بنابر احتیاط واجب حلال و پاک نمی شود.^۲ (آیت الله سیستانی)

قول سوم: ذبح کننده بنابر احتیاط واجب باید مسلمان باشد.^۳ (آیت الله مکارم)

قول چهارم: اگر اهل کتاب حیوان حلال گوشت قابل ذبح را با نام خدا، رو به قبله ذبح کنند، حلال و پاک است.^۴ (آیت الله جوادی آملی)

ذبح سایر فرقه‌های اسلامی

ایمان (شیعه بودن) در ذابح شرط نیست، بنابراین ذبیحه همه فرق اسلامی حلال می‌باشد، مگر فرقه‌هایی که خود را مسلمان می‌دانند، ولی محکوم به کفرند^۵ (همه

۱. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، القول فی الذبائح، ص ۱۴۶، م ۱؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۷۶، م ۸۳۸؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۷۴۵، م ۲۵۹۴؛ خوبی، منهاج الصالحین ج ۲، ص ۳۳۵؛ م ۱۶۳۵؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۸۱، م ۱۶۳۵؛ سبحانی، توضیح المسائل، ص ۴۸۶، م ۲۲۴۹؛ نوری همدانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۸۲، م ۲۵۸۹؛ آیت الله خامنه‌ای، سایت leader.ir، پرسش شماره ۴۴۰۲۹ موضوع: شکار و ذبح حیوانات.

۲. سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۷۶، م ۸۳۸؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۳۰، م ۱۲۵۹.

۳. مکارم شیرازی، توضیح المسائل، شرائط ذبح حیوانات، ص ۴۲۵، م ۲۲۲۳.

۴. جوادی آملی، توضیح المسائل، ج ۱، ص ۶۷۰، بخش استفتائات.

۵. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، القول فی الذبائح، ص ۱۴۶، م ۱؛ سبحانی، استفتائات ج ۲، ص ۵۱۰، م ۱۶۱۷؛ خوبی، منهاج الصالحین ج ۲، ص ۳۳۵، م ۱۶۳۶؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۸۱، م ۱۶۳۵؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۷۶، م ۸۳۸؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۷۴۵، م ۲۵۹۴؛ شبیری، رساله توضیح المسائل، ص ۵۴۳، م ۲۶۰۳؛ مکارم شیرازی، استفتاءات جدید، ج ۲، ص ۴۱۰، م ۱۱۹۳.

مراجع)

از این رو به بررسی حکم برخی از این فرقه‌ها پرداخته می‌شود.

۱- ناصبی‌ها^۱

ذبح ناصبی‌ها از نظر شرع صحیح نبوده، و ذبیحه آنها طبق فتوای همه مراجع حرام می‌باشد.^۲ (همه مراجع)

۲- خوارج^۳

قول اول: ذبیحه خوارج حلال نمی‌باشد.^۴ (آیات عظام امام خمینی، خویی، خامنه‌ای، شبیری زنجانی، مکارم شیرازی، وحید خراسانی، نوری همدانی)

قول دوم: اگر دشمنی با اهل بیت - علیهم السلام - را ابراز کنند، ذبیحه آنها

۱. نواصب، جمع ناصب و ریشه آن نصب است. نصب در لغت به معنای بر پا داشتن و برپا کردن جنگ، دشمنی، سوء قصد نسبت به دیگری و نزاع و رفتار کینه‌توزانه و آشکار ساختن دشمنی و غیر آن است. در اصطلاح به معنای دشمنی با امام علی علیه السلام و کینه توزی نسبت به ایشان و دیگر امامان شیعه علیهم السلام است، که آن را اظهار و اعلان می‌دارند. (جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، ج ۱، ص ۲۲۴ و ۲۲۵؛ ابن منظور، ابوالفضل، جمال اللدین، محمد بن مکرّم، لسان العرب، ج ۱، ص ۷۵۸. طریحی، فخر اللدین، مجمع البحرین، ج ۲، ص ۱۷۳؛ خویی، سید ابو القاسم موسوی، موسوعه الإمام الخوئی، ج ۳، ص ۷۹)
۲. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، القول فی الذباحت، ص ۱۴۶، م ۱؛ خویی، منهاج الصالحین ج ۲، ص ۳۳۵، م ۱۶۳۶؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۸۱ و ۳۸۲، م ۱۶۳۵؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۷۶، م ۸۳۸؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۷۴۵، م ۲۵۹۴؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۴۳، م ۲۶۰۳؛ مکارم شیرازی، توضیح المسائل، ص ۴۲۵، م ۲۲۲۳؛ نوری همدانی، استفتائات، س ۸۰۱.
۳. خوارج، گروهی از سپاه امام علی (ع) در جنگ صفین که علی بن ابی طالب را متهم به کفر کرده و علیه او شوریدند. آنها که به دلیل خروج علیه خلیفه مسلمین، خوارج نامیده شدند.
۴. امام خمینی، تحریر الوسیله؛ ج ۱، القول فی النجاسات، ص ۱۱۸؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۴۳، م ۲۶۰۳؛ مکارم شیرازی، استفتاءات جدید، ج ۲، ص ۴۰۹، سؤال ۱۱۸۸؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۸۱ و ۳۸۲، م ۱۶۳۵؛ نوری همدانی، استفتائات، س ۸۰۲.

حرام است.^۱ (آیت الله سیستانی)

۳ - غُلَات^۲

قول اول: ذبیحه برخی از غلات^۳ که قایل به خدایی یکی از ائمه - علیهم السلام - می باشند یا بگویند خدا در او حلول کرده است، حرام می باشد. (آیات عظام امام خمینی، خویی، خامنه‌ای، وحید خراسانی، سیستانی)

قول دوم: ذبیحه غلات حرام است.^۴ (آیت الله شبیری زنجانی)

۴ - علی اللهی (اهل حق)^۵

قول اول: پیروان فرقه اهل حق و علی اللهی اگر اعتقاد داشته باشند که امیرالمومنین - علیه السلام - خداست، حکم آن‌ها حکم غیر مسلمان‌هایی است که اهل کتاب نیستند؛^۶ یعنی کافر و نجس‌اند و ذبیحه آنها حرام می باشد. اما اگر توحید و نبوت و هیچ‌یک از ضروریات دین اسلام را انکار نکنند و معتقد به نقصی در رسالت

۱. سایت دفتر آیت الله سیستانی، بخش استفتائات ذبح، سوال ۳۱ .
۲. غلو در لغت به معنای تجاوز کردن از حد و اندازه، یا خارج شدن از حد اعتدال است. (ابن منظور، محمد بن مکرّم، لسان العرب، مادة غلو، ج ۱۵، ص ۱۳۲). در اصطلاح یعنی آنهایی که قائل به خدایی یکی از ائمه - علیهم السلام - می باشند یا بگویند خدا در او حلول کرده است. (خویی، منهاج الصالحین ج ۲، ص ۳۳۵، م ۱۶۳۶؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۸۱ و ۳۸۲، م ۱۶۳۵)
۳. امام خمینی، تحریر الوسیله؛ ج ۱، ص ۱۸۱؛ خویی، منهاج الصالحین ج ۲، ص ۳۳۵، م ۱۶۳۶؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۸۱ و ۳۸۲، م ۱۶۳۵؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۱ م ۱۲۶؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۳۰، م ۱۲۵۹ .
۴. شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۴۳، م ۲۶۰۳ .
۵. آنکه خدایی علی بن ابی‌طالب (ع) گوید. آنکه علی را خدا گوید. قائل به الوهیت علی بن ابی‌طالب علیه السلام. نام یکی از فرق غلاة شیعه است و آنان را در نقاط مختلف به نامهای دیگر چون نصیری، اهل حق و غیره نیز خوانند. (لغت نامه دهخدا، ج ۱۱، ص ۱۶۱۶۹، ذیل واژه علی‌اللهی).
۶. خامنه‌ای، اجوبه الاستفتائات، ص ۸۴، سوال ۳۱۷ .

رسول اکرم - صلی الله علیه وآله - نباشند، حکم به کفر و نجاست آنها نمی شود.^۱ اینبراین ذبیحه آنها حلال می باشد [آیات عظام خامنه‌ای، مکارم شیرازی، شبیری زنجانی]

قول دوم: اگر شهادتین را می گویند و متوجه لوازم مذهب خود نیستند - که عوام آنها این طور می باشند - در این صورت ذبح آنها حلال است.^۲ (نوری همدانی)

۵ - درویش (صوفیه)^۳

اگر توحید و نبوت و هیچ‌یک از ضروریات دین اسلام را انکار نکنند و معتقد به نقصی در رسالت رسول اکرم - صلی الله علیه وآله - نباشند، ذبیحه آنها حلال می - باشد.^۴ (آیات عظام امام خمینی، مقام معظم رهبری)

۶ - کافر

الف - اهل کتاب^۵

۱. همان و ص ۸۷، سوال ۳۲۶؛ مکارم شیرازی، استفتاءات جدید، ج ۲، ص ۴۰۹، سؤال ۱۱۸۶؛ شبیری زنجانی، نرم افزار رساله و استفتاات، م ۴۸۷.

۲. نوری همدانی، استفتاات، س ۸۰۰.

۳. درویش جمع درویش است و « درویش » در لغت به معنای گدا و سائل است. صوفیه؛ پیروان طریقه تصوف. اهل طریقت. آنان که از طریق ریاضت و تعبد، طالب راه یافتن به حق و حقیقت‌اند. گروهی که از اواخر قرن دوم هجری در اسلام پدید گشتند و به خاطر طرز تفکر، لباس، خوراک، عبادت و ریاضت مخصوص، بدین نام معروف گشتند. (لغت نامه دهخدا، ذیل کلمه درویش و صوفیه)

۴. امام خمینی، تحریرالوسیله؛ ج ۱، القول فی النجاسات، ص ۱۱۸، م ۱؛ خامنه‌ای، اجوبه الاستفتاات، ص ۸۷، سوال ۳۲۶.

۵. اهل کتاب به پیروان ادیانی گفته می‌شود که پیامبر آنان دارای کتاب آسمانی برای هدایت انسان‌ها بوده است. اما در اینکه مصادیق اهل کتاب چه ادیانی می باشند بین فقها اختلاف است. ۱- آیات عظام امام خمینی، خوبی و وحید خراسانی: یهود و نصارا اهل کتاب می باشند. (امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۲، القول فیمن تؤخذ منه الجزیه، ص ۴۹۷، م ۱؛ توضیح المسائل (محشی- امام خمینی)، ج ۱، ص ۷۶، م ۱۰۶؛ وحید خراسانی، توضیح



قول اول: ذبیحه اهل کتاب حرام است.^۱ (آیات عظام امام خمینی، خویی،

خامنه‌ای، شبیری زنجانی، وحید خراسانی، سبحانی، نوری همدانی)

قول دوم: ذبح اهل کتاب بنابر احتیاط واجب حلال نمی‌باشد.^۲ (آیت الله

سیستانی، آیت الله مکارم شیرازی)

قول سوم: اگر اهل کتاب حیوان حلال گوشت قابل ذبح را با نام خدا، رو به

قبله ذبح کنند، حلال و پاک است.^۳ (آیت الله جوادی آملی)

نکته: حضرت آیت الله مکارم در استفتائات، فتوا به حرمت ذبیحه اهل کتاب

داده و فرموده اند: ذبیحه اهل کتاب حلال نیست؛ هر چند پاک است.^۴ اما در توضیح

المسائل می فرماید: ذابح بنابر احتیاط واجب باید مسلمان باشد.^۵

المسائل، م ۱۰۷) ۲— آیات عظام سیستانی، مکارم شیرازی، شبیری زنجانی، سبحانی: یهود و نصارا و مجوس اهل کتاب می باشند. (سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۱. م ۱۲۰. مکارم؛ استفتاءات جدید؛ ج ۱، ص ۳۰، سوال ۴۳؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۹، م ۱۰۷؛ سبحانی، استفتائات، ج ۲، ص ۳۸، س ۸۸) ۳— مقام معظم رهبری: یهود و نصارا و مجوس و صابئیان اهل کتاب هستند. (خامنه‌ای، رساله آموزشی، ص ۳۷، درس ۸، نجاسات ۲)

۱. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، القول فی الذبائح، ص ۱۴۶؛ خویی، منهاج الصالحین ج ۲، ص ۳۳۵، م ۱۶۳۶؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۸۱، م ۱۶۳۵؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۵۷۳، م ۲۵۹۴؛ شبیری، رساله توضیح المسائل، ص ۵۴۳، م ۲۶۰۳؛ سبحانی، استفتائات، ج ۲، ص ۵۱۱، س ۱۶۱۸.

۲. سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۳۰، م ۱۲۵۹؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۵۷۳، م ۲۵۹۴؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۷۶، م ۸۳۸؛ مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۲۵، م ۲۲۲۳؛ نوری همدانی، استفتائات، س ۷۹۷.

۳. سوال: در صورت پاک بودن اهل کتاب، استفاده از ذبیحه حلال گوشت و غذاهای آنان چه حکمی دارد؟ جواب: ۱— استفاده از غذاهای اهل کتاب، در صورتی که به چیزهای نجس مانند شراب، گوشت خوک و... آلوده نشده باشد، جایز است. ۲— اگر اهل کتاب حیوان حلال گوشت قبل ذبح را با نام خدا، رو به قبله ذبح کنند، حلال و پاک است. (جوادی آملی، توضیح المسائل، ج ۱، ص ۴۱۴، بخش استفتائات.)

۴. مکارم شیرازی، استفتاءات جدید، ج ۲، ص ۴۱۰، س ۱۱۹۴.

۵. مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۲۵، م ۲۲۲۳.

ب - غیر اهل کتاب (مشرک)

قول اول : کافر غیر کتابی و افرادی که در حکم کافر هستند، مانند ناصبی‌ها، اگر سر حیوان را ببرند، آن حیوان پاک و حلال نمی‌شود.^۱ (آیات عظام امام خمینی، خویی، خامنه‌ای، وحید خراسانی، شبیری زنجانی، سیستانی، نوری همدانی)

قول دوم : ذبح کافر بنا بر احتیاط واجب حلال نیست.^۲ (آیت الله مکارم شیرازی)

۷ - مرتد^۳

حکم ذبیحه مرتد، حکم همان گروهی است که مرتد به آن وارد شده است. پس اگر مرتد، کافر کتابی گردد، بنا بر احتیاط واجب ذبیحه‌اش حرام است و چنانچه کافر غیر کتابی شود، ذبیحه او حرام است.^۴ (آیات عظام سیستانی، خامنه‌ای)

دوم* - عدالت

مسلمانی که در انجام تکالیفش کوتاهی می‌کند، اگر چه فاسق است، اما باز هم

۱ . امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، القول فی الذباحت، ص ۱۴۶، م ۱؛ خویی، منهاج الصالحین ج ۲، ص ۳۳۵، م ۱۶۳۶؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۸۱، م ۱۶۳۵؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۵۷۳، م ۲۵۹۴؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۴۳، م ۲۶۰۳؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۳۰، م ۱۲۵۹، سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۷۶، م ۸۳۸؛ نوری همدانی، استفتائات، س ۷۹۷.

۲ . مکارم شیرازی، توضیح المسائل، شرائط ذبح حیوانات، ص ۴۲۵، م ۲۲۲۳ .

۳ . «ارتداد» از واژه «رَدَد» و در لغت به معنای «بازگشت» است. در فرهنگ دینی به بازگشت از اسلام به کفر «ارتداد و رده» گفته می‌شود. مرتد به کسی گفته می‌شود که از اسلام خارج و کافر شده باشد. (المفردات فی غریب القرآن، الراغب الأصفهانی، ج ۱، ص ۱۹۳، ۱۹۲)

۴ . سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۱ م ۱۲۷؛ کلنال فقه و احکام رهبری، @ ID.

مسلمان بوده و ذبحش با رعایت شرایط ذبح صحیح می‌باشد.^۱ (آیات عظام خوبی، وحید خراسانی، سیستانی، خامنه‌ای، مکارم شیرازی، سبحانی، نوری همدانی)

سوم - جنسیت ذابح

قول اول: در ذبح، مرد بودن شرط نمی‌باشد؛ بنابراین، ذبح حیوان توسط زنان هم صحیح است.^۲ (همه مراجع به جز آیت الله مکارم شیرازی)

قول دوم: کسی که حیوان را ذبح می‌کند می‌تواند مرد یا زن یا بچه نابالغی که دستورات ذبح را می‌داند، باشد، ولی بهتر است تا دسترسی به مرد وجود دارد زنان و کودکان را معاف دارند.^۳ (آیت الله مکارم شیرازی)

نکته طبق آنچه که گفته شد، در ذبح جنسیت شرط نمی‌باشد و ذبح زنان هم صحیح می‌باشد از این رو ذبح خنثی هم صحیح می‌باشد. لذا برخی از فقها به آن تصریح کرده‌اند.^۴

۱. سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۷۶، م ۸۳۹؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۸۱، م ۱۶۳۵؛ خوبی، منهاج الصالحین ج ۲، ص ۳۳۵ م ۱۶۳۶؛ سایت leader.ir پرسش شماره ۲۳۶۵۸ موضوع: شکار و ذبح حیوانات؛ سبحانی، استفتائات ج ۲، ص ۵۱۰، س ۱۶۱۶؛ مکارم شیرازی، استفتاءات جدید، ج ۲، ص ۴۰۹، ۱۱۸۵؛ نوری همدانی، استفتائات، س ۷۹۹.

۲. امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۲، القول فی الذباحت، ص ۱۴۶، م ۲؛ خوبی، منهاج الصالحین ج ۲، ص ۳۳۵، م ۱۶۳۶؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۸۱، م ۱۶۳۵؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۵۷۳، م ۲۵۹۴؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۴۳، م ۲۶۰۳؛ آیت الله خامنه‌ای، سایت leader.ir، پرسش شماره ۷۰۱۷۳، موضوع: شکار و ذبح حیوانات؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۳۰، م ۱۲۵۹؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۷۶، م ۸۳۸؛ مکارم شیرازی، توضیح المسائل، شرائط ذبح حیوانات، ص ۴۲۵، م ۲۲۲۳؛ سبحانی، استفتائات، ج ۲، ص ۵۰۹، س ۱۶۱۳؛ نوری همدانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۸۲، م ۲۵۸۹.

۳. مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۲۶، م ۲۲۲۴.

۴. امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۲، القول فی الذباحت، ص ۱۴۶، م ۲. (فتحل ذبیحة المرأة فضلاً عن الخنثی)

چهارم؛ بلوغ

در ذبح، بالغ بودن ذبح کننده شرط نیست. بنابراین بچه مسلمان ممیز که از لحاظ رشد فکری به حدی رسیده باشد که خوب و بد را بفهمد و آشنا به عمل ذبح و تذکیه حیوان و غرض آن (پاک و حلال شدن حیوان) باشد، ذبحش صحیح و حلال است.^۱ (همه مراجع)

قول ممیز در صحت ذبح

قول اول: اگر از قول او اطمینان حاصل شود، مسموع است.^۲ (آیات عظام خامنه‌ای، سیستانی، مکارم شیرازی)

قول دوم: فعل وی حمل بر صحت می‌شود.^۳ (آیت الله شبیری زنجانی)

قول سوم: کافی نیست و اصاله الصحه در آن جاری نمی‌شود.^۴ (آیت الله سبحانی)

پنجم - عقل

قول اول: در ذابح عقل شرط نمی‌باشد، اما ذبح کسی که متوجه عملش نیست، همچون مجنون و خوابیده و مست، صحیح نیست؛ البته اگر این افراد ممیز باشند، با وجود سایر شروط، ذبح آنان صحیح و حلال است.^۵ (آیات عظام خویی، وحید

۱. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، القول فی الذباحت، ص ۱۴۶، م ۲؛ خویی، منهاج الصالحین ج ۲، ص ۳۳۵، م ۱۶۳۶؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۸۱، م ۱۶۳۵؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۵۷۳، م ۲۵۹۴. شبیری؛ رساله توضیح المسائل، ص ۵۶۵، م ۲۶۰۳؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۳۰، م ۱۲۵۹؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۷۶، م ۸۳۸؛ مکارم شیرازی، توضیح المسائل، شرائط ذبح حیوانات، ص ۴۲۵، م ۲۲۲۳؛ سبحانی، استفتائات، ج ۲، ص ۵۰۹، س ۱۶۱۳؛ نوری همدانی، استفتائات، س ۸۰۳.

۲. استفتائات مرکز ملی پاسخگویی، ش ۱۹۵۹۷۸.

۳. شبیری زنجانی، استفتائات مرکز ملی پاسخگویی، ش ۹۷۴۱/۱۰.

۴. سبحانی، استفتائات مرکز ملی پاسخگویی، ش ۸۲۷۸.

۵. منهاج الصالحین ج ۲، آیت الله خویی، ص ۳۳۵، م ۱۶۳۶؛ منهاج الصالحین، آیت الله وحید



خراسانی، سیستانی، نوری همدانی (

قول دوم: ذبح دیوانه اشکال دارد.^۱ (آیات عظام مکارم شیرازی، سبحانی، خامنه‌ای، شبیری زنجانی)

ششم - اختیار

در ذابح اختیار شرط نیست، لذا ذبح کسی که او را مجبور کرده اند، هر چند به ناحق، در صورتی که شرایط ذبح در آن جمع شود، صحیح است.^۲ (آیات عظام خوبی، سیستانی، وحید خراسانی، نوری همدانی، مکارم شیرازی، نوری همدانی)

خلاصه

شرایط ذابح

۱ - از جهت اسلام:

الف) باید مسلمان باشد. (مشهور فقها)

ب) باید مسلمان باشد، بنابراین ذبیحه اهل کتاب بنا بر احتیاط واجب و ذبیحه کفار غیر اهل کتاب به فتوا حرام است. (سیستانی)

ج) بنا بر احتیاط واجب باید مسلمان باشد. (مکارم)

د) ذبیحه اهل کتاب با رعایت شرایط ذبح حلال، است. (جوادی آملی)

۲ - از جهت شیعه بودن: ذابح لازم نیست شیعه باشد؛ مگر فرقه‌های ضاله

خراسانی، ج ۳، ص ۳۸۱، م ۱۶۳۶؛ نوری همدانی، استفتائات، ص ۸۰۴؛ خامنه‌ای، استفتائات مرکز ملی پاسخگویی؛ شبیری زنجانی، استفتائات مرکز ملی پاسخگویی، ش ۹۷۴۱/۹؛ سایت دفتر آیت الله سیستانی، بخش احکام ذبح، سوال ۲۸.

۱. مکارم شیرازی، استفتاءات جدید، ج ۲، ص ۴۰۹؛ سبحانی، استفتائات، ج ۲، ص ۵۰۹، ص ۱۶۱۳.

۲. خوبی، منهاج الصالحین ج ۲، ص ۳۳۵، م ۱۶۳۷؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۷۶، م ۸۳۸؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۸۱، م ۱۶۳۵؛ نوری همدانی، استفتائات، ص ۸۰۵؛ مکارم شیرازی، استفتاءات جدید، ج ۲، ص ۴۰۸، ص ۱۱۸۳.

که در حکم کافرند مثل ناصبی، خوارج و غلات. در مورد فرقه اهل حق (علی‌اللهی) و صوفیه (دراویش) گفته شده اگر توحید و نبوت و هیچ‌یک از ضروریات دین اسلام را انکار نکنند و معتقد به نقصی در رسالت رسول اکرم - صلی الله علیه وآله - نباشند، ذبیحه آنها حلال است.

فروع فقهی

- ۱ - در ذبح، مرد بودن شرط نیست، و ذبح حیوان توسط زنان، شخص کور، خنثی، حائض، خواجه، فاسق و زنا زاده هم صحیح است.
- ۲ - لازم نیست ذابح بالغ باشد، بنابراین ذبح بچه ممیز هم صحیح است.
- ۳ - ذبح کسی که متوجه عملش نیست، همچون مجنون و خوابیده و مست صحیح نمی‌باشد. در ذبح، اختیار شرط نیست، لذا ذبح مکره با جمع شدن شرایط ذبح، حلال است.

پرسش‌ها

- ۱ - نظر مراجع در مورد ذبیحه کافر را توضیح دهید.
- ۲ - شرط ایمان ذابح (شیعه بودن) در ذبح را بیان کنید.
- ۳ - ذبح زنان با چه شرایطی صحیح است؟
- ۴ - نظر فقها در مورد ذبیحه بچه ممیز را توضیح دهید.

درس نهم

ذکر نام خدا (۱)

اهداف درس

- از خواننده گرامی انتظار می رود، پس از فراگیری این درس:
- ۱- چگونگی ذکر نام خدا را در تذکیه بداند.
 - ۲- حکم ذکر نام خدا را به فارسی یا زبان های دیگر یاد بگیرد.
 - ۳- حکم ذبح با دستگاه صنعتی را فرا گیرد.
 - ۴- نحوه و کیفیت گفتن ذکر نام خدا در تذکیه با دستگاه را به تفصیل بداند.

مقدمه

در بحث ذبح شرعی بنا به اجماع فقهای شیعه و در بحث شکار، به هنگام فرستادن سگ شکاری به طرف شکار یا پرتاب تیر به سوی آن، یا سر بردن حیوان حلال گوشت، باید نام خدا برده شود که در آیات متعدد قرآن به آن اشاره شده است؛ از جمله در آیه شریفه ۱۸۸ سوره انعام می فرماید: «فَكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ بِآيَاتِهِ مُؤْمِنِينَ...»؛ از [گوشت] آنچه نام خدا [هنگام سر بردن] بر آن گفته شده، بخورید [و غیر از آن نخورید] اگر به آیات او ایمان دارید!» در ادامه، به بررسی شرایط و احکام ذکر نام خدا پرداخته خواهد شد.

کیفیت ذکر نام خدا

در ذکر نام خدا کیفیت مخصوص و اسم خاص مثل « بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ » شرط نمی باشد، بلکه معیار صدق اسم خدا بر آن است؛ بنابراین، اگر بگوید: «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ» یا «بِسْمِ اللّٰهِ» یا «اللّٰهُ اَكْبَرُ» یا «الْحَمْدُ لِلّٰهِ» یا «لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ» و مانند آن، کافی است.^۱ (همه مراجع)

موالات در ذکر نام خدا و شروع به ذبح

بحث موالات در دو جا مطرح می شود:

- ۱ - موالات در ذکر نام خدا و شروع به ذبح که حکم آن در این درس بیان می شود
- ۲ - رعایت موالات در بریدن اوداج اربعه که حکم آن در درس شانزدهم خواهد آمد.

فردی که می خواهد حیوان را ذبح کند، باید هنگام شروع ذبح یا زمانی که عرفاً متصل به زمان ذبح محسوب شود، به نیت ذبح شرعی، «نام خداوند متعال» را ببرد.^۲ (همه مراجع)

۱. توضیح المسائل (محتسبی — امام خمینی)، ج ۲، ص ۷۴۵، م ۲۵۹۴؛ امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، القول فی الذباحت، ص ۱۴۹، م ۱۱؛ خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۳۸، م ۱۶۵۰؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۸۵، م ۱۶۵۰؛ سبحانی، توضیح المسائل، ص ۴۸۶ و ۴۸۷، م ۲۲۴۹؛ شبیری، رساله توضیح المسائل، ص ۵۴۳، م ۲۶۰۳؛ مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۲۵، م ۲۲۲۳؛ نوری همدانی، توضیح المسائل، ص ۳۸۲، م ۲۵۸۹؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۷۸، م ۸۴۳؛ توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۳۲، م ۱۲۶۵؛ مظاهری، رساله توضیح المسائل، م ۲۱۵۵.
۲. توضیح المسائل (محتسبی — امام خمینی)، ج ۲، ص ۷۴۵، م ۲۵۹۴؛ امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، القول فی الذباحت، ص ۱۴۹، م ۱۱؛ خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۳۸، م ۱۶۵۰؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۸۵، م ۱۶۵۰؛ سبحانی، توضیح المسائل، ص ۴۸۶ و ۴۸۷، م ۲۲۴۹؛ شبیری، رساله توضیح المسائل، ص ۵۴۳، م ۲۶۰۳؛ مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۲۵، م ۲۲۲۳؛ نوری همدانی، توضیح المسائل، ص ۳۸۲، م ۲۵۸۹؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۷۸، م ۸۴۳؛ توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۳۲، م ۱۲۶۵؛ مظاهری، رساله توضیح المسائل، م ۲۱۵۵.

دانستن معنای ذکر نام خدا

قول اول: همین اندازه که اجمالاً بداند نام خدا را می‌برد کافی است؛ به هر زبانی که باشد.^۱ (آیت الله مکارم شیرازی)

قول دوم: باید به معنای آن توجه داشته باشد.^۲ (آیت الله نوری همدانی)

گفتن ذکر «الله» به تنهایی

قول اول: اکتفا کردن به اسم شریف «الله» اشکال دارد، بلکه باید بر آن چیزی افزود تا کلام تامی شود که بر صفت کمال، مدح، تمجید و تعظیم دلالت کند، مثل: الله أكبر، و الحمد لله، و بسم الله.^۳ (آیات عظام امام خمینی، خوبی، خامنه‌ای، نوری همدانی، سبحانی)

قول دوم: اگر فقط بگوید: «الله» یا «یا الله» بدون آنکه با صفت کمال، مدح و تمجیدی همراه باشد، کافی است، هرچند خلاف احتیاط مستحب است.^۴ (آیات عظام سیستانی، وحید خراسانی، مکارم شیرازی)

یادکردن اسما و صفات خدا

تعددی از لفظ «الله» به سایر اسمای حسنی مانند «بسم الرحمن» و «بسم الباری» و

۱. مکارم شیرازی، استفتائات جدید، ج ۲، ص ۴۱۲ و ۴۱۳، سؤال ۱۲۰۸.

۲. استفتائات، آیت الله نوری همدانی، بخش احکام ذبح، ص ۸۲۴.

۳. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، القول فی الذبائح، ص ۱۴۹ م ۱۱؛ خوبی، منهج الصالحین، ج ۲، ص ۳۳۹، م ۱۶۵۶؛ نوری همدانی، استفتائات، بخش احکام ذبح، ص ۸۱۶ و ۸۱۷؛ خامنه‌ای، استفتائات مرکز ملی پاسخگویی، ش ۵۴۷۴۵۶؛ سبحانی، استفتائات مرکز ملی پاسخگویی، ش ۸۲۷۸.

۴. سیستانی، منهج الصالحین، ج ۳، ص ۲۷۹، م ۸۴۶؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۳۳، م ۱۲۶۸؛ وحید خراسانی، منهج الصالحین، ج ۳، ص ۳۸۵، م ۱۶۵۰؛ مکارم، استفتاءات جدید، ج ۲، ص ۴۱۳، س ۱۲۱۳.

«بسم الخالق» و دیگر اسم های خاص او جایز است؛ لکن احتیاط مستحب اکتفا نکردن است.^۱ (آیات عظام امام خمینی، سیستانی، وحیدخراسانی، مکارم شیرازی، شبیری زنجانی، خامنه‌ای)

ذکر صلوات به جای ذکر نام خدا^۲

قول اول: صحیح نیست^۳. (آیت الله شبیری زنجانی)

قول دوم: بنا بر احتیاط واجب کفایت نمی‌کند.^۴ (آیت الله خامنه‌ای)

قول سوم: عمداً این کار را نکند، ولی اگر قبلاً بوده محکوم به طهارت است، و اشکالی ندارد، چون «اللهم» در صلوات، نوعی ذکر الله است.^۵ (آیت الله مکارم شیرازی)

قول چهارم: کافی است؛ ولی بهتر است به آن اکتفا نشود.^۶ (آیت الله سیستانی)

ذکر نام خدا به غیر عربی

بردن نام خدا در ذبح، به زبان فارسی یا هر زبان دیگر نیز جایز است. (آیات عظام امام خمینی، سیستانی؛ هرچند خلاف احتیاط مستحب است.)^۷ (آیات عظام امام

۱. امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۲، القول فی الذباحت، ص ۱۴۹، م ۱۱؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۸۵، م ۱۶۵۰؛ مکارم شیرازی، استفتاءات جدید، ج ۲، ص ۴۱۳، س ۱۲۱۳؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۳۳، م ۱۲۶۸؛ شبیری زنجانی، استفتاءات مرکز ملی پاسخگویی، ش ۹۷۴۱/۸؛ خامنه‌ای، استفتاءات مرکز ملی پاسخگویی، ش ۵۴۷۴۵۶.

۲. در این زمینه فتوای بقیه مراجع یافت نشد.

۳. شبیری زنجانی، استفتاءات مرکز ملی پاسخگویی، ش ۱۰۶۵۷.

۴. خامنه‌ای، استفتاءات مرکز ملی پاسخگویی، ش ۱۰۶۵۷.
d029c557e7f310e2d065dbf4292fb994

۵. سایت دفتر آیت الله مکارم؛ مکارم شیرازی، استفتاءات مرکز ملی پاسخگویی، ش ۶۰۴۴۲۹.

۶. سیستانی، استفتاءات مرکز ملی پاسخگویی، کد استفتاء: ۴۷۳۲۲۶.

۷. شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۴۳، م ۲۶۰۳؛ مکارم شیرازی، استفتاءات



خمینی، شبیری زنجانی، مکارم شیرازی، نوری همدانی، سیستانی)

ذبح با دستگاه صنعتی

در ذبح با دستگاه چند سوال مطرح است، که به آنها پاسخ داده می شود.

الف) کیفیت ذکر نام خدا در ذبح با دستگاه صنعتی

سوال اول: چه کسی باید نام خدا را به زبان جاری کند و در چه زمانی؟
نام خداوند متعال توسط فرد مسلمانی که عرفاً ذبح مستند به اوست، برده شود.^۱
(آیات عظام سیستانی، مکارم شیرازی، نوری همدانی)

سوال دوم: کیفیت ذکر نام خدا در ذبح با دستگاه چگونه باید باشد؟

صور مختلف مسئله

صورت اول: دستگاه فقط یک حیوان را ذبح کند، باید بسم الله را بگویید.^۲
(آیات عظام مظاهری، سبحانی، نوری همدانی، مکارم شیرازی، سیستانی)
صورت دوم: دستگاه چند حیوان را با هم سر ببرد، یک بسم الله برای همه آنها کافی است.^۳ (آیات عظام مظاهری، سبحانی، نوری همدانی، مکارم شیرازی، سیستانی)

صورت سوم: دستگاه مرتباً کار کند و با فاصله ذبح کند. باید برای هر کدام نام

جدید، ج ۲، ص ۴۱۲، س ۱۲۰۵ و ۱۲۰۸؛ نوری همدانی، استفتائات، بخش احکام ذبح، س ۸۱۵.

۱. سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۳۵، م ۱۲۷۴؛ مکارم شیرازی، استفتاءات جدید، ج ۱، ص ۲۷۸ و ۲۷۹، س ۹۷۳ و ۹۷۴.

۲. مظاهری، توضیح المسائل، ص ۳۹۰، م ۲۱۶۴؛ سبحانی، استفتائات، جلد: ۲، ص ۵۰۹، س ۱۶۱۴؛ نوری همدانی، استفتائات، بخش احکام ذبح، س ۸۲۱؛ مکارم شیرازی، استفتاءات جدید، ج ۱، ص ۲۷۹، س ۹۷۸ و ۹۷۳؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۳۴، م ۱۲۷۰.

۳. همان ها.

خدا تکرار شود.^۱ (آیات عظام مظاهری، سبحانی، نوری همدانی، مکارم شیرازی، سیستانی)

صورت چهارم: دستگاه مرتباً کار کند و به صورت پیاپی بدون فاصله ذبح کند.
قول اول: باید «بِسْمِ اللَّهِ» را به نیت آنها به اندازه‌های تکرار کند که متصل بودن عرفی زمان ذبح هر یک از آنها با گفتن «بِسْمِ اللَّهِ» رعایت شود.^۲ (آیات عظام سیستانی، مظاهری، سبحانی، نوری همدانی)

قول دوم: اگر ماشین مرتباً کار می‌کند، احتیاط واجب آن است که مرتباً نام خدا را تکرار کنند، هر چند همراه یک بسم الله چندین حیوان ذبح شود.^۳ (آیت الله مکارم شیرازی)

ب) قطع برق

قول اول: در ذبح با دستگاه‌های جدید که یک نفر کلید دستگاه را می‌زند و می‌رود، اگر به سبب قطع برق، دستگاه به کار نیفتد و پس از مدتی دستگاه روشن شود و به طور اتوماتیک حیوانات آماده را ذبح کند، در صورتی که جهات شرعی دیگر رعایت شود، مانعی ندارد.^۴ (آیت الله مکارم شیرازی)

قول دوم: اگر به سبب قطع برق دستگاه به کار نیفتد و پس از مدتی با آمدن برق دستگاه روشن شود و حیوانات آماده را ذبح کند، ذبح صحیح نیست.^۵ (سیستانی)

۱. همان‌ها.

۲. سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۳۴، م ۱۲۷۰؛ مظاهری، توضیح المسائل، ص ۳۹۰، م ۲۱۶۴؛ سبحانی، استفتائات، ج ۲، ص ۵۰۹، س ۱۶۱۴؛ نوری همدانی، استفتائات،

بخش احکام ذبح، س ۸۲۱.

۳. مکارم شیرازی، استفتاءات جدید، ج ۱، ص ۲۷۹، س ۹۷۸ و ۹۷۳.

۴. مکارم شیرازی، استفتاءات جدید، ج ۲، ص ۴۱۵ و ۴۱۶، س ۱۲۲۵.

۵. سایت دفتر آیت الله سیستانی، بخش احکام ذبح، س ۲۱.

خلاصه

شرط ذکر نام خدا

- ۱ - ذابح هنگام ذبح به نیت ذبح شرعی، باید نام خداوند متعال را بر زبان جاری کند.
- ۲ - در ذکر نام خدا معیار صدق اسم خدا در هنگام ذبح می باشد. از این رو اکتفا کردن به اسم شریف «الله» مورد اختلاف فقهاست .
- ۳ - ذکر نام خدا با سایر اسمای الهی مانند رحمن و باری و ... جایز است
- ۴ - بردن نام خدا در ذبح، به زبان فارسی یا هر زبان دیگر نیز جایز است، هر چند خلاف احتیاط می باشد.
- ۵ - همه مراجع صرف عبور نام خدا از قلب را کافی نمی دانند.
- ۶ - برای هر حیوان جداگانه باید «بِسْمِ اللَّهِ» بگوید؛ مگر آنکه چند حیوان را همزمان ذبح کنند که در این صورت یک «بِسْمِ اللَّهِ» به نیت همه آنها کافی است.

پرسش‌ها

- ۱- چگونگی ذکر های نام خدا را در ذبح توضیح دهید.
- ۲- ذکر نام خدا به زبان فارسی یا زبان های دیگر چه حکمی دارد؟
- ۳ - کیفیت ذکر نام خدا را در ذبح با دستگاه توضیح دهید.

درس دهم

ذکر نام خدا (۲)

اهداف درس

- از خواننده گرامی انتظار می رود، پس از فراگیری این درس:
- ۱- حکم ترک ذکر نام خدا در حالت‌های مختلف را بداند.
 - ۲- چگونگی ذکر نام خدا در افراد لال را بیاموزد.
 - ۳- کیفیت ذکر نام خدا در ذبح دو یا چند نفره را فرا گیرد.
 - ۴- بداند که ذکر نام خدا در ذبح باید به قصد همان ذبح باشد.

مقدمه

با بررسی آیات قرآن کریم، مانند «و از آنچه نام خدا بر آن برده نشده، نخورید! این کار گناه است.»^۱، «پس شما مؤمنان چنانچه به آیات خدا ایمان دارید از آنچه نام خدا بر آن ذکر شده تناول کنید.»^۲ یا «پس هنگام ذبح آنها (شتران) تا بر پا ایستاده اند نام خدا را یاد کنید.»^۳ و آیات دیگر که پیام مشترک آنها این است: اگر عمداً نام خدا را هنگام ذبح نبرد، ذبیحه به منزله مردار خواهد بود و خوردن آن حلال نیست؛ از این رو به احکام آن پرداخته خواهد شد.

۱. «وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ إِنَّهُ لَفُسُقٌ» سوره انعام، آیه ۱۲۱.

۲. «فَكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ بِآيَاتِهِ مُؤْمِنِينَ» سوره انعام، آیه ۳۲.

۳. «فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافٍ» سوره حج، آیه ۳۶.

ترک ذکر نام خدا

اول - از روی جهل

الف (جهل به حکم^۱)

قول اول: اگر ذابح، هنگام ذبح عمداً نام خداوند متعال را نبرد یا از روی ندانستن مسئله - چه جاهل مقصر باشد و چه جاهل قاصر - نام خداوند متعال را نبرد، ذبح شرعی محقق نمی‌شود و ذبیحه حرام است.^۲ (آیات عظام امام خمینی، خویی، خامنه-ای، سیستانی، مکارم شیرازی، وحید خراسانی)

قول دوم: در صورتی که از روی ندانستن مسئله باشد، اشکال ندارد.^۳ (آیت الله

مظاهری)

ب (جهل به موضوع^۴)

قول اول: ترک ذکر نام خدا از روی جهل، باعث حرمت ذبیحه می‌شود.^۵ (

۱ . جهل به حکم؛ یعنی نمی‌داند که هنگام ذبح بسم الله را باید بگوید.

۲ . امام خمینی، تحریرالوسیله، القول فی الذبائح، ج ۲، ص ۱۴۸، م ۱۱؛ خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۳۸، م ۱۶۵۳؛ سایت leader.ir، پرسش شماره ۵۱۲۲۱، موضوع: شکار و ذبح حیوانات؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۷۸، م ۸۴۳؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۳۳، مسئله ۱۲۶۸؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۸۵، م ۱۶۵۳؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۴۳، م ۲۶۰۳؛ مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۲۵ . م ۲۲۲۳.

۳ . مظاهری، توضیح المسائل، ص ۳۸۹، م ۲۱۵۵.

۴ . مثلاً می‌دانسته که ذکر نام خدا واجب است؛ ولی لفظی که گمان می‌کرده برای تسمیه کافی است، تسمیه بر آن صدق نمی‌کرد.

۵ . امام خمینی، تحریرالوسیله، القول فی الذبائح، ج ۲، ص ۱۴۸، م ۱۱؛ خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۳۸، م ۱۶۵۳؛ سایت leader.ir، پرسش شماره ۵۱۲۲۱، موضوع: شکار و ذبح حیوانات؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۷۸، م ۸۴۳؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۳۳، م ۱۲۶۸؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۸۵، م ۱۶۵۳؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۴۳، م ۲۶۰۳؛ مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۲۵، م ۲۲۲۳.

یعنی تفاوتی بین جهل به حکم و جهل به موضوع نیست) (همه مراجع به جز آیت الله مکارم شیرازی)

قول دوم: اگر قبلاً بوده محکوم به طهارت است و اشکالی ندارد، ولی از این به بعد عمداً این کار را نکند.^۱ (آیت الله مکارم شیرازی)

دوم - از روی فراموشی

در صورتی که از روی فراموشی نام خدا را نبرد، اشکال ندارد.^۲ (آیات عظام خویی، سیستانی، وحید خراسانی و آیت الله سبحانی؛ هرچند احتیاط مستحب است هر وقت یادش آمد نام خداوند متعال را ببرد.) (همه مراجع)

تسمیه حرام

مراد از تسمیه حرام این است که شخص حائض یا جنب بسم الله را به قصد سوره‌های سَجْدَه، فُصِّلَتْ، نَجْم و عَلَق که سجده واجب دارند، و خواندن آنها بر جُنُب و حائض حرام است، بر زبان جاری کند.

قول اول: تسمیه حرام کافی نیست، ولی به فتوای ما بر جنب و حائض تنها آیه سجده حرام است و بقیه سوره حرام نیست؛ هرچند احتیاط مستحب در ترک آن است.^۳ (آیت الله مکارم)

قول دوم: اگر شخص جنب و زن حائض بسم الله را به قصد خواندن یکی از

۱ . سایت دفتر آیت الله مکارم .

۲ . تحریرالوسیله، ج ۲، القول فی الذباحت، ص ۱۴۸، م ۱۱؛ توضیح المسائل (محشی) — امام خمینی، ج ۲، ص ۷۴۵، م ۲۵۹۴؛ رساله توضیح المسائل، آیت الله شبیری، ص ۵۴۳، م ۲۶۰۳؛ رساله توضیح المسائل، آیت الله مکارم شیرازی، ص ۴۲۵، م ۲۲۲۳؛ توضیح المسائل، آیت الله نوری همدانی، ص ۲۸۲، م ۲۵۸۹؛ رساله توضیح المسائل، آیت الله مظاهری، م ۲۱۵۵ .

۳ . مکارم شیرازی، استفتاءات جدید، ج ۲، ص ۴۱۳، س ۱۲۰۹ .

سوره های سجده دار هنگام ذبح بگویند، کافی است.^۱ (آیت الله نوری همدانی)

ذکر نام خدا از روی استهزا^۲

تسمیه از روی تعجب و استهزا، در ذبح کفایت نمی کند^۳ (آیت الله نوری همدانی)

خطور ذکر در دل

با توجه به اینکه در مسائل قبل بیان شد، همه مراجع عظام فرموده اند که لازم است نام خدا را بگویند، می شود فهمید که همه مراجع به زبان جاری کردن تسمیه را لازم می دانند.^۴ (همه مراجع) از این رو برخی از فقها به این مسئله تصریح کرده اند: «بسم الله باید بر زبان جاری شود و عبور ذکر خدا در قلب کافی نمی باشد.»^۵ (آیت الله مکارم)

مباشرت ذابح در ذکر نام خدا

قول اول: در ذبح چنانچه غیر ذابح نام خداوند متعال را ببرد کافی نیست.^۶

۱. نوری همدانی، استفتائات، بخش احکام ذبح، ص ۸۲۵.
۲. این مسئله در فتوای بقیه مراجع ذکر نشده است.
۳. نوری همدانی، استفتائات، بخش احکام ذبح، ص ۸۲۴.
۴. توضیح المسائل (محشی - امام خمینی)، ج ۲، ص ۷۴۵، م ۲۵۹۴؛ امام خمینی، تحریر الوسیله، القول فی الذباحت، ج ۲، ص ۱۴۹، م ۱۱؛ خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۳۸، م ۱۶۵۰؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۸۵، م ۱۶۵۰؛ سبحانی، توضیح المسائل، ص ۴۸۶ و ۴۸۷، م ۲۲۴۹؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۴۳، م ۲۶۰۳؛ مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۳۱، م ۲۲۲۳؛ نوری همدانی، توضیح المسائل، ص ۲۸۲، م ۲۵۸۹؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۷۸، م ۸۴۳؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۳۳، م ۱۲۶۸؛ مظاهری، رساله توضیح المسائل، م ۲۱۵۵.
۵. مکارم شیرازی، استفتاءات جدید، ج ۲، ص ۴۱۳، س ۱۲۱۲.
۶. سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۳۳، م ۱۲۶۸؛ مکارم شیرازی، استفتائات جدید، ج ۱، ص ۲۷۷، س ۹۶۶.

(آیات عظام سیستانی، مکارم شیرازی)

قول دوم: ذبح و تسمیه را می‌تواند دو نفر عهده‌دار شود، به طوری که یک نفر تسمیه را بگوید و دیگری ذبح را انجام دهد و اشکالی ندارد. ^۱ (آیت الله نوری)

ذکر نام خدا توسط ضبط صوت

قول اول: ضبط بسم الله و پخش مکرر صدای آن به هنگام ذبح کفایت نمی‌کند. ^۲
(آیات عظام مقام معظم رهبری، مکارم شیرازی، سبحانی، سیستانی)
قول دوم: با رعایت اقتران اشکال ندارد. ^۳ (آیت الله نوری)

ذکر نام خدا از سوی لال

در مورد ذکر نام خدا از سوی افراد لال به دو سوال باید پاسخ داده شود.
سؤال اول: آیا ذبح حیوان توسط انسان لال که قادر به ذکر نام خدا نیست، صحیح است؟

قول اول: ذبح حیوان به دست انسان لال جایز است. ^۴ (آیات عظام خویی، وحید خراسانی، سیستانی، نوری همدانی)
قول دوم: در صورتی که دسترسی به افراد سالم نباشد، کافی است. ^۵ (آیت الله مکارم شیرازی)

۱. نوری همدانی، استفتانات، بخش احکام ذبح، س ۸۲۲.

۲. سایت leader.ir، پرسش شماره ۳۱۹۴۷، موضوع: شکار و ذبح حیوانات؛ آیت الله مکارم استفتاءات جدید، ج ۱، ص ۲۷۹، س ۹۷۶؛ ج ۲، ص ۴۱۳، س ۱۲۱۲؛ آیت الله سبحانی استفتاءات، ج ۳، ص ۵۰۷، س ۱۵۶۰؛ سایت دفتر آیت الله سیستانی، بخش احکام ذبح، سوال ۱۸.

۳. نوری همدانی، استفتانات، بخش احکام ذبح، س ۸۲۰.

۴. خویی، منهج الصالحین، ج ۲، ص ۳۳۸، م ۱۶۵۵؛ سیستانی، منهج الصالحین، ج ۳، ص ۲۷۸، م ۸۴۵؛ وحید خراسانی، منهج الصالحین، ج ۳، ص ۳۸۵ و ۳۸۶، م ۱۶۵۵؛ نوری همدانی، استفتانات، بخش احکام ذبح، س ۸۲۸.

۵. مکارم شیرازی، استفتاءات جدید، ج ۲، ص ۴۱۲، س ۱۲۰۴.

سؤال دوم - ذکر نام خدا در فرد لال به چه صورت باید باشد؟

تسمیه افراد لال به این صورت است که زبان و لبهای خود را همانند کسی که ذکر نام خدا را تلفظ می‌کند، حرکت دهد و با انگشت هم به آسمان اشاره کند.^۱ (آیت الله سیستانی: این نحو تسمیه که در بالا اشاره شد) در باره کسی است که از ابتدا لال بوده، ولی کسی که به جهتی لال شده، در حالی که به لفظ آن ملتفت است، باید هر مقدار از تسمیه را که می‌تواند، به زبان بیاورد، و در صورت ناتوانی، در حالی که تسمیه را به قلبش بطور می‌دهد، زبان و لبهایش را حرکت دهد و با انگشتش به سمت آسمان اشاره کند. این کار باید به گونه‌ای باشد که گویا توان گفتن تسمیه را دارد. در صورت ناتوانی از این کار به هر نحو که این کار را انجام دهد، کفایت می‌کند.^۲ (آیات عظام خویی، وحید خراسانی، سیستانی)

ذبح توسط افراد متعدد

اگر دو نفر به اتفاق هم یا یکی پس از دیگری، اقدام به ذبح شرعی حیوان (بریدن اعضای چهارگانه که در درس شانزدهم بیان می‌شود) نمایند؛ مثلاً یکی از آن دو، «مری» و «نای» را بریده و دیگری «دو شاه‌رگ» را قطع نماید، لازم است هر یک از آن دو نام خداوند متعال را ببرند. لذا اگر هر کدام نیمی از تسمیه را بگویند یا یکی بگوید و دیگری نگوید، حلال نیست.^۳ (آیات عظام سیستانی، مکارم شیرازی)

اعتقاد ذابح به واجب بودن ذکر نام خدا

اعتقاد داشتن ذبح کننده به وجوب بردن نام خدا در وقت ذبح شرط نیست، بلکه کسی که به وجوب این کار اعتقاد ندارد، اگر به قصد ذبح نام خدا را ببرد، کفایت

۱. خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۳۸، م ۱۶۵۵؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۷۸، م ۸۴۵؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۸۵ و ۳۸۶، م ۱۶۵۵.
۲. سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۷۸، م ۸۴۵.
۳. سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۳۴، م ۱۲۷۱؛ مکارم شیرازی، استفتاءات جدید، ج ۲، ص ۴۰۸، س ۱۱۸۴ و ۱۲۰۲.

می‌کند. ^۱ (آیات عظام خویی، سیستانی، وحید خراسانی)

قصه ذبح در هنگام بردن نام خدا

فردی که می‌خواهد حیوان را ذبح نماید، باید به نیت و قصد ذبح شرعی، «نام خداوند متعال» را ببرد و اگر بدون قصد سربریدن، نام خدا را ببرد، حیوان حلال نمی‌شود.^۲ (همه مراجع)

قصه ذبح حیوانی و ذبح حیوان دیگر

اگر به قصد ذبح مرغی تسمیه را بگویید، ولی گوسفندی را ذبح کند، کافی است؟
قول اول: اگر تسمیه را برای یک حیوان بگویید، ولی حیوان دیگری را ذبح نماید، کافی نیست، و ذبحش صحیح نمی‌باشد. (آیات عظام خامنه‌ای، سبحانی؛ اگر قصدش سربریدن این ذبیحه مورد نظر باشد، ولی در اسم آن اشتباه کرده باشد، اشکال ندارد و ذبح صحیح است.)^۳ (آیات عظام خامنه‌ای، سبحانی، مکارم شیرازی، نوری همدانی)
قول دوم: اگر تسمیه را برای یک حیوان بگویید، ولی حیوان دیگری را ذبح

۱. خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۳۵، م ۱۶۳۷؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۷۸، م ۸۴۴؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۸۲، م ۱۶۳۷.
 ۲. توضیح المسائل (محشی- امام خمینی)، ج ۲، ص ۷۴۵، م ۲۵۹۴؛ امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، القول فی الذباحت، ص ۱۴۹ م ۱۱؛ خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۳۸، م ۱۶۵۴؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۸۵، م ۱۶۵۴؛ وحید خراسانی، توضیح المسائل، ص ۵۰۵، م ۲۶۵۸؛ سبحانی، توضیح المسائل، ص ۴۸۷، م ۲۲۴۹؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۴۳، م ۲۶۰۳؛ مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۲۵، م ۲۲۲۳؛ نوری همدانی، توضیح المسائل، ص ۲۸۲، م ۲۵۸۹؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۷۸، م ۸۴۴؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۳۳، م ۱۲۶۸.
 ۳. مکارم شیرازی، استفتاءات جدید، ج ۲، ص ۴۱۲، س ۱۲۰۷؛ نوری همدانی، استفتاءات، س ۸۱۹؛ خامنه‌ای، استفتاءات مرکز ملی پاسخگویی؛ سبحانی، استفتاءات مرکز ملی پاسخگویی، ش ۸۲۷۸.

نماید، کفایت می کند.^۱ (آیات عظام سیستانی، شبیری زنجانی)

خلاصه

ترک ذکر نام خدا

- ۱ - ترک عمدی: ذبح شرعی محقق نمی شود و حرام است.
- ۲ - از روی ندانستن مسئله: ذبح شرعی محقق نمی شود.
- ۳ - از روی فراموشی: اشکال ندارد، هرچند بهتر است هر وقت یادش آمد نام خداوند متعال را ببرد.

فروع فقهی

- ۱ - در ذبح، کسی که سر حیوان را می برد، باید نام خدا را ببرد، و بردن نام خدا توسط دیگران (غیر ذابح) فایده ای ندارد. گر چه برخی از فقها ذکر نام خدا از غیر ذابح را کافی می دانند.
- ۲ - ذکر نام خدا توسط ضبط صوت، و پخش آن به هنگام ذبح کفایت نمی کند.
- ۳ - ذبح حیوان به دست انسان لال جایز است. ذکر نام خدا از سوی افراد لال به این صورت است که زبان و لب های خود را همانند کسی که نام خدا را تلفظ می کند، حرکت دهد و با انگشت هم به آسمان اشاره کند. گر چه برخی از فقها قائلند با وجود دیگران، آنها ذبح نکنند.
- ۴ - اگر دو نفر به اتفاق هم یا یکی پس از دیگری، اقدام به ذبح شرعی حیوان نمایند، مثلاً یکی از آن دو، «مری» و «نای» را بریده و دیگری «دو شاهرگ» را قطع نماید، لازم است هر یک از آن دو نام خداوند متعال را ببرد.
- ۵ - اعتقاد داشتن ذبح کننده به وجوب ذکر نام خدا در وقت ذبح لازم نیست،

۱ . سیستانی، استفتائات مرکز ملی پاسخگویی. شبیری زنجانی، استفتائات مرکز ملی پاسخگویی، ش ۹۷۴۱/۹.

بلکه اگر به قصد ذبح نام خدا را ببرد، کفایت می کند.
۶ - فردی که می خواهد حیوان را ذبح نماید، به نیت و قصد ذبح شرعی، «نام خداوند متعال» را ببرد، و اگر بدون قصد سربریدن، نام خدا را ببرد، حیوان حلال نمی شود.

پرسش ها

- ۱ - حکم ترک ذکر نام خدا در صورت عمد و جهل و فراموشی را بیان فرمایید.
- ۲ - پخش نام خدا از طریق ضبط صوت یا گوشی همراه و امثال آن برای ذبح حیوان چه حکمی دارد؟
- ۳ - حکم ذکر نام خدا توسط غیر ذابح را بیان فرمایید.
- ۴ - شرایط ذکر نام خدا در افراد لال را توضیح دهید.
- ۵ - بردن نام خدا در ذبح چند حیوان چگونه است؟
- ۶ - چگونگی ذکر نام خدا در ذبح دو نفر روی یک حیوان را توضیح دهید.
- ۷ - ذکر نام خدا در هنگام ذبح، اگر به قصد ذبح نباشد، چه حکمی دارد؟

درس یازدهم

استقبال

اهداف درس

- از خوانندگان گرامی انتظار می رود، پس از فراگیری این درس:
- ۱ - رو به قبله بودن حیوان در حالات مختلف را برای ذبح بدانند.
 - ۲ - با حکم رعایت نکردن استقبال در صورت‌های مختلف حیوان آشنا شوند.
 - ۳ - حکم صورت ناتوانی (اضطرار) از روبه قبله کردن حیوان را فرا گیرند.
 - ۴ - حکم ذبیحه فرقه‌های اسلامی که استقبال را در ذبح شرط نمی‌دانند، توضیح دهند.

مقدمه

از جمله شرایطی که در حلیت ذبیحه عنوان شده، رو به قبله بودن ذبیحه است. در روایات مستفیضه که برخی از آنها از نظر سند و دلالت تمامند به این امر تصریح شده است؛ به طور مثال در روایت صحیح، محمد بن مسلم می‌گوید از امام باقر(ع) در مورد ذبیحه سوال نمودم، فرمود: «ذبیحات را به سوی قبله، ذبح کن.»^۱

در این درس به این شرط و احکام مربوط به آن پرداخته خواهد شد.

۱ . مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي مَخْبُوبٍ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: «سَأَلْتُهُ عَنِ الذَّبِيحَةِ فَقَالَ اسْتَقْبِلْ بِذَبِيحَتِكَ الْقِبْلَةَ» . (وسائل الشيعة؛ شيخ حر عاملی، ج ۲۴، ص ۲۷)

قبله حیوان خوابیده

قول اول: حیوان در هنگام ذبح باید رو به قبله باشد؛ یعنی جای بریدن و قسمت جلوی بدن حیوان (گلو، دست، پا و شکم) رو به قبله باشد.^۱ (آیات عظام امام خمینی، خوبی، خامنه‌ای، وحید خراسانی، سبحانی، شبیری زنجانی، مکارم شیرازی، نوری همدانی)

قول دوم: اگر حیوان برطرف راست یا چپ خوابیده باشد، باید محلّ ذبح و شکم حیوان رو به قبله باشد، و لازم نیست پاها و دست‌ها و صورت آن حیوان رو به قبله باشد.^۲ (آیت الله سیستانی)

قول سوم: اگر خوابیده یا آویزان است، شکم و سینه او رو به قبله باشد.^۳ (آیت الله مظاهری)

قبله حیوان نشسته یا ایستاده

آیا ذبح حیوان در حالت ایستاده صحیح می باشد؟ (یعنی سر به سمت قبله است ولیکن مقادیم بدن به سمت زمین است)

قول اول: با رعایت شروط ذبح شرعی از جمله رو به قبله بودن حیوان، اشکالی

۱. توضیح المسائل (محتسبی — امام خمینی)، ج ۲، ص ۷۴۵، م ۲۵۹۴؛ امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۲، القول فی الذباحت، ص ۱۴۸، م ۱۱؛ خوبی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۳۸، م ۱۶۵۰؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۸۵، م ۱۶۵۰؛ سبحانی، توضیح المسائل، ص ۴۸۶ و ۴۸۷، م ۲۲۴۹؛ شبیری، رساله توضیح المسائل، ص ۵۴۳، م ۲۶۰۳؛ مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۲۵، م ۲۲۲۳؛ نوری همدانی، توضیح المسائل، ص ۲۸۲، م ۲۵۸۹؛ سایت leader.ir، دفتر مقام معظم رهبری، پرسش شماره ۲۷۰۰۱، موضوع: شکار و ذبح حیوانات.

۲. سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۷۸، م ۸۴۳؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۳۲، م ۱۲۶۵.

۳. مظاهری، رساله توضیح المسائل، م ۲۱۵۵.

ندارد و همین که در این حال بگویند عرفاً روبه قبله است کافی است^۱ (آیات عظام خویی، وحید خراسانی، سیستانی، شبیری زنجانی)

قول دوم: ذبح گاو و گوسفند به صورت ایستاده صحیح نیست، مگر اینکه راه دیگری نباشد.^۲ (آیات عظام خامنه‌ای، مظاهری، مکارم، سبحانی)

قبله حیوان آویزان

اگر حیوان به صورت آویزان از طرف سر یا پا ذبح می‌شود (مثل مرغ)، باید جلوی بدنش (مثل سینه و شکم) رو به قبله باشد.^۳ (آیت الله سیستانی، آیت الله مظاهری)

حکم رعایت نکردن عمدی قبله

کسی که می‌داند حیوان را باید رو به قبله سر ببرد، اگر عمداً آن را رو به قبله نکند، حیوان حرام می‌شود.^۴ (همه مراجع)

۱. خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۳۸، م ۱۶۵۳؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۸۵، م ۱۶۵۳؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۷۸، م ۸۴۳؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۳۲، م ۱۲۶۵؛ سیستانی، استفتانات مرکز ملی پاسخگویی، ش ۱۲۱۲؛ شبیری زنجانی، استفتانات مرکز ملی پاسخگویی، ش ۱۲۱۰۹.

۲. سایت leader.ir، دفتر مقام معظم رهبری، پرسش شماره ۲۷۰۰۱، موضوع: شکار و ذبح حیوانات؛ مظاهری، رساله توضیح المسائل، م ۲۱۵۵؛ سبحانی، استفتانات، ج ۲، ص ۵۱۱، س ۱۶۱۹ و ۱۵۵۹؛ مکارم شیرازی، جامع المسائل (دفتر آیت الله مکارم شیرازی، موضوع ذبح)؛ خامنه‌ای، استفتانات مرکز ملی پاسخگویی، ش ۸۳۶۶۴۳؛ مکارم شیرازی، استفتانات مرکز ملی پاسخگویی، ش ۶۱۹۶۷۷.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۳۲، م ۱۲۶۵؛ مظاهری، رساله توضیح المسائل، م ۲۱۵۵.

۴. توضیح المسائل (محشی-امام خمینی)، ج ۲، ص ۵۷۳ م ۲۵۹۴؛ امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، القول فی الذبائح، ص ۱۴۸؛ خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۳۸، م ۱۶۵۰؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۸۵، م ۱۶۵۰؛ سبحانی، توضیح المسائل، ص ۴۸۶ و ۴۸۷، م ۲۲۴۹؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۴۳، م ۲۶۰۳؛ مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۲۵. م ۲۲۲۳؛ مظاهری، رساله توضیح المسائل، م ۲۱۵۵؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۳۲، م ۱۲۶۶؛ نوری همدانی، توضیح المسائل، ص ۲۸۲، م ۲۵۸۹.

مواردی که ترک قبله اشکال ندارد:

- در چند صورت رو به قبله نبودن حیوان اشکال ندارد و باعث حرمت ذبیحه نمی‌شود.
- (الف) رو به قبله کردن حیوان را فراموش کند.
- (ب) جهل به حکم داشته باشد. (مسئله را نداند)
- (ج) جهل به موضوع داشته باشد. (قبله را اشتباه کند یا نداند قبله کدام طرف است)
- (د) نتواند حیوان را رو به قبله کند. (حالت اضطرار)
- (ه) ذبیحه کسانی که معتقداند رو به قبله کردن لازم نیست، مانند بعضی از فرقه‌های اسلامی.
- تفصیل مطلب به شرح ذیل است:

۱. حکم رعایت نکردن قبله از روی جهل

الف (جهل به حکم

کسی که نمی‌داند حیوان را رو به قبله باید ذبح کند (مسئله را نداند) و حیوان را بر خلاف قبله ذبح کند، حلال است.^۱ (همه مراجع)

ب (جهل به موضوع (اشتباه در قبله / ندانستن قبله)

اگر قبله را اشتباه کند، و به اعتقاد اینکه حیوان رو به قبله است آن را ذبح کند و بعد معلوم شود که رو به قبله نبوده، اشکال ندارد، و حیوان حلال است.^۲ (همه مراجع)

۱. همان . سایت leader.ir، دفتر مقام معظم رهبری، پرسش شماره ۶۸۷۶۲ موضوع: شکار و ذبح حیوانات.

۲. همان .

۲. حکم رعایت نکردن قبله از روی فراموشی

اگر فراموش کند که حیوان را رو به قبله کرده و ذبح نماید، اشکال ندارد و گوشت حیوان حلال است.^۱ (همه مراجع)

۳. حکم رعایت نکردن قبله از روی ناتوانی و اضطرار

الف (ناتوانی در رو به قبله کردن

اگر فرد نتواند - هرچند با کمک دیگری - حیوان را رو به قبله کند، مانند اینکه حیوان چموش و سرکش باشد، یا در چاه یا چاله عمیقی افتاده و در معرض تلف باشد و ناچار باشد آن را ذبح کند، در این صورت به هر طرف ذبح کند، اشکال ندارد.^۲ (همه مراجع)

ب (به دلیل ترس از مرگ حیوان (تنگی وقت)

اگر وقت تنگ بوده و بترسد معطل شدن برای رو به قبله کردن حیوان، موجب مرگ آن شود، در این صورت به هر طرف ذبح کند، اشکال ندارد.^۳ (آیات عظام خوئی، وحید خراسانی، سیستانی)

۱. همان .

۲. توضیح المسائل (محشی - امام خمینی)، ج ۲، ص ۵۷۳ م ۲۵۹۴؛ تحریر الوسیله، ج ۲، القول فی الذبائح، ص ۱۴۸، م ۱۱؛ خوئی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۳۸، م ۱۶۵۰؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۸۵، م ۱۶۵۰؛ سبحانی، توضیح المسائل، ص ۴۸۶ و ۴۸۷، م ۲۲۴۹؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۴۳، م ۲۶۰۳؛ مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۲۵، م ۲۲۲۳؛ مظاهری، رساله توضیح المسائل، م ۲۱۵۵؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۳۲، م ۱۲۶۶؛ نوری همدانی، توضیح المسائل، ص ۲۸۲، م ۲۵۸۹؛ سایت leader.ir، دفتر مقام معظم رهبری، پرسش شماره ۱۷۲۴۰ موضوع: شکار و ذبح حیوانات .

۳. خوئی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۳۸، م ۱۶۵۲؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۸۵، م ۱۶۵۲؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۷۷، م ۸۴۱؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۳۲، م ۱۲۶۵.

۴. حکم ذبیحه کسی که رعایت قبله را لازم نمی داند

ذبیحه کسانی که معتقدند رو به قبله کردن لازم نیست، مانند بعضی از فرقه‌های اسلامی، اشکال ندارد و حلال است. بنابراین، اگر فرد مسلمانی که تابع یکی از این فرقه است، اقدام به ذبح حیوان نماید، برای تذکیر کافی است و ذبح شرعی محقق می‌شود.^۱ (آیات عظام امام خمینی، خامنه‌ای، سیستانی)

ملاک در انحراف از قبله

ملاک در رو به قبله بودن و انحراف از قبله، عرف است.^۲ (آیات عظام مکارم شیرازی، سبحانی)

خلاصه

استقبال حیوان در حالات مختلف

- ۱ - اگر حیوان به طرف راست یا چپ خوابیده باشد، باید محلّ ذبح و قسمت جلوی بدن حیوان (گلو و دست و پا و شکم) رو به قبله باشد.
- ۲ - در صورتی که حیوان را ایستاده ذبح یا نحر کنند باید سر و دست‌های حیوان رو به قبله باشد.
- ۳ - اگر حیوان آویزان است، باید جای بریدن و جلوی بدنش (مثل سینه و شکم) رو به قبله باشد.

۱. امام خمینی، استفتاءات، ج ۲، ص ۴۹۵، س ۶؛ سایت leader.ir، دفتر مقام معظم رهبری، پرسش شماره ۴۴۰۲۹، موضوع: شکار و ذبح حیوانات؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۳۲، م ۱۲۶۶.

۲. مکارم شیرازی، استفتاءات جدید، ج ۲، ص ۴۱۱، س ۱۱۹۶؛ سبحانی، استفتاءات، ج ۲، ص ۵۱۱، س ۱۶۲۱.

موارد صحت ذبح با ترک قبله

- الف) در صورتی که رو به قبله کردن حیوان را فراموش کند.
- ب) در صورت جهل به حکم (مسئله را نداند).
- ج) جهل به موضوع داشته باشد (قبله را اشتباه کند یا نداند قبله کدام طرف است).
- د) نتواند حیوان را رو به قبله کند.

چند مسئله

- ۱ - ذبیحه کسانی که معتقدند رو به قبله کردن حیوان در ذبح لازم نیست، مانند بعضی از فرقه‌های اسلامی، حلال است.
- ۲ - ملاک در انحراف از قبله به مقداری که بگویند رو به قبله نیست، عرف است.
- ۳ - رعایت قبله برای ذابح هنگام ذبح لازم نیست، ولی احتیاط مستحب است که رو به قبله باشد، و برخی از فقها فرموده‌اند، بنابر احتیاط واجب ذابح رو به قبله باشد.

پرسش‌ها

- ۱ - حکم رو به قبله نکردن عمدی و سهوی حیوان را بیان فرمایید.
- ۲ - رو به قبله نکردن حیوان از روی جهل چه حکمی دارد؟
- ۳ - چه مقدار انحراف از قبله هنگام ذبح باعث حرمت حیوان می‌شود؟
- ۴ - حکم ذابح نسبت به قبله در حین ذبح را بیان فرمایید.

درس دوازدهم

ابزار ذبح

اهداف درس

از خواننده گرامی انتظار می رود، پس از فراگیری این درس:

- ۱ - شرایط ابزار ذبح را بداند.
- ۲ - از حکم شرعی ذبح با دستگاه های صنعتی آگاه گردد.
- ۳ - حکم ذبح حیوانات با ابزار غیرآهنی را در وقت اضطرار و نیاز فوری به ذبح حیوان بداند.

مقدمه

از جمله مسائل مهم فقهی در باب ذبح حیوانات، مباحث مربوط به ابزار ذبح است که طبق فتوای فقها، ذبح با هر وسیله ای صحیح نیست بلکه ابزار مخصوص خود را می طلبد؛ از این رو ضرورت دارد که احکام ابزار ذبح را بدانیم.

شرایط ابزار ذبح

شرایط ابزار ذبح در دو حالت اختیار و اضطرار به شرح زیر است.

۱- در حالت اختیار و دسترسی به ابزار آهنی^۱

فقه‌ها در جواز استفاده از ابزار تیز ساخته شده از آهن، برای ذبح حیوانات، اتفاق نظر دارند، ولی در جواز ذبح با ابزار غیرآهنی از روی اختیار، اختلاف دارند.

اقوال در مسئله

قول اول: ذبح با ابزار غیرآهنی، اعم از استیل و غیر آن از روی اختیار جایز نیست و در این صورت حلال نمی‌شود.^۲ (آیات عظام امام خمینی، خویی، وحید خراسانی و نوری همدانی)

قول دوم: ذبح باید با ابزار آهنی باشد و بنابر احتیاط واجب با استیل از روی اختیار کافی نیست.^۳ (آیت الله سیستانی)

قول سوم: ذبح با ابزار آهنی و استیل مانعی ندارد؛ ولی با سایر ابزارها، اعم از فلزی و غیر آن از روی اختیار جایز نیست و حیوان در این صورت حلال نمی‌شود.^۴ (آیات عظام خامنه‌ای و سبحانی)

قول چهارم: ذبح حیوان با تمام ابزارهای فلزی متعارف برای بریدن، جایز می‌باشد؛ گرچه بهتر است که با آهن باشد؛ ولی با ابزار غیر فلزی از روی اختیار جایز

۱. قابل توجه است که مرکز موضوع شناسی فقهی، تحقیقی راجع به آهن بدون استیل انجام داده و معلوم شده که استیل نوعی آهن است، و فتوای برخی از فقهاء از جمله حضرات آیات عظام خامنه‌ای و سبحانی که فتوا به جواز ذبح با استیل داده اند، صحیح می‌باشد.

۲- امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۱۴۶؛ توضیح المسائل (امام خمینی)، ص ۵۴۴، م ۲۴۶۵؛ استفتائات (امام خمینی)، ج ۲، ص ۴۹۷، س ۱۰؛ خامنه‌ای، مناسک حج، ص ۴۷، م ۲۸۴؛ خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۳۵، م ۱۶۳۹؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۳۱، م ۱۲۶۱؛ منهاج الصالحین (سیستانی)، ج ۳، ص ۲۷۷، م ۸۴۰؛ وحید خراسانی، توضیح المسائل، ص ۵۳۷ و ۵۳۸، م ۲۶۵۸؛ منهاج الصالحین (وحید خراسانی)، ج ۳، ص ۳۸۲، م ۱۶۳۹؛ نوری همدانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۸۲، م ۲۵۸۹.

۳- سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۳۱، م ۱۲۶۲؛ منهاج الصالحین (سیستانی)، ج ۳، ص ۲۷۷، م ۸۴۰.

۴- خامنه‌ای، مناسک حج، ص ۴۷، م ۲۸۴؛ سبحانی، استفتائات، ج ۲، ص ۵۱۸، س ۱۵۷۴.

نیست.^۱ (آیات عظام مکارم شیرازی^۲ و شبیری زنجانی)

قول پنجم: ذبح با هر وسیله تیز که رگ ها را جدا کند کفایت می کند؛ ولی بهتر است که با آهن باشد.^۳ (آیت الله مظاهری)

۲- در حالت اضطرار

منظور از اضطرار این است که حیوان در معرض تلف باشد به طوری که اگر سرش را نبرند، می میرد.

اگر ابزار آهنی یافت نشود فتوای فقها در مورد استفاده از غیر آهن به شرح زیر است:

قول اول: اگر ابزار آهنی پیدا نشود و حیوان در معرض تلف باشد به طوری که اگر سر حیوان را نبرند، می میرد، در این صورت ذبح با هر وسیله تیزی که چهار رگ گردن حیوان را جدا کند، مانند شیشه و سنگ تیز جایز است.^۴ (آیات عظام امام خمینی، خامنه‌ای، سبحانی و نوری همدانی)

قول دوم: اگر آهن پیدا نشود، با چیز تیزی که چهار رگ آن را جدا کند مانند شیشه و سنگ تیز می شود سر آن را برید؛ ولی بنابر احتیاط واجب باید طوری باشد

۱- مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۲۵، م ۲۲۲۳؛ استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص ۴۱۰، س ۱۱۹۵؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۴۳، م ۲۶۰۳.

۲- آیت الله مکارم شیرازی، استفتائات، ج ۱، ص ۲۷۹، س ۹۷۵. ایشان به این مسئله هم پاسخ داده که اگر برای سرعت و سهولت و کند نشدن تیغ‌های چرخان دستگاه ذبح، براده و نرمه الماس را با چسب‌های مخصوص به لبه تیغ‌ها محکم بچسبانند به طوری که ذبح به وسیله الماس انجام شود نه با آهن یا فولاد، اگر چه آهن به فاصله تقریباً یک میلی‌متر عقب‌تر از الماس باشد، آیا ذبیحه در صورت عدم وجود اضطرار و داشتن فرصت و اختیار حلال است؟ جواب داده: اشکالی ندارد و حلال است.

۳- مظاهری، رساله توضیح المسائل، ص ۳۴۰، م ۲۱۵۵.

۴- امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۱۴۶؛ توضیح المسائل (امام خمینی)، ص ۵۴۴، م ۲۴۶۵؛ خامنه‌ای، سایت leader.ir، دفتر مقام معظم رهبری، پرسش شماره ۲۹۱۰۲، موضوع: شکار و ذبح حیوانات؛ سبحانی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۸۶، م ۲۲۴۹؛ نوری همدانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۸۲، م ۲۵۸۹.

که اگر سر حیوان را نبرند، می‌میرد، یا ضرورتی مقتضی سر بریدنش باشد.^۱ (آیت الله وحید خراسانی)

قول سوم: اگر آهن پیدا نشود ذبح با هر وسیله تیزی که چهار رگ گردن حیوان را جدا کند،

مانند شیشه و سنگ تیز جایز است؛ گرچه بنا بر اظهار حیوان در معرض تلف نباشد؛ ولی احتیاط^۲ آن است که ذبح با غیر آهن تنها در صورتی باشد که آهن یافت نشود و نیز حیوان هم در معرض تلف باشد یا ضرورتی مقتضی سر بریدنش باشد.^۳ (آیت الله خویی)

قول چهارم: اگر آهن پیدا نشود، احتیاط واجب آن است که ذبح با ابزار تیز ساخته شده از استیل انجام شود و اگر استیل یافت نشود می‌توان با هر شیء تیز حیوان را ذبح نمود؛ هر چند ضرورتی برای ذبح - مثل در معرض تلف بودن حیوان - وجود نداشته باشد.^۴ (آیت الله سیستانی)

قول پنجم: اگر ابزار فلزی متعارف برای بریدن پیدا نشود می‌توان با چیزهای تیز دیگر همچون شیشه و سنگ تیز که چهار رگ حیوان را جدا می‌کند، سر آن را برید.^۵ (آیات عظام مکارم شیرازی و شبیری زنجانی)

قول ششم: ذبح با هر وسیله تیز که رگ‌ها را جدا کند، کفایت می‌کند او فرقی بین حالت اختیار و اضطرار نیست.^۶ (آیت الله مظاهری)

۱- وحید خراسانی، توضیح المسائل، ص ۵۳۷ و ۵۳۸، م ۲۶۵۸؛ منهاج الصالحین (وحید خراسانی)، ج ۳، ص ۳۸۲، م ۱۶۳۹.

۲- البته آیت الله خویی در رساله توضیح المسائل طبق قول اول فتوا داده و نسبت به شرط اضطرار احتیاط مستحب ندارد. (خویی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۶۶، م ۲۶۰۳)

۳- خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۳۶، م ۱۶۳۹.

۴- سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۳۱، م ۱۲۶۳.

۵- شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۴۳، م ۲۶۰۳.

۶- مظاهری، رساله توضیح المسائل، ص ۳۴۰، م ۲۱۵۵.

ذبیح با دستگاه

حیوان را به دو صورت می‌توان ذبح کرد :

- ۱ - با ابزارهای معمولی و متعارف برای بریدن، مانند چاقو و کارد.
- ۲ - با دستگاه صنعتی که در این مورد اختلاف است:

قول اول: ذبح با دستگاه جایز نیست، پس حیوان در این صورت حلال نمی-

شود.^۱ (امام خمینی)

قول دوم: ذبح با دستگاه‌های امروزی اگر شرایط شرعی در آن جمع باشد،

اشکالی ندارد.^۲ (آیات عظام سیستانی، مکارم شیرازی، نوری همدانی، سبحانی، مظاهری)

وظیفه به هنگام شک در آهنی بودن ابزار

بنابر اینکه ذبح باید با ابزار آهنی انجام گیرد، احراز آهنی بودن آن لازم است و ذبح با کارد یا چاقویی که آهنی بودن آن معلوم نباشد، صحیح نیست.^۳ (آیات عظام امام خمینی و خامنه‌ای)

ذبیح با غیر آهن از روی سهو و خطا

اگر فردی به واسطه فراموشی یا جهالتی که نسبت به آن شرعاً معذور است یا از روی حجت شرعی - مانند شهادت دو مرد عادل (بینه) یا تقلید از مجتهد جامع‌الشرایطی که ذبح با غیر آهن را کافی می‌داند - با غیر ابزار آهنی حیوان را ذبح نماید، برای تذکیر کافی است و ذبح شرعی محقق می‌شود؛ مثل اینکه با اعتقاد به اینکه چاقویی

۱- امام خمینی، توضیح المسائل، ص ۶۱۶، م ۲۷۴۹.

۲- مکارم شیرازی، استفتاءات جدید، ج ۱ ص ۲۷۸، س ۹۶۹؛ نوری همدانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۸۳، م ۲۵۹۴؛ سبحانی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۸۷، م ۲۲۵۲؛ مظاهری، توضیح المسائل، ص ۳۴۱، م ۲۱۶۰؛ پایگاه اطلاع رسانی دفتر مرجع عالی قدر آقای سیدعلی حسینی سیستانی.

۳- امام خمینی، مناسک حج، ص ۲۷۰؛ خامنه‌ای، مناسک حج، ص ۴۷، م ۲۸۴؛

آهنی است حیوان را ذبح کند و بعد معلوم شود که چاقو غیرآهنی بوده است.^۱ (آیت الله سیستانی)

ذبح حیوان بدون بکارگیری ابزار

بدون به کارگیری ابزار مشروع در ذبح، مانند کندن سر گنجشک، حیوان حلال نمی‌شود.^۲

خلاصه

شرایط ابزار ذبح

اقوال در مسئله:

- ۱ - ذبح با ابزار غیرآهنی از روی اختیار جایز نیست.
- ۲ - ذبح با غیر آهن و استیل از روی اختیار کافی نیست. (خامنه ای و سبحانی)
- ۳ - ذبح با استیل از روی اختیار، بنابر احتیاط واجب کافی نیست. (سیستانی)
- ۴ - با تمام ابزارهای فلزی متعارف برای بریدن می‌توان ذبح کرد (مکارم شیرازی و شبیری زنجانی)
- ۵ - ذبح با هر وسیله تیز که رگ‌ها را جدا کند، کفایت می‌کند. (مظاهری)

ذبح با دستگاه

قول اول: جایز نیست (امام خمینی).

قول دوم: با رعایت سایر شرایط، جایز است. (سیستانی، مکارم شیرازی، نوری همدانی، سبحانی، مظاهری)

۱- سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۳۲، م ۱۲۶۴.

۲- مکارم شیرازی، استفتائات جدید، ج ۱، ص ۲۷۷، س ۹۶۸.

چند مسئله

- ۱ - بنابر لزوم استفاده از ابزار آهنی، در صورت شک، باید آهنی بودن ابزار احراز شود. (امام خمینی و خامنه‌ای)
- ۲ - ذبح با ابزار غیرآهنی از روی خطا و سهوی که نسبت به آن شرعاً معذور است، اشکال ندارد. (سیستانی)
- ۳ - ذبح با غیر ابزار مشروع، مانند کندن سر گنجشک با دست، کافی نیست.

پرسش‌ها

۱. شرایط ابزار ذبح به لحاظ جنس آن چیست؟
۲. فتوای فقها در مورد ذبح حیوانات با ابزار غیرآهنی را تشریح کنید.
۳. ذبح با دستگاه‌های صنعتی اتوماتیک چه حکمی دارد؟
۴. وظیفه به هنگام شک در آهنی بودن ابزار ذبح چیست؟

درس سیزدهم

حیات

اهداف درس

از خواننده گرامی انتظار می رود، پس از فراگیری این درس:

- ۱ - از فتاوای فقها در مورد لزوم شرط حیات حیوان و استقرار آن قبل از ذبح آگاه گردد.
- ۲ - وظیفه شرعی در مورد حیوان مشکوک الحیات را در موقع ذبح بداند.
- ۳ - با برخی فروع فقهی مربوط به شرط حیات حیوان آشنا شود.

مقدمه

حیات به معنای زیستن و زنده بودن، مقابل ممات است.^۱ بدون شک تذکیه شرعی بر حیوان مرده واقع نمی شود؛ از این رو، یکی از شروط صحت تذکیه شرعی، زنده بودن حیوان هنگام ذبح آن است. برای احراز زنده بودن حیوان در حال ذبح، نشانه‌هایی در متون فقهی ذکر شده که عبارتند از:

- ۱ - حرکت حیوان بعد از سر بریدن.
- ۲ - خروج خون به اندازه کافی و متعارف.^۲

۱- هاشمی شاهرودی، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ج ۳، ص ۳۸۸.
۲- امام خمینی، توضیح المسائل، ص ۴۶۵، م ۲۵۹۴؛ خوبی، توضیح المسائل، ص ۴۶۷، م ۲۶۰۳؛

اقوال در نشانه‌های حیات موقع ذبح

در مورد لزوم پیدایش هر دو نشانه یادشده یا کفایت یکی به نحو تخییر یا تعیین، اختلاف است. دو حالت در اینجا متصور است:

۱ - حیوان معلوم الحیات

اگر یقین به زنده بودن حیوان در حال ذبح باشد:

قول اول: وجود هیچ یک از دو نشانه لازم نیست.^۱ (آیات عظام امام خمینی،

مکارم شیرازی، شبیری زنجانی، سبحانی، نوری همدانی و مظاهری)

قول دوم: حرکت حیوان بعد از ذبح لازم نیست؛ ولی باید خون به اندازه معمول

از بدن حیوان خارج شود و خروج خون متعارف همیشه شرط لازم بر صحت ذبح است.^۲ (آیات عظام خویی، وحید خراسانی و سیستانی)

توضیح المسائل مراجع، ص ۵۶۸، م ۲۵۸۳؛ وحید خراسانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۳۸، م ۲۶۵۸؛ سیستانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۰۰، م ۲۶۱۱؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۴۳، م ۲۶۰۳؛ مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۲۵، م ۲۲۲۳؛ نوری همدانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۸۲، م ۲۵۸۹؛ سبحانی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۸۷، م ۲۲۴۹؛ مظاهری، رساله توضیح المسائل، ص ۳۴۱، م ۲۱۵۸.

۱- امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۱۵۹، کتاب الصيد و الذباحت، باب القول فی الذباحت، ص ۱۱؛ مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۳۱، م ۲۲۲۳؛ استفتانات (مکارم شیرازی)، ج ۲، ص ۴۱۴، س ۱۲۱۶؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۴۳، م ۲۶۰۳؛ نوری همدانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۸۲، م ۲۵۸۹؛ مظاهری، رساله توضیح المسائل، ص ۳۴۱، م ۲۱۵۸؛ سبحانی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۸۷، م ۲۲۴۹؛ استفتانات (سبحانی)، ج ۳، ص ۵۰۸، سؤال ۱۵۶۱.

۲- خویی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۶۷، م ۲۶۰۳؛ منهاج الصالحین (خویی)، ج ۲، ص ۳۳۹، م ۱۶۵۶؛ وحید خراسانی، توضیح المسائل، ص ۵۳۸، م ۲۶۵۸؛ منهاج الصالحین (وحید خراسانی)، ج ۳، ص ۱۶۵۶؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۳۴، م ۱۲۷۲.

۲- حیوان مشکوک الحیات

اگر یقین به زنده بودن حیوان در حال ذبح نباشد:

قول اول: بعد از سر بریدن، باید یکی از دو نشانه ظاهر گردد؛ یعنی باید حیوان حرکتی کند یا خون به اندازه متعارف از بدنش بیرون آید تا معلوم شود که زنده بوده است.^۱ (آیات عظام امام خمینی، خامنه‌ای، نوری همدانی)

قول دوم: باید حیوان بعد از سر بریدن حرکتی کند که معلوم شود زنده بوده است؛ ولی چنانچه حرکتی نداشت گرچه خون فراوانی هم از او بیرون آید، حلال نیست.^۲ (آیات عظام سبحانی و مظاهری)

قول سوم: در مورد حیوان مشکوک الحیات پیدایش دو نشانه، یکی در حدّ یقین و دیگری حداقل در حدّ احتمال، لازم است؛ پس اگر تنها خون تازه بسیار (متعارف) بیرون آید؛ ولی بداند^۳ که حیوان بعد از سر بریدن حرکتی نکرده، کفایت نمی‌کند. همچنین اگر حرکت حیوان را متوجه شود، ولی بداند که خون تازه بسیار بیرون نیامده، بنا بر احتیاط واجب کافی نیست؛ ولی اگر خون تازه بسیار بیرون آید و احتمال دهد که حیوان حرکتی کرده، یا حیوان حرکتی کرده و احتمال دهد که خون تازه بسیار بیرون آمده باشد، کفایت می‌کند.^۴ (آیت الله شبیری زنجانی)

قول چهارم: باید حیوان بعد از سر بریدن حرکتی کند که معلوم شود زنده بوده و احتیاط واجب آن است که خون به مقدار کافی از بدن حیوان بیرون آید.^۵ (آیت الله مکارم شیرازی)

۱- امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۵۹، باب القول فی الذبائح، م ۱۱؛ خامنه‌ای، سایت leader.ir، دفتر مقام معظم رهبری، پرسش شماره ۱۳۱۸۴، موضوع: شکار و ذبح حیوانات؛ نوری همدانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۸۲، م ۲۵۸۹.

۲- سبحانی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۸۷، م ۲۲۴۹؛ استفتائات (سبحانی)، ج ۳، ص ۵۰۸، س ۱۵۶۱؛ مظاهری، توضیح المسائل، ص ۳۴۱، م ۲۱۵۸.

۳- یعنی هیچ احتمال ندهد که حیوان بعد از سر بریدن حرکت کرده است.

۴- شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۴۳، م ۲۶۰۳.

۵- مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۲۵، م ۲۲۲۳؛ مکارم شیرازی، استفتائات، ج ۲، ص ۴۱۴، سؤال ۱۲۱۶.

قول پنجم: خروج خون به اندازه متعارف در هر صورت، شرط لازم برای صحت ذبح حیوان است؛ ولی در مورد حیوانی که زنده بودن او معلوم نیست، علاوه بر خروج خون متعارف، بعد از سر بریدن، باید حیوان مختصری حرکت کند؛ مثل آنکه چشم یا دم خود را حرکت دهد یا پای خود را به زمین زند که معلوم شود زنده بوده است.^۱ (آیات عظام خویی، وحید خراسانی و سیستانی)

فروع فقهی

۱- استقرار حیات حیوان قبل از ذبح

منظور از حیات مستقر این است که حیوان برای مدت قابل ملاحظه‌ای، یک روز یا حتی یک ساعت زنده بماند. صحت ذبح مشروط به چنین امری نیست، بلکه حیوان باید در حال ذبح زنده باشد.^۲ (همه مراجع)

۲- مقدار خروج خون بعد ذبح

خروج خون باید در حد معمول و متعارف با توجه به نوع حیوان باشد.^۳ (همه مراجع)

۱- خویی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۶۷، م ۲۶۰۳؛ منهاج الصالحین (خویی)، ج ۲، ص ۳۳۹، م ۱۶۵۶؛ وحید خراسانی، توضیح المسائل، ص ۵۳۸، م ۲۶۵۸؛ منهاج الصالحین (وحید خراسانی)، ج ۳، ص ۱۶۵۶؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۳۴، م ۱۲۷۲.

۲- سید روح الله خمینی، تحریر الوسیله، باب الذباحت، ج ۲، ص ۱۵۰، م ۱۴؛ سید ابوالقاسم خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۱۶۴۴؛

ناصر مکارم شیرازی، استفتاءات جدید، ج ۲، ص ۴۱۴، س ۱۲۱۴؛ سید علی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۲۸۱، م ۸۵۳؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۷۸، م ۱۶۴۴؛ حسین نوری همدانی، هزار و یک مسئله فقهی (استفتائات)، ج ۱، ص ۲۰۹، س ۸۳۸

۳- امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۵۹، باب القول فی الذباحت، م ۱۱؛ سید علی خامنه ای، سایت leader.ir، دفتر مقام معظم رهبری، پرسش شماره ۷۰۷۸۷، موضوع صید و ذباحت؛ خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۳۹، م ۱۶۵۶؛ رساله توضیح المسائل (خویی)، ص ۴۶۷، م ۲۶۰۳؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۸۰، م ۱۶۵۶؛ توضیح المسائل (وحید

لازم به تذکر است که طبق فتوای برخی مراجع عظام اگر خون به اندازه متعارف خارج نشود ذبح شرعی محقق نمی شود.^۱ (آیات عظام خویی، وحید خراسانی و سیستانی)

آیت الله سیستانی این را هم اضافه کرده که اگر حیوان پیش از سر بریدن خونریزی کند، در نتیجه به علت آن خروج خون به اندازه متعارف بیرون نیاید، اشکال ندارد.^۲

۳- مقدار حرکت

اگر در حدّ حرکت دادن چشم یا دم یا زدن پای خود بر زمین باشد، کافی است.^۳ (همه مراجع)

۴- انتساب خروج روح حیوان به ذبح

در این مسئله اختلاف است:

خراسانی)، ص ۵۳۸، م ۲۶۵۸؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۳۴، م ۱۲۷۲؛ منهج الصالحین (سیستانی)، ج ۳، ص ۲۸۰، م ۸۵۰؛ ناصر مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۳۱، م ۲۲۲۳؛ نوری همدانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۸۲، م ۲۵۸۹؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۴۳، م ۲۶۰۳.

۱- خویی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۶۷، م ۲۶۰۳؛ منهج الصالحین (خویی)، ج ۲، ص ۳۳۹، م ۱۶۵۶؛ وحید خراسانی، توضیح المسائل، ص ۵۳۸، م ۲۶۵۸؛ منهج الصالحین (وحید خراسانی)، ج ۳، ص ۱۶۵۶؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۳۴، م ۱۲۷۲.

۲- سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۳۴، م ۱۲۷۲؛ منهج الصالحین (سیستانی)، ج ۳، ص ۲۸۰، م ۸۵۰.

۳- امام خمینی، توضیح المسائل، ص ۴۶۵، م ۲۵۹۴؛ خویی، توضیح المسائل، ص ۴۶۷، م ۲۶۰۳؛ توضیح المسائل مراجع، ص ۵۶۸، م ۲۵۸۳؛ وحید خراسانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۳۸، م ۲۶۵۸؛ سیستانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۰۰، م ۲۶۱۱؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۴۳، م ۲۶۰۳؛ مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۲۵، م ۲۲۲۳؛ نوری همدانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۸۲، م ۲۵۸۹؛ سبحانی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۸۷، م ۲۲۴۹؛ مظاهری، رساله توضیح المسائل، ص ۳۴۱، م ۲۱۵۸.

قول اول: بعد از بریدن رگ‌ها و ذبح کامل، اگر حیوان دچار حادثه شود؛ مثلاً درحالی که هنوز زنده است از بلندی، پایین افتد و بعد از وارد شدن ضربه شدید به او بمیرد، اشکال ندارد و حلال است.^۱ (آیات عظام امام خمینی، خویی، سیستانی، وحید خراسانی، مکارم شیرازی)

قول دوم: خروج روح باید مستند به ذبح باشد.^۲ (آیت الله نوری همدانی)

۵- انتساب مردن حیوان به چند امر

در این مسئله اختلاف است:

قول اول: اگر ذابح شروع به ذبح حیوان کند و در همان حال کس دیگری شکم حیوان را بشکافد و اجزای داخل شکم حیوان را همزمان با ذبح در آورد، گوشت حیوان حلال می‌شود. همچنین هر عملی که موجب خروج روح از حیوان می‌شود اگر همزمان با ذبح انجام گیرد همین حکم را دارد؛ ولی بنا بر احتیاط مستحب شایسته است چنین کارهایی انجام نشود.^۳ (آیات عظام خویی، وحید خراسانی و سیستانی)

قول دوم: اگر همزمان با قطع رگ‌ها، شکم حیوان نیز دریده شود، اشکال دارد.^۴ (آیت الله نوری همدانی)

۶- شوک وارد کردن به حیوان پیش از ذبح

این مسئله از دو لحاظ قابل بررسی است:

۱. امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۱۶۰، باب القول فی الذباحه، م ۱۵؛ خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۳۷، م ۱۶۴۹؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۸۱، م ۸۵۵؛ مکارم شیرازی، استفتائات جدید، ج ۲، ص ۴۰۸، سوال ۱۱۷۹؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۶۷، م ۱۶۴۹.

۲. نوری همدانی، هزارو یک مسئله فقهی (استفتائات)، ج ۱، ص ۲۰۵، س ۸۰۹.

۳. سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۸۱، م ۸۵۴؛ خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۳۷، م ۱۶۴۵؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۸۴، م ۱۶۴۵.

۴. نوری همدانی، هزار و یک مسئله فقهی (استفتائات)، ج ۱، ص ۲۰۶، س ۸۱۴.

(الف) حکم تکلیفی: شوک وارد کردن و بی‌حس یا بی‌هوش کردن حیوان قبل از ذبح اگر موجب اذیت حیوان شود، تکلیفاً حرام است.^۱

(ب) حکم وضعی: اگر حیوان در حال ذبح زنده باشد، حلال است. بیان مراجع عظام در این مسئله چنین است:

- ۱- اگر حیوان در موقع ذبح جان داشته باشد، حلال می‌شود.^۲ (امام خمینی)
- ۲- اگر حیوان بعد از شوک و سست شدن، زنده بماند و ذبح شرعی بشود، حلال است؛ ولی چنانچه بعد از ذبح خون متعارف از بدن حیوان بیرون نیاید از خوردن خون‌های داخل بدن پرهیز شود.^۳ (آیت الله مکارم شیرازی)
- ۳- اگر مانند دام‌های دیگر که شوک بر آنها وارد نشده خون جهنده بیرون بیاید و دست و پا بزند که نشانه بقای حیات در حیوان است، حلال خواهد بود.^۴ (آیت الله سبحانی)
- ۴- اگر حیوان را قبل از ذبح، شوک دهند تا کمی بی‌حس شود و بعد سر او را به واسطه دست یا دستگاه ببرند، اشکال ندارد.^۵ (آیت الله مظاهری)
- ۵- در صورتی که شوک وارد کردن موجب از بین رفتن حیات طبیعی نشود، جایز است و خون باقی مانده، حکم خون ذبیحه را دارد.^۶ (آیت الله نوری همدانی)
- ۶- باید ذبیحه در هنگام ذبح جان داشته باشد و حرکتی مختصر از او صادر شود. البته در فرض بی‌هوشی اگر هیچ حرکتی از حیوان صادر نشود، ولی با خارج شدن خون متعادل، ذبح بر حیوان زنده انجام شده باشد، کافی است.^۷ (آیت الله خامنه‌ای)

۱- امام خمینی، استفتائات، ج ۲، ص ۴۹۵، باب ذبح حیوانات، س ۷؛ خامنه‌ای، سایت leader.ir، دفتر مقام معظم رهبری، پرسش شماره ۶۹۰۱۵، موضوع صید و ذباجه.

۲- امام خمینی، استفتائات، ج ۲، ص ۴۹۶، س ۷

۳- مکارم شیرازی، استفتائات جدید، ج ۱، ص ۲۸۰، س ۹۸۰ و ۹۸۱؛ ج ۲، ص ۴۱۴، س ۱۲۱۵.

۴- سبحانی، استفتاءات، ج ۳، ص ۵۰۸، س ۱۵۶۳.

۵- مظاهری، توضیح المسائل، ص ۳۴۱، م ۲۱۶۱.

۶- نوری همدانی، کتابخانه هزارویک مسئله فقهی (استفتائات)، ج ۲، ص ۲۰۱، س ۷۱۱.

۷- خامنه‌ای، سایت leader.ir، دفتر مقام معظم رهبری، پرسش شماره ۶۹۰۱۵، موضوع صید

خلاصه

نشانه های حیات

- ۱ - حرکت حیوان بعد از ذبح.
- ۲ - خروج خون متعارف.

معلوم الحیات

- ۱ - پیدایش هیچ یک از دو نشانه حیات شرط نیست. (امام خمینی، مکارم شیرازی، شبیری زنجانی، سبحانی، نوری همدانی و مظاهری)
- ۲ - حرکت حیوان شرط نیست؛ ولی خروج خون متعارف واجب است. (خویی، وحید خراسانی، سیستانی).

مشکوک الحیات

- ۱ - باید یکی از دو نشانه حیات بعد از ذبح ظاهر گردد که معلوم شود حیوان زنده بوده است. (امام خمینی، خامنه ای و نوری همدانی)
- ۲ - بعد از ذبح باید حیوان حرکتی کند که معلوم شود زنده بوده است. (سبحانی و مظاهری)
- ۳ - باید خون متعارف از بدن حیوان خارج شود و یقین به مرده بودن نداشته باشد. (شبیری زنجانی)
- ۴ - پیدایش هر دو نشانه در مورد حیوان مشکوک الحیات بعد از ذبح لازم است. (خویی، وحید خراسانی، سیستانی)
- ۵ - باید بعد از ذبح، حیوان حرکتی کند و به احتیاط واجب خون به اندازه متعارف بیرون آید. (مکارم شیرازی)

فروعاً فقہی

- ۱ - استقرار حیات شرط صحت ذبح نیست.
- ۲ - مقدار خروج خون باید در حد متعارف باشد.
- ۳ - در صحت ذبح، علم به منتسب بودن خروج روح به ذبح شرط نیست.
- ۴ - حیوانی که شوک برقی بر او وارد شده، اگر زنده بماند، ذبحش صحیح است.

پرسش‌ها

- ۱ - منظور از استقرار حیات چیست و حکم شرطیت آن را بیان کنید.
- ۲ - علایم حیات کدام است؟
- ۳ - فتاویٰ فقہا در مورد ذبح حیوان معلوم الحیات و مشکوک الحیات را توضیح دهید.
- ۴ - ذبح حیوانی که بر او شوک وارد شده چه حکمی دارد؟

درس چهاردهم

قطع اوداج

اهداف درس

از خواننده گرامی انتظار می رود، پس از فراگیری این درس:

- ۱ - با مفهوم اوداج اربعه آشنا گردد.
- ۲ - فتوای فقها در مورد روش قطع اوداج را بداند.
- ۳ - با فتوای فقها نسبت به مواردی از اوداج اربعه که قطعش واجب است، آشنا گردد.
- ۴ - حکم شرط رعایت موالات در قطع اوداج اربعه را بداند.

مقدمه

قطع اوداج محوری ترین شرط ذبح شرعی است. اینکه برای تحقق ذبح و تذکیه شرعی حیوان کدام رگ های زیر گلو باید بریده شود و بریدن آنها به چه اندازه لازم است، پرسش هایی اساسی است که فقهای عظام به آنها پاسخ داده اند که در ادامه با آنها آشنا می شویم.

مفهوم شناسی اوداج اربعه

قبل از ورود به مباحث اصلی مناسب است به مفهوم لغوی و اصطلاحی «اوداج» اشاره شود. واژه «اوداج» جمع «وَدَج» در لغت به این معنا آمده است: «عِرْقٌ مُتَّصِلٌ مِنْ

الرَّأْسِ إِلَى السَّخْرِ؛ رگی است که از سر تا ریه و گلو امتداد دارد.^۱

اما در اصطلاح فقهی، منظور این اعضای حیوان است:

۱ - «حلقوم»، مجرای تنفس حیوان؛

۲ - «مری»، مجرای آب و غذای حیوان؛

۳ - «دو رگ» ضخیم که گلو و مری را احاطه نموده‌اند.^۲

روش شرعی ذبح

ذبح شرعی با بریدن کامل چهار رگ «حلقوم»، «مری» و «دو رگ بزرگ گردن» با رعایت سایر شرایط به اتفاق همه فقها محقق می‌شود؛ اما در کفایت بریدن بعضی از این چهار رگ اختلاف است.

اقوال در مسئله:

قول اول: باید چهار رگ گردن از پایین برآمدگی زیر گلو به طور کامل بریده شود و شکافتن آنها کافی نیست.^۳ (آیات عظام امام خمینی، خوبی، وحید خراسانی، شبیری زنجانی، نوری همدانی)

قول دوم: باید چهار رگ گردن از پایین برآمدگی زیر گلو به طور کامل بریده شود.^۴ ملاک هم در قطع اوداج صدق عرفی است. بر این اساس، اگر در مثل کشتارگاه

۱- فراهیدی، کتاب العین، ج ۶، ص ۱۶۹؛ صاحب بن عباد، کافی الکفاه، اسماعیل بن عباد، المحيط فی اللغة، ج ۷، ص ۱۵۹.

۲- هاشمی شاهرودی، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام؛ ج ۱، ص ۷۱۵.

۳- امام خمینی، توضیح المسائل، ص ۵۴۳، م ۲۴۶۲؛ استفتائات (امام خمینی)، ج ۲، ص ۴۹۵، س ۴؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۵۷۱، م ۲۵۹۲؛ خوبی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۶۵، م ۲۶۰۰؛ منهاج الصالحین (خوبی)، ج ۲، ص ۳۳۶، م ۱۶۴۰؛ وحید خراسانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۳۷، م ۲۶۵۵؛ منهاج الصالحین (وحید خراسانی)، ج ۳، ص ۳۳۷، م ۱۶۴۰؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۴۲، م ۲۶۰۰؛ نوری همدانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۸۱، م ۲۵۸۶.

۴- سبحانی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۸۶، م ۲۲۴۶.

مرغ به دلیل سرعت خط کشتار و کوچک بودن گردن مرغ گاهی به اندازه یک نخ از مری قطع نشود، با این فرض که بخش اعظم مری قطع شده و به مقدار یک نخ باقی مانده است، عرفاً به آن قطع صدق می‌کند.^۱ (آیت الله سبحانی)

قول سوم: دستور سربردن حیوان این است که چهار رگ به طور کامل بریده شود و به احتیاط واجب شکافتن رگ‌های چهارگانه یا بردن حلقوم به تنهایی کافی نیست.^۲ (آیت الله سیستانی)

قول چهارم: اگر حلقوم و دو رگ بزرگ گردن بریده شود، کافی است؛ ولی احتیاط بردن چهار رگ است.^۳ (آیت الله مکارم شیرازی)

فروع فقهی:

۱ - حکم موالات در بردن اوداج

قول اول: موالات در ذبح واجب است؛ به اینکه بین بردن اوداج به قدری فاصله نشود که از متعارف و عادت خارج گردد و با این فاصله عرفاً یک عمل محسوب نشود.^۴ (آیات عظام امام خمینی و سبحانی)

قول دوم: بنا بر احتیاط واجب اگر چهار رگ را پیش از جان دادن حیوان ببرند ولی بردن آنها به طور معمول پشت سر هم نباشد، حلال و پاک نمی‌شود.^۵ (آیات

۱- سبحانی، استفتاءات، ج ۳، ص ۵۰۸، س ۱۵۶۲.

۲- سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۷۹، م ۸۴۶؛ توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۲۸، ۱۲۵۱؛ رساله توضیح المسائل، ص ۴۹۸، م ۲۶۰۸.

۳- مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۳۰، م ۲۲۲۰؛ استفتاءات جدید؛ ج ۲، ص ۴۰۷، س ۱۱۷۷.

۴- امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۵۶، باب القول فی الذباحت، م ۴؛ سبحانی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۸۶، م ۲۲۴۷.

۵- خامنه ای، سایت leader.ir، دفتر مقام معظم رهبری، پرسش شماره ۶۶۶۶۲، موضوع: صید و ذباحت؛ وحید خراسانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۳۷، م ۲۶۵۶؛ مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۳۰، م ۲۲۲۱؛ استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص ۴۰۷، س ۱۱۷۶؛

عظام امام خامنه‌ای، وحید خراسانی، مکارم شیرازی و نوری همدانی)

قول سوم: اگر چهار رگ را پیش از جان دادن حیوان ببرند، هر چند به طور معمول پشت سر هم نباشد، آن حیوان پاک و حلال است، اگر چه احتیاط مستحب آن است که پشت سر هم بریده شود.^۱ (آیات عظام خویی، سیستانی و شبیری زنجانی)

۲ - ذبح از بالا یا وسط برآمدگی زیر گلو

معروف است که بریدن اوداج اربعه (چهار رگ) در خارج واقع نمی‌شود مگر این که سر حیوان از زیر برآمدگی گلو بریده شود. بنابراین واجب است که ذبح از زیر برآمدگی گلو صورت گیرد و اگر ذبح از بالا یا وسط برآمدگی گلو انجام گیرد و به سبب آن چهار رگ در حدّ معین شرعی بریده نشود، ذبح صحیح نیست و خوردن گوشت حیوان حلال نمی‌باشد.^۳ (آیات عظام امام خمینی، خامنه‌ای، خویی، وحید

نوری همدانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۸۱، م ۲۵۸۷؛ نوری همدانی، هزار و یک مسئله (مجموعه استفتاءات)، ج ۱، ص ۲۰۵، س ۸۰۸.

۱- خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۳۶، م ۱۶۴۳؛ سیستانی، رساله توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۲۸، م ۱۲۵۲؛ منهاج الصالحین (سیستانی)، ج ۳، ص ۲۷۹، م ۸۴۸؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۴۲، م ۲۶۰۱.

۲- امام خمینی، توضیح المسائل، ص ۴۶۴، م ۲۵۹۱؛ خامنه‌ای، سایت leader.ir دفتر مقام معظم رهبری، پرسش شماره ۳۷۳۷۵، موضوع: صید و ذباحت؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۵۷۱، م ۲۵۹۱؛ خویی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۶۵، م ۲۶۰۰؛ وحید خراسانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۳۷، م ۲۶۵۵؛ سیستانی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۹۸، م ۲۶۰۸؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۴۲، م ۲۶۰۰؛ سبحانی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۸۶، م ۲۲۴۶؛ نوری همدانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۸۱، م ۲۵۸۶؛ مظاهری، رساله توضیح المسائل، ص ۳۴۰، م ۲۱۵۵.

۳- امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۵۷، کتاب صید و ذباحت، باب القول فی الذباحت، م ۵؛ خامنه‌ای، سایت leader.ir دفتر مقام معظم رهبری، پرسش شماره ۳۷۳۷۵، موضوع: صید و ذباحت؛ خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۴۰، م ۱۶۶۱؛ رساله توضیح المسائل (خویی)، ص ۴۶۵، م ۲۶۰۰؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۸۱، م ۱۶۶۱؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۷۹، م ۸۴۷؛ سبحانی، استفتاءات، ج ۱، ص ۳۷۱، س ۱۱۵۵ و



خراسانی، سیستانی، سبحانی و نوری همدانی)

۳- ذبح اشتباهی از بالای برجستگی و تصحیح آن

اگر اشتبهاً از بالای برجستگی گلو سر حیوان را ببرد و قبل از جان دادن حیوان و جدا شدن سر حیوان متوجه شود و چهار عضو را از قسمت پایین برآمدگی قطع نماید، ذبح شرعی محقق می‌شود.^۱ (آیات عظام امام خمینی، خویی، سیستانی، مکارم شیرازی و سبحانی)

۴- ذبح از قفا (پشت سر)

این مسئله از دو لحاظ قابل بررسی است:

الف) از لحاظ حکم تکلیفی

قول اول: ذبح حیوان از قفا جایز نیست.^۲ (آیات عظام امام خمینی، خویی، مکارم شیرازی، نوری همدانی)

قول دوم: به احتیاط واجب، جایز نیست.^۳ (آیت الله وحید خراسانی)

قول سوم: اگر این عمل موجب شکستن گردن یا قطع نخاع حیوان شود، به

ج ۲، ص ۵۲۰، س ۱۵۸۲؛ نوری همدانی، هزار و یک مسئله (مجموعه استفتاءات)، ج ۲، ص ۲۰۲، س ۷۱۳.

۱- امام خمینی، تحریرالوسیله ج ۲، ص ۱۴۸، باب القول فی الذباحت، م ۹؛ استفتاءات (امام خمینی)، ج ۲، ص ۴۹۵، س ۳؛ خویی، استفتاءات، ص ۳۲۳، س ۱۰۶۶؛ سیستانی، رساله توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۲۹، م ۱۲۵۳؛ مکارم شیرازی، استفتاءات جدید، ج ۲، ص ۴۰۸، س ۱۱۸۱؛ سبحانی، استفتاءات، ج ۲، ص ۵۱۸، س ۱۵۷۶.

۲- امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۱۵۷، باب القول فی الذباحت، م ۶؛ خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۳۹، م ۱۶۵۶؛ مکارم شیرازی، استفتاءات جدید، ج ۲، ص ۴۰۸، س ۱۱۸۲؛ نوری همدانی، هزار و یک مسئله (مجموعه استفتاءات)، ج ۱، ص ۲۰۶، س ۸۱۲.

۳- وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۸۰، م ۱۶۵۶.

احتیاط لازم از جهت حکم تکلیفی جایز نیست.^۱ (آیت الله سیستانی)

(ب) از لحاظ حکم وضعی (حلال شدن ذبیحه)

قول اول: ذبیحه حرام است.^۲ (آیت الله نوری همدانی)

قول دوم: خوردن گوشت حیوان اشکال دارد.^۳ (آیات عظام خویی، وحید

خراسانی و مکارم شیرازی)

قول سوم: ذبح از پشت گردن (قفا) نیز برای تذکیه حیوان کافی است، هر چند

خلاف احتیاط مستحب می باشد.^۴ (آیت الله سیستانی)

قول چهارم: اگر گردن ذبیحه از قفا بریده شود و اعضای ذبح باقی بماند چنانچه

حیاتش باقی مانده و آن را به طریق شرعی ذبح و رگها را از جلو قطع نماید، حلال

می شود.^۵ (امام خمینی)

۵- فرو کردن چاقو در گلو و بریدن رگها به طرف بالا

در این مسئله اختلاف است:

قول اول: بنا بر احتیاط واجب جایز نیست کارد را زیر رگها فرو نموده و به

طرف جلو آنها را قطع کند و ذبح به این طریق کافی نیست.^۶ (آیات عظام خویی و

وحید خراسانی)

۱- سیستانی، رساله توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۲۹، م ۱۲۵۶؛ منهاج الصالحین (سیستانی)،

ج ۳، ص ۲۸۰، م ۸۵۲؛ المسائل المنتخبه (سیستانی)، ص ۴۵۵، م ۱۱۸۱.

۲- نوری همدانی، هزار و یک مسئله (مجموعه استفتاءات)، ج ۱، ص ۲۰۶، س ۸۱۲.

۳- خویی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۶۷، م ۲۶۰۳؛ وحید خراسانی، رساله توضیح المسائل،

ص ۵۳۹، م ۲۶۵۸؛ مکارم شیرازی، استفتاءات جدید، ج ۲، ص ۴۰۸، س ۱۱۸۲.

۴- سیستانی، رساله توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۲۹، م ۱۲۵۶؛ منهاج الصالحین (سیستانی)،

ج ۳، ص ۲۸۰، م ۸۵۲؛ المسائل المنتخبه (سیستانی)، ص ۴۵۵، م ۱۱۸۱.

۵- امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۵۷، باب القول فی الذباحه، م ۸.

۶- خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۳۹، م ۱۶۵۶؛ وحید خراسانی، رساله توضیح المسائل، ص

۵۳۹، م ۲۶۵۸؛ منهاج الصالحین (وحید خراسانی)، ج ۳، ص ۳۸۰، م ۱۶۵۶.

قول دوّم: یکی از مکروهات ذبح آن است که کارد را پشت حلقوم فرو کنند و به طرف جلو بیاورند که حلقوم از پشت بریده شود.^۱ (آیات عظام امام خمینی، خامنه-ای، مکارم شیرازی، شبیری زنجانی، سبحانی، نوری همدانی و مظاهری)

قول سوّم: احتیاط مستحب این است که چاقو را بر محل ذبح بگذارد و حیوان از آنجا ذبح شود؛ اگر چه ذبح حیوان به این نحو که چاقو را زیر رگ هایش داخل کنند و سپس به سمت بالا ببرند نیز صحیح است.^۲ (آیت الله سیستانی)

۶- ذبح حیوان زخمی

اگر حیوانی مانند گوسفند توسط حیوانی درنده زخمی شود، تصویر این مسئله چند صورت دارد:

صورت اوّل: حیوان درنده، غیر از گلو، جای دیگری از بدن حیوان حلال گوشت را نیز زخمی کرده است. در این فرض اگر حیوان هنوز زنده باشد، و با قطع کامل اوداج و رعایت شرایط آن، حلال و پاک می‌شود.^۳ (همه مراجع)

صورت دوّم: زخم در ناحیه گلوی حیوان واقع شده و هر چهار عضو (اوداج اربعه) توسط حیوان درنده به طور کامل قطع شده است. در این فرض آن حیوان

۱- امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۵۷، باب القول فی الذباحت، م ۶؛ توضیح المسائل (امام خمینی)، ص ۴۶۷، م ۲۶۰۰؛ خامنه‌ای، سایت leader.ir، دفتر مقام معظم رهبری، پرسش شماره ۵۷۹۷، موضوع: صید و ذباحت؛ مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۲۷، م ۲۲۳۲؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۴۵، م ۲۶۰۹؛ سبحانی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۸۸، م ۲۲۵۵؛ مظاهری، رساله توضیح المسائل، ص ۳۴۲، م ۲۱۶۵.

۲- سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۸۰، م ۸۵۲.

۳- امام خمینی، توضیح المسائل، ص ۴۶۵، م ۲۵۹۳؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۵۷۲، م ۲۵۹۳؛ خویی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۶۶، م ۲۶۰۲؛ وحید خراسانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۳۷، م ۲۶۵۷؛ سیستانی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۹۸، م ۲۶۱۰؛ سبحانی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۸۶، م ۲۲۴۸؛ نوری همدانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۸۲، م ۲۵۸۸.

حرام می شود.^۱ (همه مراجع)

صورت سوم: مقداری از گردن حیوان دریده شده، ولی چهار رگ باقی است.
در این فرض:

۱ - اگر چهار رگ به طور کامل و سالم باقی است و حیوان هنوز زنده است با قطع اوداج و رعایت شرایط آن، حلال و پاک می شود.^۲ (آیات عظام امام خمینی، خویی، وحید خراسانی، سیستانی، شبیری زنجانی، سبحانی و نوری همدانی)

۲ - چهار رگ باقی است، ولی از هر یک از رگ های چهارگانه قسمتی کنده شده است. در این فرض اگر حیوان زنده باشد و قسمت باقی مانده از چهار رگ را ببرند، حلال و پاک می شود.^۳ (آیت الله شبیری زنجانی)

صورت چهارم: بعضی از چهار رگ به طور کامل قطع شده و بعضی باقی است.
در این فرض:

قول اول: اگر به طور کامل بعضی از رگ ها کنده شده باشد، اگر حیوان هنوز زنده است با این حال بنابر احتیاط واجب با قطع دیگر رگ ها حیوان حلال و پاک نمی شود.^۴ (آیات عظام امام خمینی، سیستانی، وحید خراسانی و شبیری زنجانی)

۱- امام خمینی، توضیح المسائل، ص ۴۶۵، م ۲۵۹۳؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۵۷۲، م ۲۵۹۳؛ خویی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۶۶، م ۲۶۰۲؛ وحید خراسانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۳۷، م ۲۶۵۷؛ سیستانی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۹۸، م ۲۶۱۰؛ سبحانی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۸۶، م ۲۲۴۸؛ نوری همدانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۸۲، م ۲۵۸۸.

۲- امام خمینی، توضیح المسائل، ص ۴۶۵، م ۲۵۹۳؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۵۷۲، م ۲۵۹۳؛ خویی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۶۶، م ۲۶۰۲؛ وحید خراسانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۳۷، م ۲۶۵۷؛ سیستانی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۹۸، م ۲۶۱۰؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۴۲، م ۲۶۰۲؛ سبحانی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۸۶، م ۲۲۴۸؛ نوری همدانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۸۲، م ۲۵۸۸.

۳- شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۶۴، م ۲۶۰۲.

۴- امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۵۸، باب القول فی الذباحه، م ۱۰؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۴۲، م ۲۶۰۲؛ سیستانی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۹۸، م ۲۶۰۲.

قول دوم: چنانچه حیوان هنوز زنده است، اگر بریدن رگ قطع شده از قسمت پایین یا بالای آن دوباره ممکن باشد، با بریدن آن رگ از قسمت بالا یا پایین و رگ‌های سالم دیگر، حیوان حلال می‌شود.^۱ (آیت الله خویی)

مسائل اختصاصی

۱ - شک بعد از فراغ از ذبح

مسئله چند صورت دارد:

اول: شک برای فرد دیگر غیر از ذابح به وجود آید. در این صورت ذبح محکوم به صحت است.

دوم: شک برای ذابح به وجود می‌آید. در این صورت دو حالت می‌توان فرض نمود:

الف) پس از به هم خوردن وضع حیوان، شک کنیم که چهار رگ را بریده‌ایم یا نه؛ در این حالت ذبح محکوم به صحت است و حکم ذبح صحیح را جاری می‌کنیم.

ب) پس از سربردن و بدون فاصله شک رخ دهد؛ در این صورت اگر تحقیق ممکن است طبق آن عمل نماید و گرنه از خوردن گوشت آن اجتناب شود.^۲ (آیت الله سبحانی)

۲ - تفاوت نظر مرجع تقلید ذابح و ناظر ذبح

اگر ذبح بر اساس فتوای مرجع تقلید ذابح حلال باشد، ولی بر اساس فتوای مرجع تقلید ناظر، حرام، در این فرض ناظر باید طبق وظیفه خود عمل کند (یعنی باید از توزیع گوشت جلوگیری نماید)، ولی اگر بخواهد گوشت را به کسانی بدهند که مصرف آن را جایز می‌دانند، نباید جلوگیری کند.^۳ (آیت الله سبحانی)

م ۲۶۱۰؛ توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۲۹، م ۱۲۵۴؛ وحید خراسانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۳۷، م ۲۶۵۷.

۱- خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۳۷، م ۱۶۴۸

۲- سبحانی، استفتاءات، ج ۲، ص ۵۱۶، س ۱۵۶۸.

۳- همان، س ۱۵۷۰.

۲- وظیفه مقلد در اختلاف فتوا

مقلد مجتهدی که قطع رگ‌های چهارگانه را شرط حلیت ذبح می‌داند، می‌تواند از ذبیحه شخصی که مرجع تقلید او تنها قطع حلقوم را شرط حلیت می‌داند، استفاده کند؛ مگر اینکه یقین داشته باشد آن شخص چهار رگ را کامل نبریده، بلکه طبق فتوای مرجع تقلید خود تنها حلقوم را بریده است.^۱ (آیت الله سبحانی)

خلاصه

۲- اقوال در قطع اوداج

- (الف) قطع کامل چهار رگ واجب است. (امام خمینی، خویی، وحید خراسانی، شبیری زنجانی، نوری همدانی)
- (ب) قطع چهار رگ واجب است به طوری که عرفاً صدق قطع کند. (سبحانی)
- (ج) بنابر احتیاط واجب شکافتن اوداج کافی نیست؛ بلکه باید قطع کامل صورت گیرد. (سیستانی)
- (د) قطع مری واجب نیست. (مکارم شیرازی)

۳- شرط موالات

- (الف) موالات در قطع اوداج واجب است. (امام خمینی و سبحانی)
- (ب) بنابر احتیاط واجب موالات باید رعایت شود. (امام خامنه‌ای، وحید خراسانی، مکارم شیرازی و نوری همدانی)
- (ج) احتیاط مستحب در رعایت آن است.

حکم تکلیفی قطع از قفا

- ۱- جایز نیست. (امام خمینی، خویی، مکارم و نوری همدانی)
- ۲- به احتیاط واجب جایز نیست. (وحید خراسانی و سیستانی)

۱- همان، ج ۲، ص ۴۱۶، س ۱۲۲۶.

حکم وضعی قطع از قفا

- ۱ - ذبیحه حرام است. (نوری همدانی)
- ۲ - خوردن ذبیحه اشکال دارد. (خویی، وحید خراسانی و مکارم)
- ۳ - ذبح از قفا برای تذکیه کافی است. (سیستانی)
- ۴ - اگر اعضای ذبح باقی و حیوان هنوز زنده است، چنانچه آن را به طریق شرعی ذبح و رگها را از جلو قطع نماید، حلال می شود. (امام خمینی)

۵ - فرو کردن چاقو در گلو و کشیدن آن به طرف بالا

- ۱ - بنا بر احتیاط واجب ذبح به این گونه کافی نیست. (خویی و وحید خراسانی)
- ۲ - ذبح به این گونه مکروه است. (امام خمینی، مکارم شیرازی، شبیری زنجانی، سبحانی، نوری همدانی و مظاهری)

پرسش‌ها

- ۱ - مقصود از اوداج چیست؟
- ۲ - فتوای فقها در میزان قطع اوداج را بیان کنید.
- ۳ - فتوای فقها در مورد شرط موالات نسبت به قطع اوداج چیست؟
- ۴ - ذبح از بالا یا وسط برآمدگی زیر گلو چه حکمی دارد؟
- ۵ - ذبح از قفا چه حکمی دارد؟
- ۶ - ذبح به نحو فرو کردن چاقو در گلو و کشیدن آن به طرف بالا چه حکمی دارد؟
- ۷ - فتوای فقها در مورد ذبح حیوان زخمی چیست؟
- ۸ - وظیفه به هنگام شک بعد از فراغ از ذبح چیست؟
- ۹ - در صورت اختلاف فتوا در قطع اوداج، وظیفه مقلد و ناظر ذبح چیست؟

درس پانزدهم

مستحبات و مکروهات ذبح

اهداف درس

- از خواننده گرامی انتظار می رود، پس از فراگیری این درس:
- ۱ - با امور مستحبی ذبح حیوانات آشنا شود.
 - ۲ - امور مکروه در ذبح حیوانات را بداند.

مقدمه

در شریعت اسلام برای تذکیه حیوانات، آدابی وضع شده است که مراعات آنها اجر و ثواب داشته و گاهی آثار وضعی نیز دارد. برخی از این آداب رعایتش مستحب و برخی انجامشان مکروه است.

مستحبات

چند چیز در ذبح حیوانات مستحب است:

۱ - بستن دست و پای حیوان

- الف) گوسفند:** مستحب است که در موقع ذبحش دو دست و یک پای آن را ببندند و پای دیگرش را باز بگذارند.
- ب) گاو:** موقع سر بریدن بهتر است چهار دست و پایش را ببندند و دم آن را باز بگذارند.

ج) شتر: موقع کشتن آن بهتر است در حال نشسته دو دست آن را از پایین تا زانو یا زیر بغل به یکدیگر ببندند و پاهایش را باز بگذارند.^۱ (همه مراجع)
 فرع فقهی: در مورد مرغ مستحب است بعد از سر بریدن، آن را رها کند تا پروبال بزند.^۲ (همه مراجع)

۲ - کاهش آزار و اذیت حیوان

به هنگام ذبح کاری شود که حیوان کمتر اذیت گردد، مثلاً کارد را خوب تیز کنند و با عجله سر حیوان را ببرند.^۳ (همه مراجع)

۳ - آب دادن حیوان

مستحب است پیش از کشتن، جلو حیوان آب بگذارند تا از آن بنوشد.^۴ (همه مراجع)

۱- امام خمینی، توضیح المسائل، ص ۴۶۶، م ۲۵۹۹؛ خوبی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۶۸، م ۲۶۰۸؛ وحید خراسانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۴۰، م ۲۶۶۳؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۶۷، م ۲۶۰۸؛ مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۳۳، م ۲۲۳۰؛ سیستانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۰۱، م ۲۶۱۶؛ مظاهری، رساله توضیح المسائل، ص ۳۴۱، م ۲۱۶۴؛ سبحانی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۸۸، م ۲۲۵۴؛ نوری همدانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۸۳، م ۲۵۹۷.

۲- امام خمینی، توضیح المسائل، ص ۴۶۶، م ۲۵۹۹؛ خوبی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۶۸، م ۲۶۰۸؛ وحید خراسانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۴۰، م ۲۶۶۳؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۶۷، م ۲۶۰۸؛ مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۳۳، م ۲۲۳۰؛ سیستانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۰۱، م ۲۶۱۶؛ مظاهری، رساله توضیح المسائل، ص ۳۴۱، م ۲۱۶۴؛ سبحانی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۸۸، م ۲۲۵۴؛ نوری همدانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۸۳، م ۲۵۹۷.

۳- همان

۴- امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۵۱، باب القول فی الذباحت، م ۲۰؛ خوبی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۶۸، م ۲۶۰۸؛ وحید خراسانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۴۰، م ۲۶۶۳؛ مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۳۳، م ۲۲۳۰؛ سیستانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۰۱، م ۲۶۱۶؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۶۷، م ۲۶۰۸؛ مظاهری،



۴- رو به قبله بودن ذابح

این مسئله اختلافی است:

قول اول: مستحب است کسی که حیوان را می‌کشد رو به قبله باشد.^۱ (آیات عظام امام خمینی، خوبی، وحید خراسانی، مکارم شیرازی، سیستانی، شبیری زنجانی و مظاهری)

قول دوم: احتیاط واجب این است کسی که حیوان را ذبح می‌کند رو به قبله باشد.^۲ (آیات عظام سبحانی و نوری همدانی)

مکروهات

چند چیز در کشتن حیوانات مکروه است:

۱- در جایی حیوان را بکشند که حیوان دیگر آن را ببیند.^۳ (همه مراجع)

رساله توضیح المسائل، ص ۳۴۱، م ۲۱۶۴؛ سبحانی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۸۸، م ۲۲۵۴.

۱- امام خمینی، توضیح المسائل، ص ۴۶۶، م ۲۵۹۹؛ خوبی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۶۸، م ۲۶۰۸؛ منهج الصالحین (خوبی)، ج ۲، ص ۳۳۸، م ۱۶۵؛ وحید خراسانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۴۰، م ۲۶۶۳؛ منهج الصالحین (وحید خراسانی)، ج ۳، ص ۳۸۵، م ۱۶۵۱؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۶۷، م ۲۶۰۸؛ مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۳۳، م ۲۲۳۰؛ استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص ۴۱۲، س ۱۲۰۰؛ سیستانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۰۱، م ۲۶۱۶؛ منهج الصالحین (سیستانی)، ج ۳، ص ۲۷۷، م ۸۴۲؛ توضیح المسائل جامع (سیستانی)، ج ۲، م ۱۲۶۵؛ مظاهری، رساله توضیح المسائل، ص ۳۴۱، م ۲۱۶۴؛ سبحانی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۸۸، م ۲۲۵۴؛ نوری همدانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۸۳، م ۲۵۹۷.

۲- سبحانی توضیح المسائل، ص ۴۸۶ و ۴۸۷، م ۲۲۴۹؛ نوری همدانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۸۲، م ۲۵۸۹.

۳- امام خمینی، توضیح المسائل، ص ۵۴۶، م ۲۴۷۱؛ خوبی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۶۹، م ۲۶۰۹؛ وحید خراسانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۴۰، م ۲۶۶۴؛ سیستانی، رساله توضیح

۲- در شب یا قبل از ظهر روز جمعه سر حیوان را ببرند؛ ولی در صورت نیاز، عیبی ندارد.^۱ (همه مراجع)

۳- خود انسان چهار پایی را که پرورش داده است، بکشد.^۲

۴- کندن پوست پیش از خروج روح از بدن در این مسئله اختلاف است:

قول اول: کندن پوست حیوان پیش از بیرون آمدن روح از بدن، مکروه است.^۳

(آیات عظام سیستانی، خویی، شبیری زنجانی و مظاهری)

قول دوم: احتیاط مستحب آن است که قبل از جان دادن، پوست حیوان را

جدا نکنند.^۴ (آیت الله مکارم شیرازی)

المسائل، ص ۵۰۲، م ۲۶۱۷؛ مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۲۷، م ۲۲۳۲؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۶۸، م ۲۶۰۹؛ سبحانی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۸۸، م ۲۲۵۵؛ مظاهری، رساله توضیح المسائل، ص ۳۴۱، م ۲۱۶۵؛ نوری همدانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۸۳، م ۲۵۹۸.

۱- امام خمینی، توضیح المسائل، ص ۵۴۶، م ۲۴۷۱؛ خویی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۶۹، م ۲۶۰۹؛ وحید خراسانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۴۰، م ۲۶۶۴؛ سیستانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۰۲، م ۲۶۱۷؛ مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۲۷، م ۲۲۳۲؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۶۸، م ۲۶۰۹؛ سبحانی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۸۸، م ۲۲۵۵؛ مظاهری، رساله توضیح المسائل، ص ۳۴۱، م ۲۱۶۵؛ نوری همدانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۸۳، م ۲۵۹۸.

۲- امام خمینی، توضیح المسائل، ص ۵۴۶، م ۲۴۷۱؛ خویی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۶۹، م ۲۶۰۹؛ وحید خراسانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۴۰، م ۲۶۶۴؛ سیستانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۰۲، م ۲۶۱۷؛ مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۲۷، م ۲۲۳۲؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۶۸، م ۲۶۰۹؛ سبحانی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۸۸، م ۲۲۵۵؛ مظاهری، رساله توضیح المسائل، ص ۳۴۱، م ۲۱۶۵؛ نوری همدانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۸۴، م ۲۵۹۸.

۳- سیستانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۰۲، م ۲۶۱۷؛ خویی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۶۹، م ۲۶۰۹؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۶۸، م ۲۶۰۹؛ مظاهری، رساله توضیح المسائل، ص ۳۴۲، م ۲۱۶۵.

۴- مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۲۷، م ۲۲۳۱.

قول سوم: احتیاط واجب آن است که قبل از بیرون آمدن روح، پوست حیوان را نکنند.^۱ (آیات عظام امام خمینی^۲، وحید خراسانی، سبحانی و نوری همدانی)

۵ - قطع نخاع پیش از بیرون آمدن روح حیوان در این مسئله اختلاف است:

قول اول: پیش از بیرون آمدن روح، بریدن مغز حرام قرار گرفته در وسط تیره پشت، مکروه است.^۳ (آیات عظام شبیری زنجانی، مظاهری)

قول دوم: احتیاط مستحب آن است که مغز حرام حیوان را که در وسط تیره پشت است قبل از جان دادن نبرند.^۴ (آیت الله مکارم شیرازی)

قول سوم: بنابر احتیاط واجب پیش از بیرون آمدن روح از بدن، مغز حرام را که در تیره پشت است، نباید ببرند.^۵ (آیات عظام امام خمینی، خویی، وحید خراسانی^۶، سیستانی و نوری همدانی)

۱- امام خمینی، توضیح المسائل، ص ۵۴۶، م ۲۴۷؛ وحید خراسانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۴۰، م ۲۶۶۴؛ سبحانی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۸۸، م ۲۲۵۵؛ نوری همدانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۸۴، م ۲۵۹۸.

۲- امام خمینی، : و أما المكروهة فمنها: أن یسلخ جلده قبل خروج الروح، وقیل بالحرمة و إن لم تحرم به الذبیحة، و هو أحوط؛ و أما مكروهات، از آن جمله این است که قبل از بیرون آمدن جان، پوستش را بکند و گفته شده که حرام است اگر چه ذبیحه به آن حرام نمی شود و احتیاط همین است. (امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۶۲، باب القول فی اللذباحه، م ۲۰)

۳- شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۶۷، م ۲۶۰۹؛ مظاهری، رساله توضیح المسائل، ص ۳۴۲، م ۲۱۶۵.

۴- مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۲۷، م ۲۲۳۱.

۵- سید روح الله خمینی، توضیح المسائل، ص ۴۶۷، م ۲۶۰۰؛ سید ابوالقاسم خویی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۶۷، م ۲۶۰۳؛ حسین وحید خراسانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۳۸، م ۲۶۵۸؛ سید علی سیستانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۰۰، م ۲۶۱۲؛ حسین نوری همدانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۸۴، م ۲۵۹۸.

۶- تعبیر برخی مراجع چنین است: «بنابر احتیاط رگ سفیدی را که از مهره های گردن تا دم حیوان امتداد دارد و آن را نخاع می گویند عمداً قطع نکند.» (سید ابوالقاسم خویی، رساله

۶ - جدا کردن سر حیوان پیش از جان دادن

قول اول: جدا کردن سر حیوان از بدن عمداً پیش از بیرون آمدن روح آن، مکروه است.^۱ (آیات عظام مکارم شیرازی، شبیری زنجانی و مظاهری)

قول دوم: احتیاط واجب آن است که عمداً پیش از بیرون آمدن روح، سر حیوان را از بدنش جدا نکنند؛ گرچه این کار موجب حرام شدن حیوان نمی شود.^۲ (آیات عظام خویی، وحید خراسانی، سیستانی و سبحانی)

قول سوم: جدا کردن سر حیوان از روی عمد قبل از خروج کامل روح از بدن، حرام است؛ اما با این عمل گوشت حیوان، حرام نمی شود.^۳ (آیات عظام امام خمینی، خامنه‌ای، نوری همدانی)

خلاصه

مستحبات

- ۱ - بستن دست و پای حیوان به صورتی که بیان شد.
- ۲ - کاهش آزار و اذیت حیوان در هنگام ذبح.
- ۳ - رو به قبله بودن ذابح به هنگام ذبح.
- ۴ - آب دادن حیوان قبل از ذبح.

توضیح المسائل، ص ۴۶۷، م ۲۶۰۳؛ حسین وحید خراسانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۳۸، م ۲۶۵۸

۱ - ناصر مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۳۳، م ۲۲۳۱ و استفتائات جدید، ج ۲، ص ۴۱۶، سؤال ۱۲۲۸؛ سید موسی شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۶۷، م ۲۶۰۹؛ حسین مظاهری، رساله توضیح المسائل، ص ۳۴۲، م ۲۱۶۵.

۲ - سید ابوالقاسم خویی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۶۷، م ۲۶۰۳؛ منهاج الصالحین (خویی)، ج ۲، ص ۳۳۹، م ۱۶۵۸؛ وحید خراسانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۳۸، م ۲۶۵۸؛ منهاج الصالحین (وحید خراسانی)، ج ۳، ص ۳۸۱، م ۱۶۵۸؛ سید علی سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۸۰، م ۸۵۱؛ جعفر سبحانی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۸۸، م ۲۲۵۵.

۳ - سید روح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۵۲؛ سایت پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری؛ حسین نوری همدانی، رساله توضیح المسائل، ص ۲۸۳، م ۲۵۹۸.

مکروهات

- ۱ - در جایی حیوان را بکشند که حیوان دیگر آن را ببیند.
- ۲ - در شب یا قبل از ظهر روز جمعه سر حیوان را ببرند، ولی در صورت نیاز، عیبی ندارد.
- ۳ - خود انسان چهار پای را که پرورش داده است، بکشد.
- ۴ - کندن پوست پیش از خروج روح از بدن بنا بر یک فتوا که توضیح کامل آن در متن بیان شد.
- ۵ - قطع نخاع پیش از بیرون آمدن روح حیوان بنا بر یک فتوا.
- ۶ - جدا کردن سر حیوان پیش از جان دادن در هنگام ذبح بنا بر یک فتوا.

پرسش‌ها

- ۱ - مستحبات ذبح حیوان کدام است؟
- ۲ - اموری را که در ذبح حیوان ارتکابش مکروه است بیان کنید؟
- ۳ - حکم کندن پوست حیوان پیش از خروج روح چیست؟
- ۴ - حکم قطع نخاع حیوان پیش از بیرون آمدن روح حیوان چیست؟
- ۵ - حکم جدا کردن سر حیوان پیش از جان دادن چیست؟

درس شانزدهم

تذکيه شتر و جنين حيوان

اهداف درس

از خواننده گرامی انتظار می رود، پس از فراگیری این درس:

- ۱- نحوه تذکيه شتر را فراگیرد.
- ۲- با شرایط نحر آشنا شود.
- ۳- کیفیت رو به قبله بودن شتر در حال نحر را بیاموزد.
- ۴- حکم شرعی ذبح به جای نحر و بالعکس و راه اصلاح آن را بداند.
- ۵- طریقه تذکيه حیوانی که ذبح یا نحرش ناممکن است را بیاموزد.
- ۶- با حکم تذکيه جنين به سبب تذکيه مادرش آشنا شود.

مقدمه

نحر، قسمت بالای سینه و جای گردنبنند را گویند.^۱ در میان تمامی حیوانات فقط شتر تذکيه آن با نحر است.^۲ دلیل بر این که محلّ نحر شتر، گودی گردن آن است

۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات، ص ۷۹۴، ماده «نحر».

۲. تحریرالوسیله، ج ۲، القول فی الذبائح، ص ۱۵۰، م ۱۶؛ توضیح المسائل (محشی) — امام خمینی، ج ۲، ص ۷۵۱، م ۲۵۹۵؛ خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۳۹، م ۱۶۵۰؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۸۷، م ۱۶۶۰؛ وحید خراسانی، توضیح المسائل،



اجماع فقهای امامیه، و نیز روایات صحیحی است که وارد شده است؛ از جمله امام صادق(ع) فرمود: «نحر در گودی بین گردن و سینه، و ذبح در حلق [گلو] است.»^۱ بنابراین در این درس به احکام و شرایط نحر شتر پرداخته می شود.

کیفیت نحر شتر

کیفیت نحر چنین است که کارد و نیزه یا چیز دیگری را که از آهن و برنده باشد، در گودی بین گردن و سینه شتر که آن را «لَبَّه» می نامند فرو کنند.^۲ (همه مراجع) آیت الله سیستانی: شایان ذکر است اگر لَبَّه به طور عرضی بریده شود کافی نیست و باید کارد و مانند آن را در لَبَّه فرو برند.^۳

شرایط نحر

تمام چیزهایی که در ذبح شرط است در نحر هم شرط می باشد؛ بنابراین آنچه که در ذایح و وسیله ذبح شرط است در نحرکننده و وسیله نحر هم شرط می باشد و ذکر نام

-
- ص ۵۳۹، م ۲۶۵۹؛ سبحانی، توضیح المسائل، ص ۴۸۸، م ۲۲۵۰؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۴۴، م ۲۶۰۴؛ مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۲۶، م ۲۲۲۷؛ نوری همدانی، توضیح المسائل، ص ۲۸۲، م ۲۵۹۰؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۸۱، م ۸۵۷؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۳۶، م ۱۲۷۵؛ مظاهری، رساله توضیح المسائل، م ۲۱۵۶.
۱. مُعَاوِيَةُ بْنُ عَمَّارٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) النَّحْرُ فِي اللَّبَّةِ وَالذَّبْحُ فِي الْحَلْقِ. (وسائل الشيعة، ج ۱۴، ص ۱۵۰)
۲. تحریر الوسیله، ج ۲، القول فی الذبابة، ص ۱۵۰، م ۱۷؛ خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۴۰، م ۱۶۶۲؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۸۷، م ۱۶۶۲؛ وحید خراسانی، توضیح المسائل، ص ۵۳۹، م ۲۶۵۹؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۸۲، م ۸۵۸؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۳۶، م ۱۲۷۵؛ مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۲۶، م ۲۲۲۷؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۴۴، م ۲۶۰۴.
- سبحانی؛ توضیح المسائل، ص ۴۸۸، م ۲۲۵۰؛ نوری همدانی، توضیح المسائل، ص ۲۸۲، م ۲۵۹۰؛ مظاهری، رساله توضیح المسائل، م ۲۱۵۶.
۳. سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۳۶، م ۱۲۷۵.

خدا در وقت نحر واجب است کما اینکه در ذبح، واجب می‌باشد.^۱ (همه مراجع)

استقبال شتر در حال نحر

نحر شتر ایستاده، و به زانو نشسته در حالی که رو به قبله باشد، جایز است؛ بلکه اگر روی یک طرفش خوابیده باشد در صورتی که جای نحر و مقادیم بدنش رو به قبله باشد، نحر آن جایز است؛ اگر چه افضل آن است که ایستاده باشد.^۲ (همه مراجع)

ذبح شتر به جای نحر و نحر سایر چارپایان

قول اول: اگر به جای نحر شتر، سر آن را ببرند، یا گوسفند و گاو و مانند اینها را به جای ذبح، نحر کنند، نجس و حرام است؛ ولی اگر هنوز حیوان زنده است، شتر را نحر و چهار پایان دیگر را ذبح شرعی کنند، پاک و حلال می‌شود.^۳ (همه مراجع به

۱. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، القول فی الذباحت، ص ۱۵۰، م ۱۷؛ خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۴۰، م ۱۶۶۲؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۸۷، م ۱۶۶۰؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۸۷، م ۱۶۵۹؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۸۲، م ۸۵۸؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۳۶، م ۱۲۷۵؛ مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۲۶، م ۲۲۲۷؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۴۴، م ۲۶۰۴؛ سبحانی، توضیح المسائل، ص ۴۸۸، م ۲۲۵۰؛ نوری همدانی، توضیح المسائل، ص ۲۸۲، م ۲۵۹۰؛ مظاهری، رساله توضیح المسائل، م ۲۱۵۶.

۲. تحریر الوسیله، ج ۲، القول فی الذباحت، ص ۱۵۰، م ۱۸؛ خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۴۰، م ۱۶۶۲؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۸۷، م ۱۶۶۲؛ وحید خراسانی، توضیح المسائل، ص ۵۳۹، م ۲۶۶۰؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۸۲، م ۸۵۹؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۳۶، م ۱۲۷۷؛ مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۲۶، م ۲۲۲۷؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۴۴، م ۲۶۰۵؛ نوری همدانی، توضیح المسائل، ص ۲۸۲، م ۲۵۹۱؛ مظاهری، رساله توضیح المسائل، م ۲۱۵۶.

۳. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، القول فی الذباحت، ص ۱۵۰، م ۱۶؛ خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۴۰، م ۱۶۶۲؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۸۷، م ۱۶۶۰؛ وحید خراسانی، توضیح المسائل، ص ۵۳۹، م ۲۶۶۱؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۸۲، م



جز آیات عظام سیستانی و مظاهری)

قول دوم: اگر به جای نحر شتر، سر آن را ببرند، یا گوسفند و گاو و مانند اینها را به جای ذبح، نحر کنند، نجس و حرام است؛ البته اگر شتر را ذبح کنند، در صورتی که سر شتر از بدنش جدا نشده - هرچند چهار عضو آن قطع شده باشد - و آن را تا زنده است، نحر نمایند، کافی است؛ ولی چنانچه سر شتر جدا شده باشد، قابل نحر نیست و سر و بدن هر دو مردار و نجس و خوردن آنها حرام است. نیز اگر گاو یا گوسفند و مانند اینها را نحر کنند و پیش از خارج شدن روح، سر آنها را به دستور شرعی ببرند، حلال و پاک می باشند.^۱ (آیت الله سیستانی)

قول سوم: اگر به جای اینکه شتر را نحر کنند، سر آن را ببرند یا به جای اینکه غیر شتر را ذبح کنند، آن را نحر کنند، فایده ندارد.^۲ (آیت الله مظاهری)

حیوانی که ذبح یا نحرش ممکن نیست:

حیوانی که ذبح یا نحرش متعذر باشد، کما اینکه به چاه بیفتد یا در جای تنگی واقع شود و ترس مردن آن باشد، جایز است که با شمشیر یا کارد یا نیزه یا غیر آنها از چیزهایی که آن را زخم می زند و به قتل می رساند، آن را ببرد و زخمی نماید، و خوردن آن حلال است اگر چه موضع بریدن همان موضع تذکیه نباشد و شرط بودن ذبح و نحر و همچنین رو به قبله بودن ساقط می شود، ولی رعایت بقیه شرایط از قبیل ذکر نام خدا و شرایط ذابح و ناجر واجب است.^۳ (همه مراجع)

۸۵۷؛ مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۲۶، م ۲۲۲۸؛ شبیری زنجانی، رساله

توضیح المسائل، ص ۵۴۴، م ۲۶۰۶؛ نوری همدانی، توضیح المسائل، ص ۲۸۲، م ۲۵۹۲.

۱. سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۳۶، م ۱۲۷۶.

۲. مظاهری، رساله توضیح المسائل، م ۲۱۵۷.

۳. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، القول فی الذبائح، ص ۱۵۰ و ۱۵۱، م ۱۹؛ خویی، منهاج

الصالحین، ج ۲، ص ۳۴۰، م ۱۶۶۳؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۸۷، م

۱۶۶۳؛ وحید خراسانی، توضیح المسائل، ص ۵۳۹، م ۲۶۶۲؛ سیستانی، منهاج الصالحین،

ج ۳، ص ۲۸۲، م ۸۶۰؛ مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۲۶، م ۲۲۲۹؛ شبیری

روش تذکيه جنين

تذکيه جنين به تذکيه مادر اوست و دو صورت دارد:

صورت اول: مادر او بدون تذکيه بميرد که خود دو قسم است: ۱ - جنين در شکم مادر مرده باشد که خوردن آن جنين حرام است. ۲ - جنين زنده خارج شود: الف) جنين بدون تذکيه بميرد که خوردن آن جنين حرام است. ب) جنين زنده خارج و تذکيه شرعی انجام شود که خوردن آن حلال است.

صورت دوم: مادر او تذکيه شود که دو صورت دارد: ۱ - جنين داخل شکم مادر مرده باشد و شرايطی که ذکر خواهد شد، حلال می شود. ۲ - جنين زنده خارج شود: الف) اگر تذکيه شود، حلال خواهد بود. ب) اگر تذکيه نشود، حرام خواهد بود.^۱ (آيات عظام امام خميني، خويي، وحيد خراساني، سيستاني)

تفصيل صورت دوم

۱ - جنين از شکم مادرش مرده خارج شود

اگر حيوان حلال گوشت را با رعايت شرايط شرعی، ذبح نمايند و بچه مرده‌ای از شکمش بيرون بياید يا بيرون آورند، با وجود شرايط ذيل پاک و حلال می باشد و در اين صورت تذکيه جنين به تذکيه مادر وی محقق می شود:

شرط اول: خلقت جنين کامل و مو يا پشم در بدنش روييده باشد، هرچند روح در آن دمیده نشده باشد؛ اما اگر خلقتش کامل نشده، حرام است.^۲ (همه مراجع)

زنجانى، رساله توضيح المسائل، ص ۵۴۴، م ۲۶۰۷؛ سبحانى، توضيح المسائل، ص ۴۸۸، م ۲۲۵۰؛ نوری همدانى، توضيح المسائل، م ۲۵۹۳.

۱. خويي، منهاج الصالحين، ج ۲، ص ۳۴۰، م ۱۶۶۴؛ وحيد خراساني، منهاج الصالحين، ج ۳، ص ۳۸۷ و ۳۸۸، م ۱۶۶۴؛ سيستاني، منهاج الصالحين، ج ۳، ص ۲۸۲ و ۲۸۳، م ۸۶۱؛ امام خميني، تحرير الوسيله، ج ۲، القول فى الذباحت، ص ۱۵۲، م ۲۱.

۲. امام خميني، تحرير الوسيله، ج ۲، القول فى الذباحت، ص ۱۵۲، م ۲۱ و ۲۲؛ توضيح المسائل



شرط دوم: در شکافتن شکم ذبیحه تاخیر نکنند

قول اول: بیشتر از مقدار متعارف در شکافتن شکم ذبیحه بعد از ذبح تاخیر نیندازد ولی اگر زیادتر از متعارف تأخیر بیندازد و قبل از آنکه شکم شکافته شود، بمیرد، احتیاط واجب، اجتناب از آن است.^۱ (حضرت امام خمینی)

قول دوم: بیشتر از مقدار متعارف در شکافتن شکم ذبیحه بعد از ذبح تاخیر نیندازد؛ ولی اگر زیادتر از متعارف تأخیر بیندازد و قبل از آنکه شکم شکافته شود، بمیرد، خوردن آن حرام می شود.^۲ (آیات عظام خویی، سیستانی، وحید خراسانی)

شرط سوم: در هنگام ذبح مادر، بچه اش زنده باشد. بنابراین، اگر بچه پیش از آن مرده باشد، حرام محسوب می شود.^۳ (آیات عظام امام خمینی، سیستانی، شبیری زنجانی)

۲ - جنین از شکم مادرش زنده خارج شود:

الف) اگر حیوان حلال گوشت را با رعایت شرایط شرعی که قبلاً ذکر شد، ذبح

(محتسبی - امام خمینی)، ج ۲، ص ۷۶۱، م ۲۶۰۸؛ خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۴۰، م ۱۶۶۷؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۸۸، م ۱۶۶۷؛ وحید خراسانی، توضیح المسائل، ص ۵۳۹، م ۲۶۷۲؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۸۳، م ۸۶۴؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۳۷، م ۱۲۷۹؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۴۷، م ۲۶۱۷؛ مکارم شیرازی، توضیح المسائل، ص ۴۲۹، م ۲۲۴۰؛ نوری همدانی، توضیح المسائل، ص ۲۸۵، م ۲۶۰۶؛ سبحانی، توضیح المسائل، ص ۴۹۰، م ۲۲۶۰؛ مظاهری، توضیح المسائل، م ۲۱۵۹؛ خامنه ای، سایت leader.ir، پرسش شماره ۶۳۶۸۵، موضوع: شکار و ذبح حیوانات؛ مکارم شیرازی، استفتاءات جدید، ج ۲، ص ۴۱۶، س ۱۲۲۷.

۱. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، القول فی الذبائح، ص ۱۵۲، م ۲۱ و ۲۲.

۲. خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۴۰، م ۱۶۶۶؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۸۸، م ۱۶۶۶؛ وحید خراسانی، توضیح المسائل، ص ۵۳۹، م ۲۶۷۲؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۸۳، م ۸۶۳؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۳۷، م ۱۲۷۹.

۳. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، القول فی الذبائح، ص ۱۵۲، م ۲۲؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۳۷، م ۱۲۷۹؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۴۷، م ۲۶۱۷.

نمایند و بچه زنده‌ای از آن بیرون آید، چنانچه آن بچه را با رعایت شرایط، ذبح شرعی کنند، پاک و حلال است، وگرنه حرام می‌باشد.^۱ (آیات عظام امام خمینی، خویی، وحید خراسانی، سیستانی، شبیری زنجانی، مکارم شیرازی، خامنه‌ای، نوری همدانی، سبحانی)

ب) اگر حیوانی را شکار کنند، یا سر ببرند و بچه زنده‌ای از آن بیرون آید و زمان کافی برای ذبح نباشد و بمیرد، نجس و حرام است.^۲ (آیات عظام امام خمینی، خویی، وحید خراسانی، سیستانی)

نکته: در حکم تبعیت تذکيه جنين به تذکيه مادرش، بين حيوانات حلال گوشت و حرام گوشت که قابلیت تذکيه را دارا هستند، فرقی نیست. بنابراین، جنين در حيوان حلال گوشت تذکيه شده، حلال و پاک است، اما جنين حيوان حرام گوشت تذکيه شده پاک، ولی خوردن آن حرام است.^۳ (آیات عظام خویی، وحید خراسانی، سیستانی)

۱. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، القول فی الذباحت، ص ۱۵۲، م ۲۱؛ توضیح المسائل (محشی- امام خمینی)، ج ۲، ص ۷۶۱، م ۲۶۰۷؛ خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۴۰، م ۱۶۶۴؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۸۸، م ۱۶۶۴؛ توضیح المسائل، آیت الله وحید خراسانی، ص ۵۳۹، م ۲۶۷۱؛ منهاج الصالحین، آیت الله سیستانی، ج ۳، ص ۲۸۳، م ۸۶۱؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۳۷، م ۱۲۷۸؛ شبیری زنجانی، رساله توضیح المسائل، ص ۵۴۷، م ۲۶۱۶؛ مکارم شیرازی، توضیح المسائل، ص ۴۲۹، م ۲۲۴۰؛ نوری همدانی، توضیح المسائل، ص ۲۸۵، مسئله ۲۶۰۵؛ سبحانی، توضیح المسائل، ص ۴۹۰، م ۲۲۵۹؛ خامنه‌ای، سایت leader.ir، پرسش شماره ۶۳۶۸۵، موضوع: شکار و ذبح حیوانات.

۲. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، القول فی الذباحت، ص ۱۵۲، م ۲۱؛ خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۴۰، م ۱۶۶۵؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۸۸، م ۱۶۶۵؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۸۳، م ۸۶۲؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۳۷، م ۱۲۷۸.

۳. خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۴۰، م ۱۶۶۸؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۸۸، م ۱۶۶۸؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۸۳، م ۸۶۵؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۳۷، م ۱۲۷۹.

خارج شدن جنین مرده از حیوان زنده

اگر از شکم حیوان زنده، بچه مرده‌ای بیرون آید یا آن را بیرون آورند، خوردن گوشت آن حرام است.^۱ (آیت الله سیستانی)

نکته: گر چه این مسئله در توضیح المسائل باقی مراجع ذکر نشده، اما علی-القاعده بقیه مراجع هم فتوا به حرام بودن این جنین می‌دهند.

خلاصه

شرایط نحر شتر

۱ - در نحر باید کارد، نیزه یا چیز دیگری را که از آهن و برنده باشد، در گودی بین گردن و سینه شتر که آن را «لَبَّه» می‌نامند فرو کنند.

۲ - در نحر تمام شرایط ذبح که قبلاً بیان شد باید رعایت شود. از جمله: شتر باید رو به قبله باشد، لذا اگر شتر را به سمت راست یا چپ بخوابانند در صورتی که جای نحر و مقادیم بدنش رو به قبله باشد، نحر صحیح است، و همچنین در صورتی که ایستاده، و به زانو نشسته باشد؛ اگر چه افضل آن است که ایستاده باشد.

فروع فقهی

۱ - اگر شتر به جای نحر، ذبح شود، یا گوسفند و گاو و مانند اینها نحر شوند، گوشت آنها حلال نمی‌شود. ولی اگر شتر را با رعایت شرایط، نحر و حیوانات دیگر را با رعایت شرایط، ذبح شرعی نمایند، پاک و حلال است.

۲ - حیوانی که ذبح یا نحرش ممکن نیست و ترس از مردن آن وجود دارد، مثل جایی که حیوان در چاه افتاده است، جایز است که با شمشیر یا کارد یا نیزه یا غیر آنها بدن حیوان را ببرد و زخمی نماید و خوردن آن حلال است؛ اگر چه موضع بریدن، محل تذکیه نباشد و شرط بودن ذبح و نحر و همچنین رو به قبله بودن ساقط می‌شود؛ ولی رعایت بقیه شرایط از قبیل ذکر نام خدا و شرایط ذابح و ناجر واجب است.

۱. سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۳۸، م ۱۲۸۰.

تذکیه جنین

روش تذکیه:

تذکیه جنین به تذکیه مادر اوست.

شرایط تذکیه

(الف) در هنگام ذبح مادر، بچه‌اش زنده باشد.

(ب) سبب مردن بچه حیوان در شکم مادرش، تأخیر در بیرون آوردن آن نباشد.

(ج) خلقت بچه کامل بوده و مو یا پشم در بدنش روییده باشد؛ هرچند روح در

آن دمیده نشده باشد.

پرسش‌ها

۱ - کیفیت نحر را توضیح دهید.

۲ - رو به قبله بودن در حال نحر چگونه باید باشد؟

۳ - حکم ذبح شتر و نحر بقیه حیوانات را بیان فرمایید.

۴ - طریقه تذکیه حیوانی که نحر یا ذبحش ممکن نیست، چگونه است؟

۵ - تذکیه جنین به تذکیه مادرش با چه شرایطی محقق می‌شود؟

فصل چهارم :

احکام صید و شکار

درس هفدهم

احکام صید حیوانات آبی^۱

اهداف درس

از خواننده گرامی انتظار می رود، پس از فراگیری این درس:

- ۱ - حکم موارد مختلف تذکیه ماهی در داخل یا خارج آب را به تفصیل فرا گیرد.
- ۲ - شرایط حلیت صید ماهی را بیان فرماید.
- ۳ - حکم خوردن ماهی زنده را بداند.
- ۴ - حکم بریان کردن یا کشتن ماهی قبل از جان دادن را بیاموزد.

مقدمه

در قرآن کریم در سوره نحل آیه ۱۴ می فرماید: «او خدایی است که دریا را برای شما مسخر کرد تا از گوشت تر و تازه (ماهیان حلال) آن تغذیه کنید»^۲. با توجه به اهمیت این مسئله، آیات^۳ و روایات فراوانی در مورد صید آبیان و احکام مربوط به آن از

-
۱. در بحث صید و شکار، آیین نامه اجرایی قانون شکار و صید در نظام جمهوری اسلامی وجود دارد، که در پیوست شماره ۱ ذکر خواهد شد. باید توجه داشت که بر اساس فتوای مراجع عظام تقلید، تخلف از قوانین و مقررات جمهوری اسلامی شرعاً جایز نمی باشد.
 ۲. «وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا» (سوره نحل، آیه ۱۴)
 ۳. «أَحَلَّ لَكُمْ صَيْدَ الْبَحْرِ وَطَعَامَهُ مَتَاعًا لَكُمْ، صَيْدَ دَرِيَا وَمَأْكُولَاتِهَا حَلَالٌ لَكُمْ» (سوره مائده، آیه ۹۶)

معصومین (ع) صادر شده است. در این درس به احکام فقهی مربوط به صید آبیان پرداخته می‌شود.

زنده گرفتن ماهی از آب

اگر ماهی فلس‌دار^۱ و میگو^۲ را زنده از آب بگیرند چه با دست یا قلاب یا تور ماهی‌گیری و غیر آن، و بیرون آب جان دهد، پاک و خوردن آن حلال است.^۳ (همه مراجع)

بیرون افتادن ماهی از آب

اگر ماهی از آب بیرون بیفتد، یا موج آن را بیرون بیندازد، یا آب فرو رود و ماهی در خشکی بماند، چنانچه پیش از آنکه بمیرد، با دست یا به وسیله دیگر گرفته شود، در حکم صید محسوب شده و حلال است و اگر قبل از گرفته شدن بمیرد، حرام می‌باشد.^۴ (همه مراجع)

افتادن ماهی داخل کشتی

اگر ماهی‌ای از آب به کشتی بی‌د، مادامی‌که به دست گرفته نشده حلال نمی‌باشد و کشتی‌نشینان و صاحب کشتی آن را مالک نمی‌شوند و هر کسی که آن را به قصد

۱. پولک موجود در بدن ماهی. (فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ج ۲، ص ۲۹۱)

۲. احکام صید میگو، همانند احکام صید ماهی است.

۳. امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۲، القول فی الصيد، ص ۱۴۳، م ۲۴؛ خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۳۲، م ۱۶۲۱؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۷۸، م ۱۶۲۱؛ وحید خراسانی، توضیح المسائل، ص ۵۱۱، م ۲۶۷۹؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۷۲، م ۸۲۲؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۵۰، م ۱۳۲۲؛ توضیح المسائل (محشی- امام خمینی)، ج ۲، ص ۷۶۷، م ۲۶۱۵؛ شبیری زنجانی، توضیح المسائل، ص ۵۴۹، م ۲۶۲۴؛ سبحانی، توضیح المسائل، ص ۴۹۱، م ۲۶۶۳؛ نوری همدانی، توضیح المسائل، ص ۲۸۶، م ۲۶۱۳؛ مظاهری، توضیح المسائل، ص ۳۹۳، م ۲۱۷۴؛ مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۳۱، م ۲۲۴۸؛

۴. همان‌ها.

تملك بگیرد مالک می‌شود؛ ولی اگر صاحب کشتی قصد شکار داشته باشد، به اینکه در شب، روشنایی برای کشتی و کوبیدن و زدن به چیزی مانند زنگ، قرار دهد تا ماهی‌ها به کشتی بپرند، در این صورت آنها را مالک می‌شود و تذکیر آنها به همان است.^۱ (آیات عظام امام خمینی، خویی، وحید خراسانی، سیستانی)

ماهی مرده در آب

چنانچه ماهی در آب بمیرد، هر چند پاک است، ولی خوردن آن حرام می‌باشد.^۲ (همه مراجع)

ماهی بعد از صید داخل آب بمیرد

اگر برای صید ماهی توری را نصب کند یا حصار در آب بسازد، ماهی‌ای را که داخل آنها می‌افتد، مالک می‌شود؛ اما در مورد حلیت و حرمت آن چند صورت وجود دارد:

صورت اول: اگر به طور زنده از آب بیرون بیاورد، حلال است.^۳ (آیات عظام امام خمینی، خویی، وحید خراسانی، سیستانی، شبیری زنجانی، مظاهری، خامنه‌ای، مکارم شیرازی، نوری همدانی)

۱. امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۲، القول فی الصید، ص ۱۴۳، م ۲۶؛ خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۳۲، م ۱۶۲۴؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، م ۳۷۹، ص ۱۶۲۴؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۷۳، م ۸۲۶؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۵۰، م ۱۳۲۴.

۲. همان‌ها.

۳. امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۲، القول فی الصید، ص ۱۴۳، م ۲۷؛ امام خمینی، استفتاءات، ج ۲، ص ۴۹۴، س ۲؛ نوری همدانی، توضیح المسائل، ص ۳۸۷، م ۲۶۱۳؛ خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۳۳، م ۱۶۲۶؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۷۹ و ۳۸۰، م ۱۶۲۶؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۷۳، م ۸۲۸؛ شبیری زنجانی، توضیح المسائل، ص ۵۴۹، م ۲۶۲۴؛ مظاهری، توضیح المسائل، ص ۳۹۳، م ۲۱۷۴؛ سایت leader.ir، دفتر مقام معظم رهبری، پرسش شماره ۶۹۹۶۶، موضوع: شکار و ذبح حیوانات؛ مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۳۱، م ۲۲۴۸؛ مکارم شیرازی، استفتاءات جدید، ج ۲، ص ۴۱۴، س ۱۲۲۰؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۵۰، م ۱۳۲۲.

صورت دوم: آب به سبب جزر یا غیر جزر پایین بنشیند و بعد از پایین نشستن آب، در آن بمیرد، ماهی تذکیه شده و خوردن آن حلال است.^۱ (آیات عظام امام خمینی، خویی، وحید خراسانی، سیستانی، شبیری زنجانی، مظاهری، خامنه‌ای، مکارم شیرازی، نوری همدانی)

صورت سوم: اگر ماهی در داخل تور در آب بمیرد، آیا حلال است یا نه؟ فتوای مراجع مختلف است:

قول اول: ماهی اگر در داخل آب بمیرد، اگر چه در تور ماهی‌گیری باشد، خوردن آن حرام است.^۲ (حضرت امام خمینی)

قول دوم: اگر ماهی داخل آب بمیرد، احتیاط واجب اجتناب از آن است.^۳ (آیت الله سبحانی)

قول سوم: حلال بودن آن خالی از قوت نیست، هر چند احوط ترک خوردن آن است.^۴ (آیت الله نوری همدانی)

قول چهارم: اگر در تور ماهی‌گیری در آب بمیرد، حلال است.^۵ (آیات عظام خویی، وحید خراسانی، سیستانی، شبیری زنجانی، مظاهری، خامنه‌ای، مکارم شیرازی)

۱. همان‌ها .

۲. امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۲، القول فی الصید، ص ۱۴۳، م ۲۷؛ امام خمینی، استفتاءات، ج ۲، ص ۴۹۴، س ۲ .

۳. سبحانی، استفتاءات، ج ۱، ص ۳۷۲، س ۱۱۵۹ .

۴. نوری همدانی، توضیح المسائل، ص ۳۸۷، م ۲۶۱۳؛ نوری همدانی، استفتاءات، ج ۲، ص ۸۵۰ .

۵. خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۳۳، م ۱۶۲۶؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۷۹ و ۳۸۰، م ۱۶۲۶؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۷۳، م ۸۲۸؛ شبیری زنجانی، توضیح المسائل، ص ۵۴۹، م ۲۶۲۴؛ مظاهری، توضیح المسائل، ص ۳۹۳، م ۲۱۷۴؛ سایت leader.ir، دفتر مقام معظم رهبری، س ۶۹۹۶۶ و ۷۰۱۷۳ و ۳۱۹۴۷، موضوع: شکار و ذبح حیوانات؛ مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۳۱، م ۲۲۴۸؛ مکارم شیرازی، استفتاءات جدید، ج ۲، ص ۴۱۴، س ۱۲۲۰ .

مسئله اختصاصی

اگر تور را از آب بیرون بیاورد و بعضی از آنچه که در آن است یا همه آن را مرده ببیند و نداند که در آب مرده یا بعد از خروج از آب، احتیاط آن است که از آن اجتناب شود.^۱ (حضرت امام خمینی)

برگرداندن ماهی صید شده داخل آب

قول اول: اگر ماهی را زنده از آب بیرون بیاورد، سپس آن را بسته یا غیر بسته به آب برگرداند و در آب بمیرد، حرام است.^۲ (آیات عظام امام خمینی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی، وحید خراسانی)

قول دوم: اگر بعد از صید ماهی یا میگو، آنها را به طور نیمه جان داخل گونی گذاشته، سپس آن را داخل آب قرار دهند و بعضی از آنها به واسطه جراحت یا فشردگی محلّ، در داخل آب بمیرند، حلال است.^۳ (آیت الله مکارم)

شرایط صید ماهی

۱ - در تذکیه ماهی در وقت بیرون آوردن آن از آب یا در وقت گرفتن آن بعد از خروج آن از آب، ذکر نام خدا شرط نیست، کما اینکه اسلام در شکار کننده آن معتبر نیست؛ پس اگر کافر آن را بیرون آورد یا آن را بگیرد و بعد از گرفتن بمیرد،

۱. تحریرالوسیله، امام خمینی، ج ۲، القول فی الصيد، ص ۱۴۳، م ۲۷؛ امام خمینی، استفتاءات، ج ۲، ص ۴۹۴، س ۲.

۲. امام خمینی، تحریرالوسیله، القول فی الصيد، ج ۲، ص ۱۴۴، م ۲۸؛ خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۳۳، م ۱۶۲۷؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۷۹، م ۱۶۲۲؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۷۳، م ۸۲۹؛ سایت leader.ir، دفتر مقام معظم رهبری، کانال فقه و احکام، حکم ماهی که در آب مرده.

۳. مکارم شیرازی، استفتاءات جدید، ج ۳، ص ۳۰۰، س ۷۹۵.

حلال است؛ چه اهل کتاب باشد یا غیر او.^۱ (همه مراجع)
۲ - اگر کافر ماهی را لز آب بیرون آورد یا آن را بگیرد و بعد از گرفتن بمیرد، حلال است، ولی مسلمان باید گرفتن آن را دیده باشد یا از راه دیگری یقین داشته باشد که زنده از آب گرفته شده است.^۲ (سیستانی، شبیری زنجانی، مکارم شیرازی، نوری همدانی؛ یا آن که در تور او در آب مُرده است).^۳ (آیات عظام خوبی، سیستانی، شبیری زنجانی، مکارم شیرازی، نوری همدانی، سبحانی)

فرع فقهی

کافر باید قصد صید داشته باشد. بنابراین، اگر بچه غیر ممیز [کافر] ماهی را از آب دریا صید نماید یا ماهی - خود - از آب دریا به ساحل بیرون پریده و بمیرد، خوردن آن حرام است.^۴ (آیت الله سیستانی)

حکم خوردن ماهی زنده

قول اول: در حلال بودن ماهی، مرده بودن آن معتبر نیست، بنابراین بلعیدن

۱. امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۲، القول فی الصید، ص ۱۴۳ و ۱۴۴، م ۲۵؛ امام خمینی، استفتاءات، ج ۲، ص ۴۹۹، س ۱۵؛ خوبی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۳۳، م ۱۶۲۲؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۷۹ و ۳۸۰، م ۱۶۲۷؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۷۲، م ۸۲۴؛ توضیح المسائل (محشی - امام خمینی)، ج ۲، ص ۷۶۸، م ۲۶۱۷؛ شبیری زنجانی، توضیح المسائل، ص ۵۴۹، م ۲۶۲۶؛ مظاهری، توضیح المسائل، ص ۳۹۳، م ۲۱۷۴؛ سایت leader.ir، دفتر مقام معظم رهبری، س ۶۹۹۶۶ و ۷۰۱۷۳، موضوع: شکار و ذبح حیوانات؛ مکارم شیرازی، استفتاءات جدید، ج ۲، ص ۴۱۴، س ۱۲۲۰.
۲. توضیح المسائل (محشی - امام خمینی)، ج ۲، ص ۷۶۸، م ۲۶۱۷؛ سبحانی، توضیح المسائل، ص ۴۹۳، م ۲۲۶۵.
۳. شبیری زنجانی، توضیح المسائل، ص ۵۴۹، م ۲۶۲۶؛ مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۳۱، م ۲۲۵۰؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۵۲، م ۱۳۲۷؛ مکارم شیرازی، استفتاءات جدید، ج ۲، ص ۴۱۴، س ۱۲۱۹؛ نوری همدانی، استفتاءات، ج ۲، ص ۸۴۹.
۴. سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۵۲، م ۱۳۲۷.

زنده آن حلال می‌باشد.^۱ (آیات عظام امام خمینی، خوبی، وحید خراسانی، سیستانی، شبیری زنجانی، مظاهری)

قول دوم: خوردن ماهی‌های کوچک زنده اشکال دارد. (آیت الله مکارم؛ مگر برای درمان در مقام ضرورت).^۲ (آیات عظام مکارم شیرازی، سبحانی)

حکم خوردن ماهی داخل شکم ماهی صید شده

قول اول: خالی از اشکال نیست؛ احتیاط در اجتناب از آن است.^۳ (آیات عظام سیستانی، مکارم شیرازی)

قول دوم: اگر از شکم ماهی‌ای که از بازار خریداری شده، ماهی دیگری درآید، حلال است.^۴ (آیت الله نوری همدانی)

وصل کردن برق به آب

قول اول: به احتیاط واجب حرام است. اگر ماهی را به وسیله برق صید کنند و ماهی صید شده در آب بمیرد و مرده آن را از آب بیرون آورند، اشکال دارد، مگر این که بیرون از آب بمیرد.^۵ (آیت الله مکارم)

قول دوم: عمل مذکور، حکم صید را ندارد و اگر ماهی در آب بمیرد، حرام

۱. امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۲، القول فی الصيد، ص ۱۴۵، م ۳۰؛ خوبی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۳۴، م ۱۶۳۰؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۸۰، م ۱۶۳۰؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۷۴، م ۸۳۳؛ توضیح المسائل (محشی- امام خمینی)، ج ۲، ص ۷۶۹، م ۲۶۱۹؛ شبیری زنجانی، توضیح المسائل، ص ۵۵۰، م ۲۶۲۸؛ مظاهری، توضیح المسائل، ص ۳۹۳، م ۲۱۷۶.

۲. مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۳۲، م ۲۲۵۲؛ سبحانی، توضیح المسائل، ص ۴۹۳، م ۲۲۶۷.

۳. سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۵۹، م ۱۳۴۰؛ مکارم شیرازی، استفتاءات جدید، ج ۱، ص ۲۷۷، س ۹۶۴.

۴. نوری همدانی، استفتاءات، ج ۲، س ۸۶۳.

۵. مکارم شیرازی، استفتاءات جدید، ج ۱، ص ۲۸۱، س ۹۸۱.

است.^۱ (مقام معظم رهبری)

صید با انفجار در آب و مانند آن

اگر ماهی به سببی مانند ضربه زدن یا دادن سم یا غیر اینها که ناتوانی در شنا کردن ایجاد کنند، به روی آب شناور گردد، پس اگر شخصی به آن برسد و قبل از مردن آن را زنده از آب خارج نماید، حلال و اگر در آب بمیرد، حرام است.^۲ (حضرت آیات امام خمینی، خویی، وحید خراسانی، سیستانی، مکارم شیرازی، سبحانی)

شکار ماهی در حوضچه

چنانچه دریچه تخلیه آب حوضچه‌های پرورش ماهی را به نیت صید ماهی باز کرده تا آب کاملاً تخلیه شده و ماهی‌ها جان دهند، تذکیر محقق است و ماهی‌ها حلال‌اند.^۳ (آیات عظام خامنه‌ای، سبحانی، سیستانی)

بریان کردن ماهی یا کشتن آن قبل از جان دادن

اگر ماهی زنده را بریان کنند، یا در بیرون آب پیش از جان دادن بکشند (آیت الله خویی، وحید) و به سبب قطعه قطعه کردن یا دریدن شکم یا ضربه زدن به سر ماهی بمیرد، خوردن آن اشکال ندارد. (آیات عظام وحید خراسانی، شبیری زنجانی؛ ولی

۱. سایت leader.ir، دفتر مقام معظم رهبری، س ۱۷۲۴۰، موضوع: شکار و ذبح حیوانات .
۲. امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۲، القول فی الصيد، ص ۱۴۴، م ۲۹؛ خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۳۴، م ۱۶۲۸؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۸۰، م ۱۶۲۸؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۷۳ و ۲۷۴، م ۸۳۱؛ مکارم شیرازی، استفتاءات جدید، ج ۱، ص ۲۸۲، س ۹۹۰؛ سبحانی، استفتاءات، ج ۳- ص ۵۱۲، س ۱۵۷۷.
۳. سایت leader.ir، دفتر مقام معظم رهبری، استفتاءات جدید، ۲۲/ تیر/ ۱۴۰۰؛ سبحانی، استفتاءات، ج ۱، ص ۳۷۱، س ۱۱۵۷؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۵۲، م ۱۳۲۷.

احتیاط مستحب آن است که از خوردن آن خودداری کنند.^۱ (همه مراجع)
نکته: هر چند با این عمل گوشت ماهی حرام نخواهد شد، ولی چون آزار رساندن به این جاندار است، کار حرامی است، لذا توصیه می شود از این عمل پرهیز شود.

دو قسمت کردن ماهی و به آب افتادن قسمت زنده آن

صورت اول) بیرون آب

قول اول: اگر ماهی را بیرون آب دو قسمت کنند و یک قسمت آن در حالی که زنده است در آب بیفتد، چه باقی مانده در آب بمیرد یا نه، خوردن قسمتی که بیرون آب مانده اشکال ندارد.^۲ (آیات عظام امام خمینی، خویی، سیستانی، سبحانی)

قول دوم: اگر ماهی را بیرون آب دو قسمت کنند و یک قسمت آن در حالی که زنده است در آب بیفتد، بنا بر احتیاط، قسمتی را که بیرون آب مانده، نباید خورد.^۳ (آیات عظام شبیری زنجانی، وحید خراسانی، مکارم شیرازی)

۱. امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۲، القول فی الصيد، ص ۱۴۵، م ۳۰؛ خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۳۴، م ۱۶۳۰؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۸۰، م ۱۶۳۰؛ وحید خراسانی، توضیح المسائل، ص ۵۴۵؛ ۲۶۸۴؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۷۴، م ۸۳۳؛ توضیح المسائل (محتسی— امام خمینی)، ج ۲، ص ۷۷۰، م ۲۶۲۰؛ شبیری زنجانی، توضیح المسائل، ص ۵۵۰، م ۲۶۲۹؛ مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۳۸، م ۲۲۵۴؛ مکارم شیرازی، استفتاءات جدید، ج ۱، ص ۲۸۲، س ۹۸۹؛ مظاهری، توضیح المسائل، ص ۳۹۳، م ۲۱۷۶؛ نوری همدانی، توضیح المسائل، ص ۲۸۶، م ۲۶۱۶؛ سبحانی، استفتاءات، ج ۲، ص ۵۱۲، س ۱۶۲۳.

۲. امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۲، القول فی الصيد، ص ۱۴۵، م ۳۰؛ خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۳۴، م ۱۶۳۱؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۷۴، م ۸۳۳؛ توضیح المسائل (محتسی— امام خمینی)، ج ۲، ص ۷۷۰، م ۲۶۲۱. سبحانی، توضیح المسائل، ص ۴۹۳، م ۲۲۶۸.

۳. شبیری زنجانی، توضیح المسائل، ص ۵۵۰، م ۲۶۳۰؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۸۰، م ۱۶۳۱؛ وحید خراسانی، توضیح المسائل، ص ۵۱۲، م ۲۶۸۵؛ مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ص ۴۳۲، م ۲۲۵۴.

صورت دوم) داخل آب

اگر قطعه‌ای از آن را در حالی که در آب، زنده یا مرده است جدا کند، آنچه را که قطع نموده‌اند حلال نمی‌باشد. (آیت الله خویی و سیستانی، وحید خراسانی؛ باقی که در آب است، حلال می‌باشد).^۱ (آیات عظام امام خمینی، خویی، سیستانی، وحید خراسانی)

اجزای حرام ماهی حلال گوشت^۲

از اجزای ماهی، فقط فضله و خون آن بنابر احتیاط واجب حرام است. (آیت الله سیستانی: مگر آنکه خون و فضله داخل بدن به همراه ماهی خورده شود، که در این صورت اجتناب از آن لازم نیست).^۳ (آیات عظام سیستانی، خامنه‌ای)

صید برای سرگرمی و خوشگذرانی

قول اول: صید برای سرگرمی و خوشگذرانی جایز نیست بلکه تنها برای نیاز شخصی یا برای کسب و کار جایز است؛ اما گوشت صید لهوری حرام نیست، ولی عمل صید کردن لهوری حرام است.^۴ (آیت الله مکارم شیرازی)

قول دوم: صید با شرایط حلال است و لهوری بودن یا نبودن درباره مسافر است.^۵ (آیت الله نوری همدانی)

۱. امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۲، القول فی الصید، ص ۱۴۵، م ۳۰؛ خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۳۴، م ۱۶۳۱؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۷۴، م ۸۳۳؛ توضیح المسائل (محشی— امام خمینی)، ج ۲، ص ۷۷۰، م ۲۶۲۱؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین ج ۳، ص ۳۸۰، م ۱۶۳۱.

۲. این مسئله در فتوای بقیه مراجع یافت نشد.

۳. سایت leader.ir، دفتر مقام معظم رهبری، س ۳۶۷۲، موضوع: خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، م ۱۳۳۹.

۴. مکارم شیرازی، استفتاءات جدید، ج ۲، ص ۴۱۴، س ۱۲۱۸ و ۱۲۲۲.

۵. نوری همدانی، استفتاءات، س ۸۴۶ و ۸۴۷.

صید بی رویه

شکار و صید بی رویه آبزیان، که موجب نابودی نسل آنها خواهد شد، از لحاظ شرعی اگر موجب ضرر و زیان جامعه گردد، حرام است.^۱ (آیت الله مکارم)

خلاصه

شیوه شرعی صید ماهی

(الف) آن را زنده از آب بگیرند.

(ب) اگر ماهی از آب خارج شد، قبل از مردن، با دست یا به وسیله دیگر گرفته شود.

احکام صید ماهی

۱ - چنانچه ماهی در آب بمیرد، هرچند پاک است، ولی خوردن آن حرام می باشد.

۲ - ماهی داخل تور صیادان

(الف) به طور زنده از آب بیرون بیاورد، حلال است.

(ب) آب به سبب جزر یا غیر جزر پایین بنشیند و بعد از پائین نشستن آب، بمیرد، حلال است.

(ج) اگر ماهی در داخل تور در آب بمیرد، بین فقها اختلاف است.

(د) تور را از آب بیرون بیاورد و شک کند که ماهی ها یا بعضی از آنها در آب مرده یا خارج آب، باید احتیاط کرد.

۳ - در صید ماهی، اسلام و بسم الله گفتن شرط نمی باشد، بلکه آنچه که اهمیت دارد اینکه برای انسان مسلمان اطمینان حاصل شود که ماهی زنده از آب خارج شده است.

۴ - در حکم خوردن ماهی زنده بین فقها اختلاف نظر است.

۵ - ماهی داخل شکم ماهی صید شده اختلاف است .

۱. مکارم شیرازی، استفتاءات جدید، ج ۲، ص ۴۱۷، س ۱۲۳۲ .

۶ - صید به وسیله وصل کردن برق به آب یا انفجار، در صورتی موجب حلیت ماهی می شود که ماهی به صورت زنده از آب گرفته شود، ولی اگر ماهی در آب بمیرد، حرام است.

۷ - اگر ماهی زنده را بریان کنند، یا در بیرون آب پیش از جان دادن سرش را جدا یا شکم آن را پاره کنند، خوردن آن اشکال ندارد؛ ولی احتیاط در نخوردن آن است.

۸ - فضله و خون ماهی بنا بر احتیاط واجب حرام است.

۹ - صید برای سرگرمی و خوشگذرانی گر چه طبق فتوای برخی از مراجع حرام است، اما موجب حرمت گوشت ماهی نمی شود.

پرسش‌ها

- ۱ - روش تذکيه ماهی را توضیح دهید.
- ۲ - حکم بریان کردن و خوردن ماهی زنده را بیان کنید.
- ۳ - شرایط صید ماهی را توضیح دهید.
- ۴ - صور و احکام ماهی که در تور صیاد افتاده را بیان فرمایید.
- ۵ - حکم صید لهوی را تکلیفاً و وضعاً بیان کنید.

درس هجدهم

احکام شکار با اسلحه^۱

اهداف درس

از خواننده گرامی انتظار می‌رود، پس از فراگیری این درس:

- ۱- تذکیر از طریق شکار که مخصوص حیوانات وحشی است را بداند.
- ۲- با شرایط شکار با اسلحه آشنا شود.
- ۳- حکم غصبی بودن اسلحه در شکار را فرا گیرد.
- ۴- حکم شکار شراکتی را بیاموزد.
- ۵- حکم دو قسمت شدن شکار به واسطه اسلحه را بداند.

مقدمه

شکار به وسیله اسلحه سرد و گرم با شرایطی موجب حلال شدن حیوان خواهد شد. در روایت صحیح حلبی وی می‌گوید از امام صادق(ع) سوال کردم: اگر انسان با نام خدا شمشیر و کارد بر تن شکار فرود آورد یا نیزه خود را بر تن او فرود برد یا تیر پیکان دار به سوی او پرتاب کند و شکار او کشته شود، کفایت می‌کند؟ فرمود: در

۱. در بحث صید و شکار، آیین‌نامه اجرایی قانون شکار و صید در نظام جمهوری اسلامی وجود دارد، که در پیوست شماره ۱ ذکر خواهد شد. باید توجه داشت که بر اساس فتوای مراجع عظام تقلید، تخلف از قوانین و مقررات جمهوری اسلامی شرعاً جایز نمی‌باشد.

هر صورت گوشت شکار حلال است.^۱ در این درس به احکام شکار در ضمن مسائلی پرداخته می‌شود.

صید حیوانات وحشی

حیوانات به دو گروه «اهلی» و «وحشی» تقسیم می‌شوند و حلال شدن حیوان با صید و شکار، مخصوص حیوانات وحشی است. منظور از «وحشی»، هر حیوان غیر اهلی است که انسان معمولاً بدون چاره‌اندیشی و به کار بردن ابزار، نمی‌تواند آن را به آسانی در اختیار گیرد مثل آهو، گوزن، کبک و بز کوهی. بنابراین، حیوانات حلال-گوشت اهلی مانند گاو، گوسفند، شتر، مرغ با شکار حلال نمی‌شوند؛ مگر اینکه حیوان اهلی، وحشی شده باشد، که در این صورت در حکم حیوانات وحشی است.^۲ (آیات عظام امام خمینی، خوبی، وحید خراسانی، سیستانی)

فرع فقهی:

اگر حیوانی که در اصل وحشی بوده مانند آهو یا کبوتر، به سبب تربیت اهلی گردد، با شکار حلال نمی‌شود.^۳ (آیت الله سیستانی)

حیوان وحشی که توانایی فرار یا پرواز ندارد، مانند بچه چهارپایان یا جوجه پرنده‌گان وحشی یا حیوان وحشی زخمی شده که قدرت حرکت ندارد، با شکار حلال نمی‌شود. بنابراین، اگر فرد به طرف کبوتر وحشی و جوجه‌اش تیراندازی کند و هر دو

۱. «أبو علي الأشعريُّ عن مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ جَمِيعاً عَنْ صَفْوَانَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنِ الْحَلْبِيِّ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ الصَّيْدِ يَضْرِبُهُ الرَّجُلُ بِالسَّيْفِ أَوْ يَطْعَنُهُ بِالرَّمْحِ أَوْ يَرْمِيهِ بِسَهْمٍ فَقَتَلَهُ وَ قَدْ سَمِيَ حَيْنًا فَعَلَ ذَلِكَ فَقَالَ كُلُّ لَأَا بَأْسٍ بِهِ» (الكافي؛ كليني، ابو جعفر، محمد بن يعقوب، ج ۶، ص ۲۱۰، حديث ۶)

۲. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۴۰، م ۱۲؛ منهج الصالحین، آیت الله خوبی (ره)، ج ۲، ص ۳۲۹، م ۱۶۰۶؛ منهج الصالحین، آیت الله وحید خراسانی، ج ۳، ص ۳۷۵، م ۱۶۰۶؛ منهج الصالحین، آیت الله سیستانی، ج ۳، ص ۲۶۶ و ۲۶۷، م ۸۰۵؛ توضیح المسائل جامع، آیت الله سیستانی، ج ۲، ص ۵۴۱، م ۱۲۹۳.

۳. توضیح المسائل جامع، آیت الله سیستانی، ج ۲، ص ۵۴۱، م ۱۲۹۴.

بمیرند، کبوتر حلال و جوجه حرام می‌باشد.^۱ (آیت الله سیستانی)

شرایط شکار با سلاح

هرگاه حیوان وحشی را با اسلحه شکار کنند با شرایطی پاک است، و اگر حلال گوشت باشد، حلال نیز می‌شود.^۲ (همه مراجع)

شرط اول: سلاح برنده یا تیز باشد

الف) شکار با اسلحه

اسلحه شکار مثل کارد و شمشیر باید برنده یا مثل نیزه و تیر، تیز باشد که به واسطه تیز بودن، بدن حیوان را پاره کند.^۳ (آیات عظام امام خمینی، خویی، وحید خراسانی، شبیری زنجانی، نوری همدانی، سبحانی، مکارم شیرازی، مظاهری)

فرع فقهی: در مورد سلاح برنده و نیز سلاح نوک تیزی که سرنیزه یا پیکان^۴ داشته باشد، همین که حیوان را بکشد کافی است، هرچند آن را مجروح نسازد. اما

۱. همان، م ۱۲۹۵.

۲. تحریرالوسیله، امام خمینی، ج ۲، ص ۱۳۹، م ۱۰؛ منهاج الصالحین، آیت الله خویی (ره)، ج ۲، ص ۳۲۹، م ۱۶۰۲؛ توضیح المسائل، آیت الله مظاهری، ص، م ۲۱۶۶؛ توضیح المسائل، آیت الله مکارم شیرازی، ص ۴۲۸، م ۲۲۳۴؛ توضیح المسائل، آیت الله سبحانی، ص ۴۸۹، م ۲۲۵۶؛ توضیح المسائل، آیت الله شبیری زنجانی، ص ۵۴۶، م ۲۶۱۰؛ توضیح المسائل، آیت الله نوری همدانی، ص ۲۸۴، م ۲۵۹۹؛ توضیح المسائل آیت الله وحید خراسانی، ص ۷۰۲، م ۲۶۶۵؛ توضیح المسائل جامع، آیت الله سیستانی، ج ۲، ص ۵۴۲، م ۱۲۹۶.

۳. تحریرالوسیله، امام خمینی، ج ۲، القول فی الصید، ص ۱۳۸، م ۶؛ توضیح المسائل (محشی- امام خمینی)، ج ۲، ص ۷۵۷، م ۲۶۰۱؛ خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۲۹، م ۱۶۰۲؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۷۳، م ۱۶۰۲؛ شبیری زنجانی، توضیح المسائل، ص ۵۴۶، م ۲۶۱۰؛ وحید خراسانی، توضیح المسائل، ص ۷۰۲، م ۲۶۶۵؛ نوری همدانی، توضیح المسائل، ص ۲۸۴، م ۲۵۹۹؛ سبحانی، توضیح المسائل، ص ۴۸۹، م ۲۲۵۶؛ مکارم شیرازی، توضیح المسائل، ص ۴۲۸، م ۲۲۳۴؛ مظاهری، توضیح المسائل، م ۲۱۶۶.

۴. پیکان فلژی نوک تیز که بر سر تیر و نیزه و مانند آن نصب می‌کنند و در لغت عربی «نصل» نامیده می‌شود.

در سلاح نوک‌تیزی که سرنیزه و پیکان ندارد، مثل معراض^۱، شرط است که بدن حیوان را مجروح و پاره کند. بنابراین، اگر بدون ایجاد جراحت و بر اثر ضربه و سنگینی حیوان را بکشد، حلال نمی‌شود.^۲ (آیات عظام امام خمینی، خویی، سیستانی، وحید خراسانی)

ب) شکار به وسیله دام و امثال آن

اگر به وسیله دام (ابزاری که با آن جانوران را شکار می‌کنند) یا ضربه چوب و سنگ و مانند اینها حیوانی را شکار کنند و بمیرد پاک نمی‌شود، و خوردن آن هم حرام است.^۳ (همه مراجع)

ج) شکار با تفنگ

قول اول: اگر گلوله آن تیز باشد که در بدن حیوان فرو رود و آن را پاره کند، پاک و حلال است، و اگر گلوله تیز نباشد بلکه با فشار در بدن حیوان فرو رود و حیوان را بکشد، یا به واسطه حرارتش بدن حیوان را بسوزاند و در اثر سوزاندن، حیوان بمیرد، پاک و حلال بودنش اشکال دارد.^۴ (آیات عظام امام خمینی، خویی، سیستانی، وحید

۱. «معراض»، سلاح چوبی است که دو سر آن نوک تیز و وسط آن ضخیم می‌باشد.

۲. خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، القول فی الصيد، ص ۳۲۹، م ۱۵۹۹؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۷۴، م ۱۵۹۹؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۶۴، م ۷۹۵؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۴۲، م ۱۲۹۷.

۳. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، القول فی الصيد، ص ۱۳۸، م ۷؛ توضیح المسائل (محشی- امام خمینی)، ج ۲، ص ۷۵۷، م ۲۶۰۱؛ خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۲۸، م ۱۶۰۱؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۷۳، م ۱۶۰۱؛ شبیری زنجانی، توضیح المسائل، ص ۵۴۶، م ۲۶۱۰؛ وحید خراسانی، توضیح المسائل، ص ۷۰۲، م ۲۶۶۵؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۶۴، م ۷۹۷؛ نوری همدانی، توضیح المسائل، ص ۲۸۴، م ۲۵۹۹؛ سبحانی، توضیح المسائل، ص ۴۸۹، م ۲۲۵۶؛ مکارم شیرازی، توضیح المسائل، ص ۴۲۸، م ۲۲۳۴.

۴. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، القول فی الصيد، ص ۱۳۸، م ۷؛ توضیح المسائل (محشی) -

خراسانی، خامنه‌ای، سبحانی)

قول دوم: اگر حیوانی را با تفنگ شکار کنند، خواه گلوله آن تیز باشد یا نه، باید طوری باشد که بدن حیوان را پاره کند و از آن خون جاری گردد.^۱ (آیات عظام مکارم شیرازی، مظاهری)

(د) شکار با غیر اسلحه

اگر با شیء نوک تیزی که عرفاً سلاح محسوب نمی‌شود، مانند میخ، میله بافتنی، چنگال، خار، سیخ کباب و مانند آن حیوانی را شکار کنند، بنابر احتیاط واجب کافی نیست.^۲ (حضرات آیات خویی، وحید خراسانی و سیستانی؛ اما آنچه که سلاح بر آن صدق می‌کند، اگر چه شکار با آن متعارف نباشد، شکار با آن صحیح است.)^۳ (آیات عظام امام خمینی، خویی، سیستانی، وحید خراسانی)

امام خمینی، ج ۲، ص ۷۵۷؛ ۲۶۰۱؛ خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۲۹، م ۱۶۰۲؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۷۴، م ۱۶۰۲. سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۶۴، م ۷۹۹؛ سبحانی، استفتائات، ج ۲، ص ۳۷۱، س ۱۱۵۶؛ آیت الله سیستانی در توضیح المسائل جامع چنین می‌فرماید: اگر حیوان وحشی حلال گوشت با تفنگ شکار شود، در صورتی که گلوله آن در بدن حیوان نفوذ کرده و آن را پاره کند، پاک و حلال است، هر چند گلوله آن، تیز و مخروطی نباشد، مانند ساچمه (گلوله‌های کروی شکل)؛ اما اگر گلوله بدون آنکه در بدن حیوان فرو رود یا آن را مجروح کند و بر اثر فشار یا حرارت حیوان را بگشود، چنانچه نوک تیز باشد برای صید حیوان کافی است؛ در غیر این صورت - مثل ساچمه کروی شکل - بنابر احتیاط واجب، موجب حلال و پاک شدن حیوان نمی‌شود. (سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۴۳، م ۱۳۰۰)

۱. مکارم شیرازی، توضیح المسائل، ص ۴۲۸، م ۲۲۳۴؛ مظاهری، توضیح المسائل، م ۲۱۶۶.
 ۲. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، القول فی الصید، صفحه ۱۳۸، م ۷؛ خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۲۹، م ۱۶۰۰؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۷۴، م ۱۶۰۰؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۶۴، م ۷۹۸؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۴۲، م ۱۲۹۷.

۳. همان‌ها.

ذ) آهن بودن اسلحه

سلاحی که در صید حیوان به کار می‌رود، لازم نیست از جنس آهن باشد، بلکه اگر از سایر فلزات مانند طلا و نقره و برنز و غیر اینها باشد نیز کافی است. لذا شکار حیوان به واسطه تیر و شمشیر مصنوعی هم صحیح است.^۱ (آیات عظام امام خمینی، خویی، وحید خراسانی، سیستانی)

شرط دوم: اسلام

قول اول: شکار کننده باید مسلمان یا بچهٔ مسلمان باشد که خوب و بد را بفهمد و اگر کافر یا کسی که اظهار دشمنی با اهل بیت پیغمبر - صلی الله علیه و آله و سلم - دارد، حیوانی را شکار کند، آن شکار حلال نیست.^۲ (همه مراجع غیر از آیت الله سیستانی و مکارم شیرازی)

قول دوم: بنا بر احتیاط واجب، شکار کننده باید مسلمان باشد یا بچهٔ مسلمانی که خوب و بد را می‌فهمد.^۳ (آیت الله مکارم)

قول سوم: کسی که شکار می‌کند باید مسلمان باشد. بنابراین، اگر کافر غیر کتابی حیوانی را شکار کند، آن شکار حلال نیست، بلکه کافر کتابی نیز اگر حیوانی

۱. خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۲۹، م ۱۵۹۸؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۷۳، م ۱۵۹۸؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۶۴، م ۷۹۸؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۴۲، م ۱۲۹۸.

۲. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، القول فی الصيد، ص ۱۴۰، م ۱۰؛ توضیح المسائل (محشی - امام خمینی)، ج ۲، ص ۷۵۷؛ م ۲۶۰۱؛ خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۳۰، م ۱۶۰۲؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۷۴، م ۱۶۰۲؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۶۴، م ۷۹۹؛ شبیری زنجانی، توضیح المسائل، ص ۵۴۶، م ۲۶۱۰؛ وحید خراسانی، توضیح المسائل، ص ۷۰۲، م ۲۶۶۵؛ نوری همدانی، توضیح المسائل، ص ۲۸۴، م ۲۵۹۹؛ سبحانی، توضیح المسائل، ص ۴۸۹، م ۲۲۵۶؛ مظاهری، توضیح المسائل، م ۲۱۶۶.

۳. مکارم شیرازی، توضیح المسائل، ص ۴۲۸، م ۲۲۳۴.

را شکار کند، بنا بر احتیاط واجب کافی نیست.^۱ (آیت الله سیستانی)

شرط سوم: ذکر نام خدا

در وقت به کار بردن اسلحه، نام خدا را ببرد و چنانچه عمداً نام خدا را نبرد، شکار حلال نمی‌شود، ولی اگر فراموش کند، اشکال ندارد.^۲ (آیت الله سیستانی: باید در هنگام به کار بردن سلاح یا قبل از برخورد کردن به هدف، به نیت صید شرعی، نام خداوند متعال را ببرد.) (همه مراجع)

شرط چهارم: کاربرد سلاح به قصد شکار

اسلحه را برای شکار کردن حیوان به کار ببرد و اگر به سوی خوک تیر بزند و به آهو بخورد یا اتفاقاً حیوانی را بکشد، و همچنین اگر تیر از دستش رها شود و به حیوان بخورد و آن را به قتل برساند، آن حیوان پاک نیست و خوردن آن هم حرام است.^۳

۱. سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۶۴، م ۷۹۷؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۴۴، م ۱۳۰۲.

۲. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، القول فی الصيد، ص ۱۴۰، م ۱۰؛ توضیح المسائل (محشی— امام خمینی)، ج ۲، ص ۷۵۷، م ۲۶۰۱؛ خوبی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۳۰، م ۱۶۰۲؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۷۴، م ۱۶۰۲؛ شبیری زنجانی، توضیح المسائل، م ۲۶۱۰؛ وحید خراسانی، توضیح المسائل، ص ۷۰۲، م ۲۶۶۵؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۶۴، م ۷۹۷؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۴۴، م ۱۳۰۳ و ۱۳۰۴؛ نوری همدانی، توضیح المسائل، ص ۲۸۴، م ۲۵۹۹؛ سبحانی، توضیح المسائل، ص ۴۸۹، م ۲۲۵۶؛ مظاهری، توضیح المسائل، م ۲۱۶۶؛ مکارم شیرازی، توضیح المسائل، ص ۴۲۸، م ۲۲۳۴.

۳. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، القول فی الصيد، ص ۱۴۰، م ۱۰؛ توضیح المسائل (محشی— امام خمینی)، ج ۲، ص ۷۵۷، م ۲۶۰۱؛ خوبی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۳۰، م ۱۶۰۲؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۷۴، م ۱۶۰۲؛ شبیری زنجانی، توضیح المسائل، م ۲۶۱۰؛ وحید خراسانی، توضیح المسائل، ص ۷۰۲، م ۲۶۶۵؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۶۶، م ۷۹۹؛ نوری همدانی، توضیح المسائل، ص ۲۸۴، م ۲۵۹۹؛ سبحانی، توضیح المسائل، ص ۴۸۹، م ۲۲۵۶؛ مظاهری، توضیح المسائل، م ۲۱۶۶؛ مکارم شیرازی، توضیح المسائل، ص ۴۲۸، م ۲۲۳۴.

(آیت الله سیستانی: بنابراین، اگر بچه غیر ممیز یا فرد دیوانه یا مست حیوان را شکار نماید، کافی نیست.^۱) (همه مراجع)

تیر اندازی به قصد شکار

اگر به قصد شکار تیراندازی کند، اما تیر به حیوان دیگری که قصد شکار آن را نداشته برخورد کند، آن حیوان حلال است.^۲ (آیات عظام خویی، وحید خراسانی، سیستانی)

شرط پنجم: فرصت کافی برای ذبح حیوان وجود نداشته باشد

لازم است شکارچی با رعایت فوریت عرفی، خود را به حیوان شکار شده برساند. بنابراین، اگر شکارچی وقتی برسد که حیوان مرده باشد یا وقت کافی برای ذبح نباشد، حیوان حلال است، و اگر حیوان زنده است و به اندازه سر بریدن آن وقت باشد و سر حیوان را نبرد تا بمیرد، حرام است.^۳ (همه مراجع)

شرط ششم: مرگ حیوان مستند به شکار باشد

اگر بعد از آن که حیوانی را تیر زدند مثلاً در آب بیفتد و انسان بداند که حیوان بواسطه

۱. سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۴۴، م ۱۳۰۵.
۲. خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، القول فی الصيد، ص ۳۳۰، م ۱۶۰۲؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۷۴، م ۱۶۰۲؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۶۶، م ۷۹۹؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۴۵، م ۱۳۰۶.
۳. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، القول فی الصيد، ص ۱۴۰، م ۱۰؛ توضیح المسائل (محشی- امام خمینی)، ج ۲، ص ۷۵۷، م ۲۶۰۱؛ خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۳۰، م ۱۶۰۲؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۷۴، م ۱۶۰۲؛ شبیری زنجانی، توضیح المسائل، ص ۵۴۶، م ۲۶۱۰؛ وحید خراسانی، توضیح المسائل، ص ۷۰۲، م ۲۶۶۵؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۶۶، م ۷۹۹؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۴۵، م ۱۳۰۷؛ نوری همدانی، توضیح المسائل، ص ۲۸۴، م ۲۵۹۹؛ سبحانی، توضیح المسائل، ص ۴۸۹، م ۲۲۵۶؛ مظاهری، توضیح المسائل، م ۲۱۶۶؛ مکارم شیرازی، توضیح المسائل، ص ۴۲۸، م ۲۲۳۴؛ سایت leader.ir، دفتر مقام معظم رهبری، س ۶۹۳۱۴، موضوع: شکار و ذبح حیوانات؛ مکارم شیرازی، استفتاءات جدید، ج ۱، ص ۲۸۰، س ۹۸۲.

تیر و افتادن در آب جان داده، حلال نیست، بلکه اگر شک کند که فقط برای تیر بوده یا نه نیز حلال نمی‌باشد.^۱ (همه مراجع)

فروع فقهی

شتاب تیر به وسیله وزش باد

اگر وزش باد باعث شتاب تیر گردد طوری که اگر باد نبود، تیر بدن حیوان را سوراخ نمی‌کرد یا اصلاً به حیوان نمی‌رسید، اشکال ندارد. همچنین اگر تیر ابتدا به زمین اصابت کند، سپس کمانه کرده و به شکار بخورد و آن را بکشد، حیوان پاک و حلال است.^۲ (آیات عظام خویی، وحید خراسانی، سیستانی)

مباح بودن وسیله شکار

مباح بودن وسیله شرط نیست؛ پس اگر با سگ غصبی یا اسلحه غصبی حیوانی را شکار کند، شکار حلال است و مال خود او می‌شود، ولی گذشته از این که گناه کرده، باید اجرت استفاده از اسلحه یا سگ را به صاحبش بدهد.^۳ (آیات عظام امام خمینی،

۱. تحریرالوسیله، امام خمینی، ج ۲، القول فی الصید، ص ۱۴۰، م ۱۰؛ توضیح المسائل (محشی- امام خمینی)، ج ۲، ص ۷۵۹، م ۲۶۰۳؛ خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۳۰، م ۱۶۰۲؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۷۴، م ۱۶۰۲؛ شبیری زنجانی، توضیح المسائل، ص ۵۴۷، م ۲۶۱۲؛ وحید خراسانی، توضیح المسائل، ص ۷۰۲، م ۲۶۶۷؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۶۶، م ۸۰۰؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۵۱، م ۱۳۰۱؛ نوری همدانی، توضیح المسائل، ص ۲۸۴، م ۲۶۰۱؛ سبحانی، توضیح المسائل، ص ۴۸۹، م ۲۲۵۷؛ مکارم شیرازی، توضیح المسائل، ص ۹۴۲۸، م ۲۲۳۶؛ مظاهری، توضیح المسائل، م ۲۱۶۸.

۲. خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۳۰، م ۱۶۰۳؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۷۴، م ۱۶۰۳؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۶۶، م ۸۰۱؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، م ۱۳۰۱.

۳. امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۲، القول فی الصید، ص ۱۴۰، م ۱۱؛ خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۳۰، م ۱۶۰۵؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۷۴، م ۱۶۰۵؛ شبیری

خویی، وحید خراسانی، سیستانی، شبیری زنجانی، مکارم شیرازی، نوری همدانی (

مشارکت دو مسلمان و کافر در شکار

یکی بودن شکارچی و یکی بودن وسیله سلاح، در حلال بودن شرط نیست؛ بنابراین اگر یک نفر تیر بزند و دیگری با سر نیزه زخمی وارد نماید و هر دو ذکر خدا بگویند و هر دو شکار را به قتل برسانند، با وجود شرایط دیگر حلال می‌شود، بلکه اگر یکی سگش را به سوی شکار بفرستد و دیگری آن را با تیری بزند و به وسیله هر دو کشته شود، حلال می‌شود.^۱ (آیات عظام امام خمینی، خویی، وحید خراسانی، سیستانی)

مشارکت مسلمان و کافر در شکار

اگر دو نفر حیوانی را شکار کنند و شکار حیوان عرفاً به هر دو مستند بوده و یکی از آنان مسلمان و دیگری کافر باشد، یا یکی از آن دو نام خدا را ببرد و دیگری عمداً نام خدا را نبرد آن حیوان حلال نیست.^۲ (همه مراجع)

شکار حیوان حرام گوشت

همان طور که تذکیر به وسیله شکار بر حیوان حلال گوشت واقع می‌شود، بر غیر

زنجانی، توضیح المسائل، ص ۵۴۷، م ۲۶۱۶؛ وحید خراسانی، توضیح المسائل، ص ۷۰۲، م ۲۶۶۸؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۶۶، م ۷۹۹؛ نوری همدانی، توضیح المسائل، ص ۲۸۴، م ۲۶۰۲؛ مکارم شیرازی، توضیح المسائل، ص ۴۲۹، م ۲۲۳۷.

۱. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، القول فی الصيد، ص ۱۴۰، م ۹؛ خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۳۰، م ۱۶۰۴؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۷۴، م ۱۶۰۴؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۶۶، م ۸۰۲.

۲. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، القول فی الصيد، ص ۱۴۰، م ۱۰؛ توضیح المسائل (محشی— امام خمینی)، ج ۲، ص ۷۵۹، م ۲۶۰۱؛ خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۳۰، م ۱۶۰۲؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۷۴، م ۱۶۰۲؛ شبیری زنجانی، توضیح المسائل، ص ۵۴۶، م ۲۶۱۰؛ وحید خراسانی، توضیح المسائل، ص ۷۰۲، م ۲۶۶۵؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۶۶، م ۷۹۹؛ نوری همدانی، توضیح المسائل، ص ۲۸۴، م ۲۵۹۹؛ سبحانی، توضیح المسائل، ص ۴۸۹، م ۲۲۵۶؛ مظاهری، توضیح المسائل، م ۲۱۶۶؛ مکارم شیرازی، توضیح المسائل، ص ۴۲۸، م ۲۲۳۴.

حلال گوشت قابل تذکيه نيز، واقع می‌شود؛ پس پوست آن پاک شده و استفاده از آن جایز است و این در صورتی است که شکار به وسیلهٔ اسلحه باشد. اما اگر به وسیلهٔ جاندار باشد دارای تأمل و اشکال است.^۱ (آیات عظام امام خمینی، خویی، وحید خراسانی، سیستانی)

دو قسمت شدن شکار

الف) با شمشیر و سلاح دو قسمت شود: اگر با شمشیر یا چیز دیگری که شکار کردن با آن صحیح است با شرط‌هایی که گفته شد، حیوانی را دو قسمت کنند، و سر و گردن در یک قسمت بماند، صورت‌های مختلفی قابل تصور است.

صورت اول: وقتی برسد که حیوان جان داده باشد، هر دو قسمت حلال است.^۲

(همه مراجع)

صورت دوم: حیوان زنده باشد و وقت برای ذبح نباشد:

قول اول: وقتی برسد که حیوان زنده باشد، ولی به اندازهٔ سر بریدن وقت نباشد،

هر دو قسمت حلال است.^۳ (همه مراجع غیر از آیت الله سبحانی)

قول دوم: اگر حیوان زنده بوده و وقت برای سر بریدن به آداب شرع تنگ باشد

۱. امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۲، القول فی الصيد، ص ۱۴۰ و ۱۴۱، م ۱۳؛ خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۳۱، م ۱۶۰۸. وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۷۷، م ۱۶۰۸؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۶۸، م ۸۰۶.

۲. امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۲، القول فی الصيد، ص ۱۴۰ و ۱۴۱، م ۱۴؛ خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۳۱، م ۱۶۰۹؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۷۷، م ۱۶۰۹؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۶۸، م ۸۰۷؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۴۶؛ م ۱۳۱۰؛ آیت الله شبیری زنجانی، توضیح المسائل، ص ۵۴۷، م ۲۶۱۴؛ وحید خراسانی، توضیح المسائل، ص ۵۴۳؛ م ۲۶۶۹؛ توضیح المسائل (محشی) — امام خمینی، ج ۲، ص ۷۶۰، م ۲۶۰۵؛ نوری همدانی، توضیح المسائل، ص ۲۸۴، م ۲۶۰۳؛ مظاهری، توضیح المسائل، م ۲۱۶۹؛ مکارم شیرازی، توضیح المسائل، ص ۴۲۹، م ۲۲۳۸؛ سبحانی، توضیح المسائل، ص ۴۹۰، م ۲۲۵۸.

۳. همان.

در این صورت قسمتی که سر و گردن ندارد حرام و قسمتی که سر و گردن دارد حلال است.^۱ (آیت الله سبحانی)

صورت سوم: وقتی برسد که حیوان زنده باشد، و به اندازه سر بریدن وقت باشد، قسمتی که سر و گردن ندارد حرام و قسمتی که سر و گردن دارد، اگر سر آن را به دستور شرع که ذکر شد، ببرند، حلال و گرنه آن هم حرام می‌باشد.^۲ (همه مراجع)

مسئله اختصاصی: اگر با سلاح شکار مانند شمشیر، بعضی از اعضای بدن حیوان وحشی مانند دست، پا، گوش یا قسمتی از سر جدا شود، عضو قطع شده نجس و حرام می‌باشد، ولی چنانچه آن حیوان را ذبح شرعی نمایند، باقی‌مانده بدن آن حیوان پاک و حلال می‌شود.^۳ (آیت الله سیستانی)

ب) با غیر اسلحه شکار دو قسمت شود: اگر با چوب یا سنگ یا چیز دیگری که شکار کردن با آن صحیح نیست حیوانی را دو قسمت کنند، قسمتی که سر و گردن ندارد حرام است و قسمتی که سر و گردن دارد اگر زنده باشد و سر آن را به دستوری که ذکر شد ببرند، حلال و گرنه آن قسمت هم حرام است.^۴ (همه مراجع)

۱. سبحانی، توضیح المسائل، ص ۴۹۰، م ۲۲۵۸.

۲. امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۲، القول فی الصيد، ص ۱۴۰ و ۱۴۱، م ۱۴؛ خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۳۱، م ۱۶۰۹؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۷۷، م ۱۶۰۹؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۶۸، م ۸۰۷؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۴۶، م ۱۳۱۰؛ شبیری زنجانی، توضیح المسائل، ص ۵۴۷، م ۲۶۱۴؛ وحید خراسانی، توضیح المسائل، ص ۵۴۳، م ۲۶۶۹؛ توضیح المسائل (محشی- امام خمینی)، ج ۲، ص ۷۶۰، م ۲۶۰۵؛ نوری همدانی، توضیح المسائل، ص ۲۸۴، م ۲۶۰۳؛ مظاهری، توضیح المسائل، م ۲۱۶۹، مکارم شیرازی، توضیح المسائل، ص ۴۲۹، م ۲۲۳۸؛ سبحانی، توضیح المسائل، ص ۴۹۰، م ۲۲۵۸؛

۳. سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۴۶، م ۱۳۰۹.

۴. امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۲، القول فی الصيد، ص ۱۴۰ و ۱۴۱، م ۱۴؛ خویی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۳۳۱، م ۱۶۰۹؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۷۷، م ۱۶۰۹؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۶۸، م ۸۰۸؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۴۶، م ۱۳۱۰؛ شبیری زنجانی، توضیح المسائل، ص ۵۴۷، م ۲۶۱۵؛ وحید خراسانی، توضیح المسائل، ص ۵۴۳، م ۲۶۷۰؛ توضیح المسائل (محشی- امام خمینی)، ج ۲،

خلاصه

مصادیق تذکيه با شکار

- ۱ - حيوان تذکيه پذیر وحشی.
- ۲ - حيوان تذکيه پذیر اهلی که وحشی شده باشد.

شرایط شکار با اسلحه

- ۱ - سلاح شکار تیز و برنده باشد.
- ۲ - شکار کننده مسلمان باشد.
- ۳ - شکارچی اسلحه را به جهت شکار استفاده نماید.
- ۴ - در هنگام به کار بردن وسیله شکار، نام خداوند متعال را ببرد.
- ۵ - وقتی به حیوان رسید، اگر زنده است، فرصت کافی برای ذبح آن وجود نداشته باشد.
- ۶ - مرگ حیوان مستند به شکار باشد.

فروع فقهی

- ۱ - شکار با تفنگ در صورتی صحیح است و موجب پاک و حلال شدن می شود، که گلوله آن تیز باشد و در بدن حیوان فرو رود.
- ۲ - شکار توسط دو شکارچی یا دو وسیله شکار در صورتی که هر دو شکارچی یا هر دو وسیله دارای شرایط باشند، صحیح می باشد.
- ۳ - مرگ حیوان مستند به شکار باشد. بنابراین اگر بعد از آن که حیوانی را تیر زدند مثلاً در آب بیفتد و انسان بداند که حیوان به واسطه تیر و افتادن در آب جان

ص ۷۶۱، م ۲۶۰۶؛ نوری همدانی، توضیح المسائل، ص ۲۸۵، م ۲۶۰۴؛ مکارم شیرازی، توضیح المسائل، ص ۴۲۹، م ۲۲۳۹.

فصل چهارم: احکام صید و شکار □ ۱۷۹

داده، حلال نیست، بلکه اگر شک کند که فقط برای تیر بوده یا نه نیز حلال نمی‌باشد.

۴ - شکار بر حیوانات حرام گوشت هم صحیح و دارای اثر می‌باشد و سبب پاک شدن اجزای روح دار آن می‌شود.

۵ - اگر حیوان به وسیله چیزی که شکار کردن با آن صحیح است دو قسمت شود و انسان وقتی برسد که حیوان جان داده باشد یا زنده باشد و به اندازه سر بریدن وقت نباشد، هر دو قسمت حلال است. اما اگر به اندازه سر بریدن وقت باشد، قسمتی که سر و گردن ندارد حرام و قسمتی که سر و گردن دارد، در صورتی حلال می‌شود که سر آن را به دستور شرع ببرند.

۶ - اگر شکار با وسیله‌ای مثل چوب یا سنگ که شکار کردن با آن صحیح نیست، دو قسمت شود، قسمتی که سر و گردن ندارد حرام است و قسمتی که سر و گردن دارد اگر زنده باشد و سر آن را ببرند، حلال و گرنه آن قسمت هم حرام است.

پرسش‌ها

- ۱ - شرایط شکار با اسلحه را نام ببرید.
- ۲ - برای حلیت شکار، ابزار شکار چه خصوصیات باید داشته باشد؟
- ۳ - شکار توسط دو شکارچی یا دو اسلحه در چه صورتی سبب حلیت می‌باشد؟
- ۴ - حکم غصبی بودن اسلحه شکار را بیان فرمایید.
- ۵ - شکاری که به سبب افتادن از بلندی یا افتادن در آب بمیرد چه حکمی دارد؟
- ۶ - حکم دو قسمت شدن شکار را توضیح دهید.

درس نوزدهم

احکام شکار با سگ شکاری^۱

اهداف درس

- از خواننده گرامی انتظار می‌رود پس از فراگیری این درس:
- ۱ - حکم شکار با سگ شکاری یا حیوانات دیگر را بیاموزد.
 - ۲ - شرایط شکار با سگ را به تفصیل بداند.
 - ۳ - حکم شتاب کردن شکارچی به سمت شکار را به تفصیل فراگیرد.
 - ۴ - حکم تعدد شکارچی و تعدد سگ شکاری را بداند.

مقدمه

تذکیه حیوانات به روش‌های مختلفی محقق می‌شود، از جمله صید به سبب شکار با سگ شکاری تربیت شده که در این درس به بیان احکام و شرایط آن پرداخته خواهد شد.

۱. در بحث صید و شکار، آیین‌نامه اجرایی قانون شکار و صید در نظام جمهوری اسلامی وجود دارد، که در پیوست شماره ۱ ذکر خواهد شد باید توجه داشت که بر اساس فتوای مراجع عظام تقلید تخلف از قوانین و مقررات جمهوری اسلامی شرعاً جایز نمی‌باشد.

شکار با سگ شکاری تربیت شده

شکار حیوان وحشی اگر با سگ تعلیم یافته باشد، حلال است، چه تازی (سلوقی)^۱ باشد یا غیر تازی؛ اما شکار با سگی که برای شکار تربیت نشده مانند سگ نگهبان و گله یا شکار با غیر سگ اگر چه تعلیم یافته باشند، حلال نیست، ولی اگر وقتی برسند که حیوان زنده باشد و به دستوری که در شرع معین شده سر آن را ببرند حلال است.^۲ (همه مراجع)

شرایط شکار با سگ شکاری

شرط اول: برای شکار تعلیم دیده باشد

سگ شکاری باید برای شکار تربیت شده باشد، و این به دو امر محقق می‌شود:
۱- هر وقت آن را برای شکار کردن بفرستند، برود؛ ۲- هر وقت از رفتنش جلوگیری کنند، بایستد؛ ولی اگر پس از نزدیک شدن به شکار و دیدن آن، از صاحبش اطاعت نکند، ضرر ندارد.^۳ (همه مراجع)

۱. سگ برّی (سگی که در خشکی زندگی می‌کند) یا سلوقی که غالباً در صید استفاده می‌شود و در فارسی به آن تازی می‌گویند. دلیل نام‌گذاری آن این است که سلوق نام آبادی ای در یمن است که بیشتر سگ‌های آن شکاری بودند، و سگ منسوب به آن را سلوقی می‌گفتند.

۲. امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۲، القول فی الصید، ص ۱۳۵، م ۱؛ توضیح المسائل (محشی- امام خمینی)، ج ۲، ص ۷۶۶، م ۲۶۱۴؛ خوبی، منهاج الصالحین، ص ۳۲۵، م ۱۵۸۷؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۷۰، م ۱۵۸۷، سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۵۹ و ۲۶۰، م ۷۸۵؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۴۹، م ۱۳۲۰؛ مکارم شیرازی، توضیح المسائل، ص ۴۳۱، م ۲۲۴۶؛ شبیری زنجانی، توضیح المسائل، ص ۵۴۹، م ۲۶۲۳؛ نوری همدانی، توضیح المسائل، ص ۲۸۶، م ۲۶۱۲؛ وحید خراسانی، توضیح المسائل، ص ۵۴۴، م ۲۶۷۸؛ مظاهری، توضیح المسائل، م ۲۱۷۰ و ۲۱۷۳؛ آیت الله خامنه‌ای، سایت leader.ir، س ۷۰۷۶۰، موضوع: شکار و ذبح حیوانات.

۳. امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۲، القول فی الصید، ص ۱۳۵، م ۲؛ توضیح المسائل (محشی- امام خمینی)، ج ۲، ص ۷۶۲، م ۲۶۰۹؛ خوبی، منهاج الصالحین، ص ۳۲۵، م ۱۵۸۸؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۷۰، م ۱۵۸۸، سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳،

عادت داشتن سگ به خوردن شکار

قول اول: احتیاط واجب آن است که اگر عادت دارد که پیش از رسیدن صاحبش شکار را بخورد از شکار او اجتناب کنند؛ ولی اگر اتفاقاً شکار را بخورد، اشکال ندارد.^۱ (همه مراجع غیر از آیت الله شبیری زنجانی)

قول دوم: باید عادتش این باشد که تا صاحبش نرسد از شکار نخورد، ولی اگر عادت به خوردن خون شکار داشته باشد یا اتفاقاً از شکار بخورد، اشکال ندارد.^۲ (آیت الله شبیری زنجانی)

شرط دوم: صاحبش آن را بفرستد:^۳

صورت اول) صاحبش آن را بفرستد و اگر از پیش خود دنبال شکار رود و حیوانی را شکار کند، خوردن آن حیوان حرام است.^۴ (همه مراجع)

ص ۲۶۰، مسألة ۷۸۶؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۴۷، م ۱۳۱۲؛ مکارم شیرازی، توضیح المسائل، ص ۴۲۹، م ۲۲۴۱؛ سبحانی، توضیح المسائل، ص ۴۹۰، م ۲۲۶۱؛ شبیری زنجانی، توضیح المسائل، ص ۵۴۸، م ۲۶۱۸؛ نوری همدانی، توضیح المسائل، ص ۲۸۵، م ۲۶۰۷؛ وحید خراسانی، توضیح المسائل، ص ۵۴۳، م ۲۶۷۳؛ مظاهری توضیح المسائل، م ۲۱۷۰.

۱. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، القول فی الصید، ص ۱۳۵، م ۲؛ توضیح المسائل (محشی) - امام خمینی، ج ۲، ص ۷۶۲، م ۲۶۰۹؛ خوبی، منهاج الصالحین، ص ۳۲۵، م ۱۵۸۸؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۷۰، م ۱۵۸۸؛ وحید خراسانی، توضیح المسائل، ص ۵۴۳، م ۲۶۷۳؛ نوری همدانی، توضیح المسائل، ص ۲۸۵، م ۲۶۰۷؛ سبحانی، توضیح المسائل، ص ۴۹۰، م ۲۲۶۱.

۲. توضیح المسائل، آیت الله شبیری زنجانی، ص ۵۴۸، م ۲۶۱۸.

۳. این شرط در توضیح المسائل آیت الله مکارم شیرازی بیان نشده است.

۴. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، القول فی الصید، ص ۱۳۵، م ۳؛ توضیح المسائل (محشی) - امام خمینی، ج ۲، ص ۷۶۲، م ۲۶۰۹؛ خوبی، منهاج الصالحین، ص ۳۲۵، م ۱۵۸۸؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۷۰، م ۱۵۸۸؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۶۰، م ۷۸۶؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۴۷، م ۱۳۱۲؛ مکارم شیرازی، توضیح المسائل، ص ۴۲۹، م ۲۲۴۱؛ سبحانی، توضیح المسائل، ص ۴۹۰، م ۲۲۶۱



صورت دوم) بعد از رفتن به سمت شکار صاحبش بانگ بزند

قول اول: اگر از پیش خود دنبال شکار رود و بعداً صاحبش بانگ بزند که زودتر آن را به شکار برساند اگر چه بواسطه صدای صاحبش شتاب کند، بنا بر احتیاط واجب باید از خوردن آن شکار خودداری نمایند؛ مگر آنکه صاحب سگ ابتدا سگ شکاری را از حرکت به سمت صید باز دارد و بعد از توقف، آن را مجدداً به سمت صید بفرستد.^۱ (همه مراجع به جز آیت الله شبیری زنجانی)

قول دوم: اگر از پیش خود دنبال شکار رود و بعداً صاحبش بانگ بزند که زودتر آن را به شکار برساند، اگر چه به واسطه صدای صاحبش شتاب کند، باید از خوردن آن شکار خودداری نمایند.^۲ (آیت الله شبیری زنجانی)

صورت سوم: اگر صاحبش سگ را برای دفع دشمن یا دور کردن حیوان درنده بفرستد، اما سگ حیوانی را شکار کند، آن حیوان حرام می باشد.^۳ (حضرات آیات امام خمینی، خویی، وحید خراسانی، سیستانی)

صورت چهارم: معتبر است که جنس شکار قصد شود، نه شخص شکار، لذا اگر سگ را برای شکار حیوانی بفرستد و آن سگ حیوان دیگری را شکار کند، آن شکار حلال و پاک است و نیز اگر آن حیوان را با حیوان دیگری شکار کند، هر دوی آنها حلال و پاک می باشند.^۴ (همه مراجع)

۱. شبیری زنجانی، توضیح المسائل، ص ۵۴۸، م ۲۶۱۸؛ نوری همدانی، توضیح المسائل، ص ۲۸۵، م ۲۶۰۷؛ وحید خراسانی، توضیح المسائل، ص ۵۴۳، م ۲۶۷۳؛ مظاهری، توضیح المسائل، م ۲۱۷۰.

۱. همان ها .

۲. شبیری زنجانی، توضیح المسائل، م ۲۶۱۸.

۳. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، القول فی الصيد، ص ۱۳۵، م ۳؛ خویی منهج الصالحین، ص ۳۲۵، م ۱۵۸۸؛ وحید خراسانی، منهج الصالحین، ج ۳، ص ۳۷۰، م ۱۵۸۸؛ سیستانی، منهج الصالحین، ج ۳، ص ۲۶۰، م ۷۸۶.

۴. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، القول فی الصيد، ص ۱۳۵، م ۳؛ توضیح المسائل (محشی)- امام خمینی، ج ۲، ص ۷۶۶، م ۲۶۱۲؛ خویی، منهج الصالحین، ص ۳۲۵، م ۱۵۸۸؛ وحید خراسانی، منهج الصالحین، ج ۳، ص ۳۷۰، م ۱۵۸۸؛ سیستانی، منهج الصالحین، ج ۳،

مسئله اختصاصی: اگر فرستنده سگ، کودک غیر ممیز، دیوانه و مست باشد، که فاقد قصد هستند، شکار آن سگ حرام می باشد.^۱ (آیت الله سیستانی)

شرط سوم: مسلمان بودن شکار کننده^۲

تفصیل این شرط در درس دهم (شرایط مسلمان بودن ذابح) و درس بیست و دوم (شرط دوم از شکار با اسلحه) بیان شده است.

شرط چهارم: ذکر نام خدا

شکارچی وقت فرستادن سگ نام خدا را ببرد و اگر عمداً نام خدا را نبرد، آن شکار حرام است، ولی اگر از روی فراموشی باشد، اشکال ندارد.^۳ (همه مراجع)

ص ۲۶۰، م ۷۸۶؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۴۹، م ۱۳۱۹؛ شبیری زنجانی، توضیح المسائل، ص ۵۴۹، م ۲۶۲۱؛ نوری همدانی، توضیح المسائل، ص ۲۸۶، م ۲۶۱۰؛ وحید خراسانی، توضیح المسائل، ص ۵۴۳، م ۲۶۷۶؛ مظاهری، توضیح المسائل، م ۲۱۷۲؛ مکارم شیرازی، توضیح المسائل، ص ۴۳۱، م ۲۲۴۳.

۱. سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۶۰، م ۷۸۶.
 ۲. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، القول فی الصید، ص ۱۳۵، م ۳؛ توضیح المسائل (محتوی- امام خمینی)، ج ۲، ص ۷۶۲، م ۲۶۰۹؛ خوبی، منهاج الصالحین، ص ۳۲۵، م ۱۵۸۸؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۷۰، م ۱۵۸۸، سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۶۰، م ۷۸۶؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۴۶، م ۱۳۱۱؛ سبحانی، توضیح المسائل، ص ۴۹۰، م ۲۲۶۱؛ شبیری زنجانی، توضیح المسائل، ص ۴۴۸، م ۲۶۱۸؛ نوری همدانی، توضیح المسائل، ص ۲۸۵، م ۲۶۰۷؛ وحید خراسانی، توضیح المسائل، ص ۵۴۳، م ۲۶۷۳؛ مکارم شیرازی، توضیح المسائل، ص ۴۲۹، م ۲۲۴۱؛ مظاهری، توضیح المسائل، م ۲۱۷۰.

۳. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، القول فی الصید، ص ۱۳۵، م ۳؛ توضیح المسائل (محتوی- امام خمینی)، ج ۲، ص ۷۶۲، م ۲۶۰۹؛ خوبی، منهاج الصالحین، ص ۳۲۵، م ۱۵۸۸؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۷۰، م ۱۵۸۸؛ آیت الله سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۶۰، م ۷۸۶؛ آیت الله سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۴۷، م ۱۳۱۲؛ سیستانی، توضیح المسائل، ص ۴۹۰، م ۲۲۶۱؛ شبیری زنجانی، توضیح المسائل، ص ۵۴۸، م ۲۶۱۸؛ نوری همدانی، توضیح المسائل، ص ۲۸۵، م ۲۶۰۷؛ وحید خراسانی، توضیح



وقت بردن نام خدا

قول اول: اگر وقت فرستادن سگ نام خدا را عمداً نبرد و پیش از آن که سگ به شکار برسد نام خدا را ببرد، بنا بر احتیاط واجب باید از آن شکار اجتناب نماید.^۱ (آیات عظام امام خمینی، وحید خراسانی، سبحانی، نوری همدانی)

قول دوم: لازم نیست پیش از فرستادن سگ نام خدا را ببرد، بلکه اگر پیش از آن که سگ به شکار برسد نام خدا را ببرد، حلال است.^۲ (آیات عظام خویی، سیستانی، مکارم شیرازی، مظاهری)

شرط پنجم: به سبب گاز گرفتن بمیرد

شکار به واسطهٔ زخمی که از دندان سگ پیدا کرده، بمیرد. پس اگر سگ، شکار را خفه کند، یا شکار از دویدن یا ترس بمیرد، یا به سبب افتادن در آب یا سقوط از پرتگاه بمیرد، حلال نیست.^۳ (همه مراجع)

المسائل، ص ۵۴۳، م ۲۶۷۳؛ مکارم شیرازی، توضیح المسائل، ص ۴۲۹، م ۲۲۴۱؛ مظاهری، توضیح المسائل، مسئله ۲۱۷۰.

۱. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، القول فی الصيد، ص ۱۳۵، م ۳؛ توضیح المسائل (محتشی-امام خمینی)، ج ۲، ص ۷۶۲، م ۲۶۰۹؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۷۰، م ۱۵۸۸؛ سبحانی، توضیح المسائل، ص ۴۹۰، م ۲۲۶۱؛ نوری همدانی، توضیح المسائل، ص ۲۸۵، م ۲۶۰۷.

۲. خویی، منهاج الصالحین، ص ۳۲۵، م ۱۵۸۸؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۶۰، م ۷۸۶؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۴۷، م ۱۳۱۲؛ مکارم شیرازی، توضیح المسائل، ص ۴۲۹، م ۲۲۴۱؛ مظاهری، توضیح المسائل، م ۲۱۷۰.

۳. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، القول فی الصيد، ص ۱۳۵، م ۳؛ توضیح المسائل (محتشی-امام خمینی)، ج ۲، ص ۷۶۲، م ۲۶۰۹؛ خویی، منهاج الصالحین، ص ۳۲۵، م ۱۵۸۸؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۷۰، م ۱۵۸۸؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۶۰، م ۷۸۶؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۴۷، م ۱۳۱۲؛ سبحانی، توضیح المسائل، ص ۴۹۰، م ۲۲۶۱؛ شبیری زنجانی، توضیح المسائل، ص ۵۴۸، م ۲۶۱۸؛ نوری همدانی، توضیح المسائل، ص ۲۸۵، م ۲۶۰۷؛ وحید خراسانی، توضیح المسائل، ص

شرط ششم: فرصت کافی برای ذبح نباشد

صورت اول: کسی که سگ را فرستاده وقتی برسد که حیوان مرده باشد، یا اگر زنده است به اندازه سر بریدن آن وقت نباشد، حیوان شکار شده حلال است.^۱ (همه مراجع)

صورت دوم: چنانچه وقتی برسد که به اندازه سر بریدن وقت باشد مثلاً حیوان چشم یا دم خود را حرکت دهد، یا پای خود را به زمین بزند، چنانچه سر حیوان را نبرد، تا بمیرد حلال نیست.^۲ (همه مراجع)

صورت سوم: کسی که سگ شکاری را فرستاده، اگر وقتی برسد که بتواند حیوان را ذبح شرعی نماید، چنانچه به سبب تهیّه مقدمات آن به طور متعارف - مانند بیرون آوردن کارد و برطرف کردن پشم یا موی حیوان از گلو جهت ذبح - وقت بگذرد و آن حیوان بمیرد، حلال است.^۳ (همه مراجع)

۵۴۳، م ۲۶۷۳؛ مکارم شیرازی، توضیح المسائل، ص ۴۲۹، م ۲۲۴۱؛ مظاهری، توضیح المسائل، م ۲۱۷۰.

۱. همان ها.

۲. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، القول فی الصید، ص ۱۳۵، م ۳؛ توضیح المسائل (محشی- امام خمینی)، ج ۲، ص ۷۶۲، م ۲۶۰۹؛ خوبی، منهاج الصالحین، ص ۳۲۵، م ۱۵۹۱؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۷۰، م ۱۵۹۱؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۶۰، م ۷۸۶؛ وحید خراسانی، توضیح المسائل، ص ۵۴۳، م ۲۶۷۳؛ سبحانی، توضیح المسائل، ص ۴۹۰، م ۲۲۶۱؛ شبیری زنجانی، توضیح المسائل، ص ۵۴۸، م ۲۶۱۸؛ نوری همدانی، توضیح المسائل، ص ۲۸۵، م ۲۶۰۷؛ مکارم شیرازی، توضیح المسائل، ص ۴۲۹، م ۲۲۴۱؛ مظاهری، توضیح المسائل، م ۲۱۷۰.

۳. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، القول فی الصید، ص ۱۳۵، م ۳؛ توضیح المسائل (محشی- امام خمینی)، ج ۲، ص ۷۶۴، م ۲۶۱۰؛ خوبی، منهاج الصالحین، ص ۳۲۵، م ۱۵۹۲؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۷۰، م ۱۵۹۲؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۶۰، م ۷۸۹؛ وحید خراسانی، توضیح المسائل، ص ۵۴۳، م ۲۶۷۴؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۴۸، م ۱۳۱۶؛ سبحانی، توضیح المسائل، ص ۴۹۰، م ۲۲۶۲؛ شبیری زنجانی، توضیح المسائل، ص ۵۴۸، م ۲۶۱۹؛ نوری همدانی، توضیح المسائل، ص ۲۸۶، م ۲۶۰۸.

صورت چهارم: چسبندگی غلاف و تاخیر در ذبح

قول اول: اگر مثلاً به واسطهٔ زیاد تنگ بودن غلاف یا چسبندگی آن، بیرون آوردن کارد طول بکشد و وقت بگذرد، حلال نمی‌شود.^۱ (آیات عظام امام خمینی، سبحانی)

قول دوم: اگر مثلاً به واسطهٔ زیاد تنگ بودن غلاف یا چسبیدگی آن، بیرون آوردن کارد طول بکشد و وقت بگذرد، به احتیاط واجب حلال نمی‌شود.^۲ (آیت الله نوری همدانی)

صورت پنجم: نداشتن ابزار ذبح

قول اول: اگر چیزی همراه او نباشد که با آن سر حیوان را ببرد و حیوان بمیرد، باید از خوردن آن خودداری کند.^۳ (آیات عظام امام خمینی، سبحانی)

قول دوم: اگر چیزی همراه او نباشد که با آن سر حیوان را ببرد و حیوان بمیرد، احتیاط واجب آن است که از خوردن آن خودداری کنند.^۴ (آیات عظام خویی، وحید خراسانی، سیستانی، مکارم شیرازی، شبیری زنجانی، نوری همدانی)

با شتاب رفتن به سمت شکار

۱. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، القول فی الصید، ص ۱۳۵، م ۳؛ توضیح المسائل (محشی- امام خمینی)، ج ۲، ص ۷۶۴، م ۲۶۱۰؛ سبحانی، توضیح المسائل، ص ۴۹۰، م ۲۲۶۲.
۲. نوری همدانی، توضیح المسائل، م ۲۶۰۸.
۳. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، القول فی الصید، ص ۱۳۵، م ۳؛ توضیح المسائل (محشی- امام خمینی)، ج ۲، ص ۷۶۴، م ۲۶۱۰؛ سبحانی، توضیح المسائل، ص ۴۹۰، م ۲۲۶۲.
۴. خویی، منهاج الصالحین، ص ۳۲۵، م ۱۵۹۲؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۷۰، م ۱۵۹۲؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۶۰، م ۷۸۹؛ وحید خراسانی، توضیح المسائل، ص ۵۴۳، م ۲۶۷۴؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۴۸، م ۱۳۱۶؛ مکارم شیرازی، توضیح المسائل، ص ۴۲۹، م ۲۲۴۱؛ نوری همدانی، توضیح المسائل، ص ۲۸۵، م ۲۶۰۸؛ شبیری زنجانی، توضیح المسائل، ص ۵۴۰، م ۲۶۱۹.

واجب است وقت زمینگیر شدن شکار، به سرعت به سمت آن برود (حضرات آیات خویی؛ وحید خراسانی و سیستانی؛ در صورتی است که احتمال زنده بودن و تذکیه حیوان را درک می کند، به شتاب رفتن به سوی حیوان واجب است) تا اگر حیوان زنده باشد، آن را ذبح نماید. پس اگر به سرعت نرود و حیوان مرده باشد، خوردن آن حلال نیست، و اما قبل از زمینگیر شدن حیوان رفتن به سمت آن واجب نیست، اگر چه احتیاط ترک نشود. اگر در این صورت آن را به حال خودش بگذارد تا سگ او را به قتل برساند و با گاز گرفتن سگ، جان دهد، خوردن آن حلال است.^۱ (آیات عظام امام خمینی، خویی، وحید خراسانی و سیستانی)

تطهیر محل گاز گرفتن سگ

محل گاز گرفتن سگ در بدن حیوان شکار شده نجس است و باید قبل از خوردن آن را تطهیر کنند.^۲ (آیات عظام خویی، وحید خراسانی، سیستانی)

شک در سبب مردن حیوان

اگر شک کند مرگ حیوان شکار شده مستند به جراحت و گاز گرفتن سگ بوده یا به سبب دیگر، کافی نیست؛ البته، اگر اماره و نشانه عرفی وجود داشته باشد بر اینکه مرگ شکار بر اثر جراحت حاصل از گاز گرفتن سگ بوده کافی است، هرچند از آن نشانه، اطمینان حاصل نشود.^۳ (آیات عظام خویی، وحید خراسانی، سیستانی)

۱. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، القول فی الصید، ص ۱۳۵، م ۴؛ خویی، منهاج الصالحین، ص ۳۲۵، م ۱۵۹۳؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۷۰، م ۱۵۹۳؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۶۰، م ۷۹۰.

۲. خویی، منهاج الصالحین، صفحه: ۳۲۵. مسئله: ۱۵۹۴. وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص: ۳۷۰، مسئله: ۱۵۹۴. سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص: ۲۶۰، مسألة ۷۹۱.

۳. خویی، منهاج الصالحین، ص ۳۲۸، م ۱۵۹۶؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۷۲، م ۱۵۹۶؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۶۳، م ۷۹۳؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۴۸، م ۱۳۱۷.

تعدد سگ شکاری برای یک شکار

اگر چند سگ را بفرستند و با هم حیوانی را شکار کنند، چنانچه همه آنها دارای شرطهایی که ذکر شده بوده‌اند، شکار حلال است و اگر یکی از آنها دارای شرایط نباشد، آن شکار حرام می‌باشد. (حضرات آیات خویی، وحید خراسانی، سیستانی: مگر اینکه مرگ حیوان شکار شده، عرفاً مستند به آن که دارای شرایط است، باشد.)^۱ (همه مراجع)

تعدد شکارچی

قول اول: اگر گروهی یک سگ را به شکار بفرستند، با اجتماع جمیع شرایط، در جمیع آنها حیوان حلال است.^۲ (آیات عظام امام خمینی، وحید خراسانی، شبیری زنجانی، نوری همدانی، مظاهری، سیستانی)

قول دوم: اگر چند نفر با هم سگی را بفرستند و یکی از آنان کافر باشد، یا عمداً نام خدا را نبرد، یا چند سگ بفرستند و یکی از آنها تربیت شده نباشد، بنابر

۱. امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۲، القول فی الصيد، ص ۱۳۸، م ۵؛ خویی، منهاج الصالحین، ص ۳۲۷، م ۱۵۹۵؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۷۰، م ۱۵۹۱؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۶۳، م ۷۹۲؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۴۹، م ۱۳۱۸؛ توضیح المسائل (محشی— امام خمینی)، ج ۲، ص ۷۶۵؛ م ۲۶۱۱؛ وحید خراسانی، توضیح المسائل، ص ۵۴۴، م ۲۶۷۵؛ شبیری زنجانی، توضیح المسائل، ص ۵۴۰، م ۲۶۲۰؛ نوری همدانی، توضیح المسائل، ص ۲۸۶، م ۲۶۰۹؛ مکارم شیرازی، توضیح المسائل، ص ۴۳۱، م ۲۲۴۳؛ مظاهری، توضیح المسائل، م ۲۱۷۱.

۲. امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۲، القول فی الصيد، ص ۱۳۸، م ۵؛ توضیح المسائل (محشی— امام خمینی)، ج ۲، ص ۷۶۶، م ۲۶۱۳؛ خویی، منهاج الصالحین، ص ۳۲۷، م ۱۵۹۵؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۳۷۳، م ۱۵۹۵؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۶۳، م ۷۹۲؛ سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، ص ۵۴۹، م ۱۳۱۸؛ وحید خراسانی، توضیح المسائل، ص ۵۴۴، م ۲۶۷۷؛ شبیری زنجانی، توضیح المسائل، ص ۵۴۹، م ۲۶۲۲؛ نوری همدانی، توضیح المسائل، ص ۲۸۶، م ۲۶۱۱؛ مظاهری، توضیح المسائل، م ۲۱۷۱.

احتیاط واجب باید از گوشت آن شکار پرهیز کرد.^۱ (آیت الله مکارم شیرازی)

خلاصه

شرایط شکار با سگ شکاری

- ۱ - سگ تعلیم دیده باشد.
- ۲ - سگ به دستور صاحبش به سمت شکار برود.
- ۳ - حیوان به سبب گاز گرفتن سگ بمیرد.
- ۴ - مسلمان بودن شکار کننده.
- ۵ - ذکر نام خدا.
- ۶ - فرصت کافی برای ذبح وجود نداشته باشد.

نشانه تربیت سگ شکاری

- ۱ - هر وقت آن را برای شکار بفرستند، برود.
- ۲ - هر وقت از رفتنش جلوگیری کنند، بایستد.

فروع فقهی

- ۱ - اگر سگ شکاری عادت دارد که پیش از رسیدن صاحبش شکار را بخورد، بنا بر احتیاط واجب باید از شکار او اجتناب کنند.
- ۲ - اگر سگ شکاری از پیش خود دنبال شکار رود، شکار حلال نمی باشد و اگر از پیش خود به دنبال شکار رود و بعداً صاحبش بانگ بزند که زودتر آن را به شکار برساند، اگر چه به واسطه صدای صاحبش شتاب کند، بنا بر احتیاط واجب باید از خوردن آن شکار خودداری نمایند.
- ۳ - اگر در وقت فرستادن سگ نام خدا را از روی فراموشی نبرد، اشکال ندارد.
- ۴ - اگر عمداً ذکر نام خدا را به تاخیر بیندازد و پیش از آن که سگ به شکار

۱. مکارم شیرازی، توضیح المسائل، ص ۴۳۱، م ۲۲۴۳ و ۲۲۴۵.

برسد، نام خدا را ببرد، بنا بر احتیاط واجب باید از آن شکار اجتناب نماید.

۵ - مرگ حیوان مستند به زخم دندان سگ باشد. بنابراین اگر سگ، شکار را خفه کند، یا به سبب دیگری بمیرد، شکار حلال نمی شود.

۶ - در شکار، محل گاز گرفتن سگ نجس است و باید قبل از خوردن آن را تطهیر کنند.

۷- مبادرت و رفتن شکارچی به سمت شکار بعد از آن که سگ شکار را زمین گیر کرده لازم می باشد، اما قبل از آن لازم نیست؛ هر چند احتیاط در مبادرت می باشد.

۸ - اگر چند نفر با هم سگی را برای شکار بفرستند، با اجتماع تمام شرایط در آنها، شکار حلال خواهد شد.

پرسش‌ها

- ۱- شرایط شکار با سگ شکاری را بیان فرمایید.
- ۲ - تربیت سگ شکاری به چه امری محقق می شود، توضیح دهید.
- ۳ - شرط مسلمان بودن شکارچی را توضیح دهید.
- ۴ - زمان ذکر نام خدا در شکار سگ را بیان کنید .
- ۵ - مبادرت و رفتن به سمت شکار در چه صورتی لازم است ؟
- ۶ - حکم شکار چند سگ یک حیوان و فرستادن چند نفر یک سگ را بیان فرمایید.

پیوست

آیین‌نامه اجرایی قانون شکار و صید

مصوبه شماره ۱۳۱۳۳۳/ت/۵۴۵۸۲-هـ مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۱۴ هیئت وزیران
وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح - وزارت امور اقتصادی و دارایی -
وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی - وزارت جهاد کشاورزی -
سازمان حفاظت محیط زیست.

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۸/۱۰/۸ به پیشنهاد شماره ۱-۲۰۴۵۱ مورخ
۱۳۹۶/۵/۱۶ سازمان حفاظت محیط زیست و به استناد ماده (۲۸) قانون شکار و صید
- مصوب ۱۳۴۶- و اصلاحات بعدی آن، آیین‌نامه اجرایی قانون یادشده را به شرح زیر
تصویب کرد:

آیین‌نامه اجرایی قانون شکار و صید

ماده ۱- در این آیین‌نامه، اصطلاحات زیر در معانی مشروح مربوط به کار
می‌روند:

- ۱- سازمان: سازمان حفاظت محیط زیست.
- ۲- جانوران وحشی: جانورانی که منشأ طبیعی داشته و ذاتاً به صورت وحشی در طبیعت زندگی و تولید مثل می‌کنند. جانوران وحشی موضوع این آیین‌نامه اعم از پستانداران، پرندگان، خزندگان و دوزیستان، بی‌مهرگان و آبزیان می‌باشند.

۳- جانوران وحشی بومی: جانوران وحشی که در طبیعت ایران زندگی می‌کنند. جانوران وحشی در اسارت نیز مشمول این تعریف می‌باشند.

۴- جانوران وحشی غیربومی: جانوران وحشی که بومی ایران نبوده و به هر ترتیب از خارج به کشور وارد شده یا می‌شوند.

۵ - جانوران وحشی در معرض خطر انقراض: جانوران وحشی که به دلیل جمعیت کم یا قرار گرفتن در شرایط زیستی بحرانی و یا تهدیدات ناشی از فعالیت‌های انسانی و تخریب زیستگاه یا تغییرات محیطی و زیست بومی و مانند آنها در معرض خطر نابودی قرار دارند.

۶ - جانوران وحشی حمایت‌شده و حفاظت‌شده: جانوران وحشی که با عوامل تهدیدکننده طبیعی و انسانی یا تخریب زیستگاه با کاهش جمعیت مواجه بوده و چنانچه مورد حمایت و حفاظت ویژه قرار نگیرند، در معرض خطر انقراض خواهند بود.

۷- جانوران وحشی عادی: جانوران وحشی که از لحاظ وضعیت زیستی و جمعیتی شرایط مناسبی داشته و در معرض خطر انقراض نیستند.

۸ - جانوران وحشی زیانکار و آسیب‌رسان: جانوران وحشی که به دلیل افزایش تراز جمعیت سرزمینی مورد تأیید سازمان، موجب ورود خسارت به انسان یا مزارع، باغات و دام و یا سایر گونه‌های جانوری و گیاهی می‌شوند.

۹- قرق اختصاصی: محدوده‌ای از جنگل، مرتع، آب (به جز محدوده‌های مقرر در ماده (۲۹) قانون شکار و صید - مصوب ۱۳۴۶- با اصلاحات بعدی آن) و آب‌بندان، کوهستان و زمین‌های بایر یا دایر که پروانه شکار و صید در آن با رعایت حقوق اشخاص و مقررات مربوط به حفظ و تکثیر و بهره‌برداری از جانوران قابل شکار و صید، پس از هماهنگی با مقامات صلاحیت‌دار وزارت جهادکشاورزی از طرف سازمان برای مدت معین به اشخاص حقیقی یا حقوقی واگذار می‌گردد.

تبصره - ایجاد قرق اختصاصی در مناطق چهارگانه موضوع بند (الف) ماده (۳) قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست - مصوب ۱۳۵۳- با اصلاحات بعدی آن، ممنوع

است.

۱۰- شکار: تعقیب یا تیراندازی یا هر عمل دیگری که منجر به زنده‌گیری یا زخمی شدن یا کشتن جانوران وحشی موضوع این آیین‌نامه (به استثنای آبزبان) شود.

۱۱- صید: کشتن یا گرفتن آبزبان به هر کیفیت و وسیله و طریق یا تیراندازی به آنها.

۱۲- شکارگاه اختصاصی: محدوده‌ای محصور که جانوران وحشی در آن تکثیر می‌شوند یا جانوران وحشی که در اسارت تکثیر شده‌اند، به منظور شکار در آنجا رهاسازی می‌گردند.

تبصره - مرجع تشخیص مصادیق بندهای این ماده شورای عالی حفاظت محیط زیست می‌باشد.

ماده ۲- سازمان موظف است شرایط و مقررات شکار و صید را که هر ساله توسط شورای عالی حفاظت محیط زیست تعیین و ابلاغ می‌گردد، اجرا کند.

ماده ۳- پروانه‌های شکار و صید مذکور در قانون شکار و صید به صورت پروانه‌های عادی، ویژه و انتفاعی صادر می‌گردند.

ماده ۴- پروانه‌های عادی بر حسب درخواست به متقاضیان شکار جانوران وحشی قابل شکار یا صید برای یک یا چند دسته یا مجموع آنها صادر می‌گردد و برای مواردی است که مشمول محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های پنج‌گانه زیر نباشد:

۱- محدودیت و ممنوعیت زمانی (فصول، روزها و ساعات).

۲- محدودیت و ممنوعیت مکانی (پارک‌های ملی، مناطق حفاظت شده، پناهگاه‌های حیات وحش، اثر طبیعی ملی، قرق‌های اختصاصی و مناطق شکار ممنوع).

۳- محدودیت و ممنوعیت نوعی (جانوران در معرض خطر انقراض و حمایت شده و حفاظت شده).

۴- محدودیت و ممنوعیت طریقی (انواع اسلحه و مهمات و روش‌ها و ابزار).

۵ - محدودیت و ممنوعیت اعلامی از سوی سازمان دامپزشکی کشور راجع به شیوع بیماری‌ها در جانوران وحشی که قابل انتقال به انسان است.

ماده ۵ - شورای عالی حفاظت محیط زیست، ضوابط مکانی، زمانی و گونه‌ای شکار و صید را در چهارچوب قانون تعیین کرده و از طریق روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران و پایگاه اطلاع‌رسانی سازمان، به اطلاع عموم می‌رساند. سازمان بر اساس ضوابط یاد شده، پروانه شکار و صید صادر می‌کند. (اصلاحی ۱۴۰۲/۱۱/۲۸)

ماده ۶ - پروانه‌های ویژه برای شکار و صید در مناطق حفاظت شده، پناهگاه‌های حیات وحش، قرق‌های اختصاصی و همچنین شکار و صید جانوران حمایت شده و حفاظت شده صادر می‌گردند.

تبصره - حقوق و تکالیف دارندگان پروانه قرق‌های اختصاصی توسط شورای عالی محیط زیست تعیین می‌شود.

ماده ۷ - پروانه‌های انتفاعی حسب مورد برای شکار و صید جانوران وحشی قابل شکار و صید که جنبه حرفه‌ای یا کسب یا تجارت داشته باشد و همچنین برای خرید و فروش، عرضه، نگهداری، صادرات، واردات، صادرات مجدد، تکثیر و پرورش جانوران وحشی قابل شکار و صید اعم از زنده یا مرده یا اجزای آنها صادر می‌شود.

ماده ۸ - خرید و فروش، آکنده‌سازی (تاکسیدرمی)، عرضه، نگهداری، حمل، صادرات، واردات و صادرات مجدد کلیه جانوران وحشی (اعم از بومی و غیربومی) زنده و کشته و اجزای آنها و جانوران وحشی آکنده‌سازی (تاکسیدرمی) شده بدون تحصیل پروانه از سازمان ممنوع است و متخلفین علاوه بر جبران ضرر و زیان وارده مشمول مجازات‌های موضوع ماده (۱۰) قانون شکار و صید - مصوب ۱۳۴۶ - با اصلاحات بعدی آن می‌شوند.

ماده ۹ - تکثیر یا پرورش یا رهاسازی جانوران وحشی به استثنای آبریان و همچنین ایجاد شکارگاه بدون اخذ پروانه از سازمان ممنوع است.

تبصره ۱ - پروانه تکثیر و پرورش جانوران وحشی با توجه به شرایط زیر صادر می‌گردد:

۱- محل تأسیسات تکثیر و پرورش به تشخیص سازمان نباید مخل بهداشت، آسایش و ایمنی عمومی یا موجب وارد شدن خسارت به جنگل‌ها و مراتع و آلوده شدن آب‌های عمومی و همچنین ایجاد خطر بیماری یا تضعیف نژاد برای جانوران قابل شکار و صید باشد.

۲- طرح عملیات و نقشه ساختمان‌ها باید مورد تأیید سازمان باشد.
تبصره ۲- سایر ضوابط مربوط به این قبیل فعالیت‌ها توسط سازمان تعیین و ابلاغ می‌گردد.

ماده ۱۰- دارندگان پروانه تکثیر و پرورش باید اصول بهداشت و آسایش و ایمنی عمومی و عدم آلودگی آبها و موارد مندرج در این آئین‌نامه و سایر قوانین و مقررات مربوط را رعایت کنند.

ماده ۱۱- سازمان از صدور پروانه تکثیر و پرورش جانوران وحشی که موجب تضعیف نژاد یا ایجاد خطر برای جانوران قابل شکار و صید کشور گردد، خودداری خواهد نمود.

ماده ۱۲- رهاسازی جانوران وحشی تکثیر شده با هماهنگی سازمان صورت خواهد گرفت.

ماده ۱۳- ترخیص جانوران وحشی زنده و مرده و اجزای آنها و تخم پرندگان و خزندگان و دوزیستان وحشی از گمرک جمهوری اسلامی ایران موکول به ارایه موافقت مقامات صلاحیت‌دار دامپزشکی مبدأ صدور، موافقت سازمان دامپزشکی کشور مبنی بر بهداشتی بودن آنها و همچنین مجوز سازمان است؛ به استثنای مواردی که در صلاحیت سایر مراجع صلاحیت‌دار قانونی می‌باشد.

ماده ۱۴- واردات، صادرات و صادرات مجدد گونه‌های ضمیمه کنوانسیون تجارت بین‌المللی گونه‌های گیاهی و جانوری در معرض خطر انقراض (cites) مستلزم رعایت مقررات این کنوانسیون و حسب مورد اخذ مجوزهای مربوط از مراجع قانونی مرتبط می‌باشد. گونه‌های جانوری و گیاهی ضمیمه کنوانسیون مذکور و اجزای آنها یا وسایل و ابزار و تجهیزات و ترکیبات و مانند آنها که از اجزای آنها ساخته یا تولید و بر خلاف

مقررات کنوانسیون به کشور وارد گردند، توقیف و برابر مقررات کنوانسیون با آنها رفتار خواهد شد.

ماده ۱۵- سازمان مکلف است قبل از صدور، تمدید یا تجدید دفترچه‌های شناسایی شکارچیان نسبت به برگزاری دوره‌های آموزشی قوانین و مقررات شکار و صید اقدام و گواهی آموزشی مربوط را صادر نماید.

ماده ۱۶(اصلاحی ۱۴۰۰)- صدور یا تمدید اعتبار پروانه های حمل و نگهداری سلاح شکاری در چهارچوب قوانین و مقررات مربوط توسط مراجع ذیصلاح انجام می پذیرد.

ماده ۱۷- صدور پروانه حمل و نگهداری سلاح شکاری برای افراد دارای سابقه کیفری مؤثر و افراد فاقد گواهی آموزشی موضوع ماده (۱۵) این آیین‌نامه ممنوع است.

ماده ۱۸- وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و سایر دستگاه‌های سازنده و تولیدکننده و واردکننده اسلحه و مهمات شکاری موظفند در راستای حمایت از تنوع زیستی کشور، در برنامه ریزی های سالانه خود برای تولید و واردات اسلحه و مهمات شکاری برای مصرف داخلی، نظر سازمان را اخذ نمایند.

ماده ۱۹- وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و سایر مقامات صلاحیتدار به تقاضای سازمان، پروانه حمل اسلحه کسانی را که برخلاف مقررات شکار عمل نمایند، لغو خواهد نمود.

ماده ۲۰- وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی در مواقعی که اجرای طرح (پروژه)ها و اقدامات مرتبط با وظایف آنها از لحاظ حفظ نسل جانوران وحشی در معرض خطر تهدید و زیستگاه‌های آنها زیان آور بوده و خطر انقراض یا کاهش جمعیت حیات وحش را در پی داشته باشد، تدابیر لازم را مطابق نظر سازمان برای اصلاح و تجدیدنظر در طرح(پروژه)ها به نحوی که باعث کاهش خطرات و حفظ نسل جانوران وحشی شود، به عمل خواهند آورد.

ماده ۲۱- وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی باید در مواردی که سازمان تشخیص دهد طرح‌های مربوط به سدسازی، آبراه (کانال)‌سازی، تغییر و انحراف مسیر رودخانه‌ها، ساختمان پل‌ها، قطع جنگل، اجاره مراتع دولتی، دفع آفات و سایر موارد مشابه که از لحاظ حفظ نسل جانوران وحشی زیان‌آور است، نظر سازمان را مورد توجه قرار دهند.

ماده ۲۲- آیین‌نامه اجرایی قانون شکار و صید موضوع تصویب نامه شماره ۷/۷۶۴۰ مورخ ۱۳/۱۰/۱۳۴۶ و اصلاحات بعدی آن لغو می‌شود.

معاون اول رئیس جمهور - اسحاق جهانگیری

کتابنامه

قرآن کریم

۱. ابن منظور، ابوالفضل، جمال‌الدین، محمد بن مکرم، لسان العرب، ۱۵ جلد، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، بیروت، لبنان، سوم، ۱۴۱۴ هـ.ق.
۲. اصفهانی، حسین بن محمد راغب، مفردات ألفاظ القرآن، در یک جلد، دار العلم - الدار الشامیة، لبنان - سوریه، اول، ۱۴۱۲ هـ.ق.
۳. امام خمینی، روح الله، استفتاءات، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، تهران، ۱۳۹۲ ش.
۴. امام خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، مؤسسه تنظیم و نشر آثار الإمام الخمینی (قدس سره)، تهران، ۱۳۹۲ ش.
۵. امام خمینی، سید روح الله موسوی، توضیح المسائل (محشی - امام خمینی)، ۲ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، هشتم، ۱۴۲۴ هـ.ق.
۶. جوادی آملی، عبدالله، رساله توضیح المسائل همراه با استفتائات آیت الله جوادی آملی، قم، اسراء، سال نشر: ۱۳۹۴ هـ ش.
۷. خامنه‌ای، سید علی، اجوبه الاستفتائات: پاسخ به پرسش‌های شرعی مطابق با فتاوی مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، انقلاب اسلامی، فقه روز (وابسته به انتشارات انقلاب اسلامی)، ۱۴۰۲ هـ ش.

۸. خامنه‌ای، سید علی، آموزش مصور احکام، طبق فتاوی حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای دام ظلّه، انقلاب اسلامی، فقه روز (وابسته به انتشارات انقلاب اسلامی)، ۱۴۰۱ ش.
۹. خامنه‌ای، سید علی، مناسک حج، تهران، مشعر، ۱۳۸۵ هـ ش.
۱۰. خامنه‌ای، سید علی، رساله‌ی آموزشی، انتشارات انقلاب اسلامی، نشر فقه روز، (وابسته به انتشارات انقلاب اسلامی)، تهران، ۱۳۹۸ هـ ش.
۱۱. خویی، سید ابوالقاسم، ۱۴۲۲ هـ ق،، توضیح المسائل (خویی)، قم، مؤسسهٔ إحياء آثار الامام الخوئی.
۱۲. خویی، سید ابوالقاسم، منهاج الصالحین، مدینه العلم، آیت الله العظمی الخویی، قم، ۱۴۱۰ ق.
۱۳. خویی، سید ابوالقاسم موسوی، استفتائات، قم، مؤسسهٔ إحياء آثار الامام الخویی، ۱۳۸۱ ش.
۱۴. خویی، سید ابوالقاسم موسوی، التنقیح فی شرح العروه الوثقی، ۶ جلد، قم، اول، ۱۴۱۸ هـ ق.
۱۵. خویی، سید ابو القاسم موسوی، مصباح الفقاهة (المکاسب)، قم، مؤسسه انصاریان، مقرر: محمد علی توحیدی، ۷ جلد، ۱۴۱۷ هـ ق.
۱۶. دهخدا علی‌اکبر، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷ هـ ش.
۱۷. زبیدی مرتضی، محمد بن محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، دار الفکر، بیروت - لبنان، ۱۴۱۴ ق.
۱۸. زنجانی، سید موسی شبیری، استفتائات، مرکز فقهی امام محمد باقر (علیه السلام) وابسته به دفتر حضرت آیت الله شبیری زنجانی، ۱۴۰۲ هـ ش.
۱۹. زنجانی، سید موسی شبیری، رساله توضیح المسائل، انتشارات سلسبیل، قم، اول، ۱۴۳۰ هـ ق.
۲۰. سبحانی تبریزی، جعفر، استفتاءات، ۳ جلد، مؤسسه امام صادق علیه السلام - قم، ۱۳۸۹ هـ ش.

۲۱. سبحانی تبریزی، جعفر، توضیح المسائل، مؤسسه امام صادق علیه السلام - قم، ۱۳۸۶ هـ ش ۱۴۲۹ هـ ق.
۲۲. سیستانی، سیدعلی، توضیح المسائل جامع، ۴ جلد، مشهد، دفتر مرجع عالیقدر حاج سید علی حسینی سیستانی، ۱۴۰۱ هـ ش.
۲۳. سیستانی، سیدعلی حسینی، المسائل المنتخبة، مکتب آیت الله العظمی السید السیستانی، قم، ۱۴۲۲ ق.
۲۴. سیستانی، سید علی حسینی، توضیح المسائل، قم، ۱۳۹۳ ش.
۲۵. سیستانی، سیدعلی حسینی، منهاج الصالحین، ۳ جلد، مکتب آیت الله العظمی السید السیستانی، قم، ۱۴۱۵ ق.
۲۶. صاحب بن عباد، کافی الکفاه، اسماعیل بن عباد، المحيط فی اللغة، ۱۰ جلد، عالم الكتاب، بیروت، اول، ۱۴۱۴ هـ ق.
۲۷. طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه تفسیر مجمع البیان، ۱۸ جلد، تهران، فراهانی، ۱۳۵۹ هـ ش .
۲۸. عاملی، حرّ، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ۲۹ جلد، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، قم، اول، ۱۴۰۹ هـ ق.
۲۹. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، ۸ جلد، نشر هجرت، قم، دوم، ۱۴۱۰ هـ ق.
۳۰. قمّی، صدوق، محمد بن علی بن بابویه، من لایحضره الفقیه، ۴ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دوم، ۱۴۱۳ هـ ق.
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر و آخوندی، ۸ جلد، دارالکتب الإسلامیة، چاپ چهارم، تهران، ۱۴۰۷ ق.
۳۲. مظاهری، حسین، توضیح المسائل، مؤسسه فرهنگی مطالعاتی الزهراء (علیها السلام) - اصفهان، ۱۳۸۹ هـ ش .
۳۳. مکارم شیرازی، ناصر. گردآورنده ابوالقاسم علیان نژادی، استفتاءات، قم، مدرسه الإمام علی بن أبی طالب (علیه السلام)، ۱۴۲۷ ق.

۳۴. مکارم شیرازی، ناصر، رساله توضیح المسائل، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، قم، دوم، ۱۴۲۴ هـ ق
۳۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۳ ش.
۳۶. نوری همدانی، حسین، توضیح المسائل، مهدی موعود (عج)، قم، ۱۳۹۳ ش.
۳۷. نوری همدانی، حسین، هزار و یک مسئله (مجموعه استفتاءات)، مهدی موعود (عج)، قم، ۱۳۸۸ ش.
۳۸. نوری همدانی، حسین، استفتاءات، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (علیه السلام)، سال ۱۳۸۴ هـ ش.
۳۹. وحید خراسانی، حسین، منهاج الصالحین، ۳ جلد، مدرسه امام باقر (علیه السلام)، قم، پنجم، ۱۴۲۸ هـ ق.
۴۰. وحید خراسانی، حسین، توضیح المسائل، قم، مدرسه الامام باقر العلوم، ۱ جلد، ۱۳۹۱ هـ ش.
۴۱. هاشمی شاهرودی، سید محمود، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (علیهم السلام)، ۱۳۸۲ هـ ش.

وبگاهها

۱. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حضرت آیت الله العظمی مظاهری
۲. (<https://www.shiadirectory.org/Main/fa/websiteid/152>)
۳. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حضرت آیت الله سبحانی
۴. (<https://www.shiadirectory.org/Main/fa/websiteid/12264>)
۵. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مرجع عالیقدر آقای سید علی حسینی سیستانی
۶. (<https://www.sistani.org/persian>)
۷. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی

۸. (<https://www.makarem.ir/index.aspx?lid=0>)
۹. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی نوری همدانی
(<https://noorihamedani.ir>) . ۱۰
۱۱. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری (<https://www.leader.ir>)
۱۲. دفتر مرجعیت آیت الله العظمی جوادی آملی (<https://javadi.esra.ir>)
۱۳. سایت رسمی دفتر حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی
۱۴. <http://wahidkhorasani.com/%D9%81%D8%A7%D8%B1%D8%B3%DB%8C>